مناسک حج

مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی [illegible]

مرجع عظیم تقلید



بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک حج

نویسنده:

امام خمینی (ره)

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک حج

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸.

عنوان و نام پدیدآور : مناسک حج/ مطابق با فتاوای امام خمینی؛ با حواشی محمدعلی اراکی... [و دیگران].

مشخصات نشر : قم: مدرسه امام علی‌بن ابی‌طالب(ع)، ۱۳۷۴.

مشخصات ظاهری : ۴۸۰ص.

شابک : ۶۰۰۰ریال

یادداشت : چاپ قبلی: بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۷۳.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : حج -- رساله عملیه

موضوع : حج

شناسه افزوده : انصاری اراکی، محمدعلی، ۱۳۰۷ -

شناسه افزوده : مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب(ع).

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/خ۸م۸ ۱۳۷۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م۷۵-۸۷۶۶

فهرست مطالب

مناسک حج (امام خمینی)، پیشگفتار، ص: ۶

مناسک حج (امام خمینی)، پیشگفتار، ص: ۹

پیشگفتار

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ. فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً.

کعبه، خانهٔ ناس و مکّه، حرم امن الهی و مهبط فرشتگان و محل نزول جبرائیل امین است. در این سرزمین مقدس بود که یتیمی از

نوادگان خلیل اللّه رسالت ابلاغ آئین جهانی و جاوید اسلام را بر عهده گرفت.

فرمانِ قُمْ فَأَنْذِرْ یافت. بتها را شکست و همراه با محرومان و پابرهنگان، این مظلومان همیشهٔ تاریخ، به قیام برخاست. شعارش:

قُولُوا لا الهَ الا اللّه تُفلِحُوا

بود و تمـام عمر برای رسـتگاری امتش مبارزه کرد. ثمرهٔ قیام، هجرت و جهاد بی‌وقفـهٔ آن حضـرت، در تحکیم و گسترش دین خـدا ظاهر گشت.

پیامبر اکرم- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- نماز، زکات، جهاد و دیگر مناسک آئین خداپرستی و از آن جمله «حج ابراهیمی» را احیا کرد و بـدین ترتیب حـج، تجلیگاه عظمت و اقتدار پیروان دین حنیف و مظهر وحدت و اخوّت اسـلامی و کانون یکتاخواهی و مرکز فریاد برائت امّت از شرک و بت‌پرستی شد.

مناسک حج (امام خمینی)، پیشگفتار، ص: ۱۰

حج و مناسک شگفت‌انگیزش جلوه‌ای بارز از اعتلای دین حق و نمایشگر تمامیت اسلام ناب محمدی (ص) است.

ولی افسوس که تبلیغات انحرافی وعّاظ السلاطین و سیاست‌زدایی آخوندهای درباری موجب گردید تا روح حقیقیِ حج به فراموشی سپرده شود و از ابعاد فراوان سیاسـی و اجتماعی و عبادی حـج تنها بُعد عبادی- آن هم خالی از روح واقعی پرسـتش- ترویج و تبلیغ گردد.

پیـدایش و پیروزی انقلاب اسـلامی در ایران کـه اساساً برای تجدیـد مجـد و عظمـت امّت و بـازگشت به هـویت خـویش و احیـای انـدیشه‌های ناب اسـلامی به منصّه ظهور رسیده بود، سـبب شد تا شـعائر الهی دوباره در سـطح حیات جوامع اسـلامی مطرح و زنده شونـد. باب مبارزه و جهاد فی سبیل اللّه گشوده شـد، مسـجدها سـنگر خودسازی و مبارزه، و محلی برای تجهیز سـپاه اسلام شدنـد، نمازهـای جمعه به عنوان نمایش وحـدت و حضور آگاهانـهٔ مردم در صـحنه‌های دفاع از اسـلام اقامه گردیدنـد و حـج آن گونه که ابراهیم خلیـل الرحمن (ع) بنیـادش نهـاد و پیامبر عظیم الشأن اسـلام (ص) اعتلایش بخشـید، پس از قرنها غربت دوباره کانونی برای تجمع پیروان دین حنیف و منادیان توحید و مرکز فریاد برائت از تمامی مظاهر شرک و استکبار گردید.

و این همه مـدیون مجاهـدات طاقت‌فرسا، بیدارگریهای مسـتمر و راهبریهای مردمی از تبار صالحان زمین در عصـر حاضـر بود. آری خمینی بزرگ، معمار تجدید حیات اسـلام واقعی و منادی وحدت امت اسـلامی، در طول حیات خویش همواره کوشید تا پیرایه‌ها و زنگارهایی که بر اثر تلاش مشترک دشمنان دین و متحجرین و دین به دنیافروشان بر جوهر

مناسک حج (امام خمینی)، پیشگفتار، ص: ۱۱

مفاهیم و مناسک اسلامی نشسـته بود، بزدایـد و اسـلام ناب و پاک را آن گونه که پیامبر اکرم (ص) ترسـیم کرده بود به نسل تشـنهٔ عدالت و حقیقت عرضه دارد.

بدون تردید یکی از بااهمیت‌ترین دستاوردهای نهضت امام خمینی (س) احیای حجّ ابراهیمی است.

البته در جبهه مقابل نیز دشـمن از پای ننشـست و تمامی ابزار و امکانات خویش را تحت لوای اسلام امریکایی بسیج نمود تا از ابلاغ پیام حرکت‌زا و حیات‌آفرین امام خمینی جلوگیری کند.

اینک در آستانه برگزاری مراسم حج، این کنگره بزرگ جهانی اسلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در راستای انتشار میراث فرهنگی آن حضـرت، اقـدام به تجدیـد چـاپ مناسـک حـج که مطـابق بـا فتـاوی رهبر کبیر انقلاب اسـلامی است می‌نمایـد. ویژگیهای مناسک حاضر ذیلًا مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. مسائلی از بخش حج تحریر الوسیله ترجمه و در متن آن افزوده شده است.

۲. حدود ۵۵۰ مسألهٔ جدید که در اثنای حج و در طی سالهای گذشـته مورد نیاز حجاج محترم قرار گرفته و از حوزهٔ اسـتفتاء مسـتقر

در بعثهٔ حضرت امام- مدّ ظله العالی- سؤال شده، همراه با پاسخ آنها به این مناسک اضافه شده است و برای آنکه پیدا کردن و دسترسی به هر یک از مسائل مذکور و همچنین مسائل متفرقه‌ای که قبلًا در مناسک بوده آسانتر شود، بر حسب تناسب، تفکیک و تحت عنوان مسائل متفرقه در ذیل هر یک از ابواب و فصول مربوطه گنجانده شده است.

مناسک حج (امام خمینی)، پیشگفتار، ص: ۱۲

لازم به تذکر است که حدود یکصد مورد از این سؤال و جوابها در چاپ قبلی یکجا در پایان کتاب چاپ شده بود که اکنون در ضمن همین مسائل قرار گرفته است.

۳. پاره‌ای از فصول و بخشهای این مناسک با ترتیبی جدید تنظیم شده و برخی از مسائل غیر ضروری حذف و بعضی از تعبیرات و الفاظ با حفظ محتوا و مفهوم، تغییر یافته است.

این مناسک بعد از آنکه با ویژگیهای فوق الذکر زیر نظر و به وسیله آیت الله قدیری و همکاری آیت الله خاتم یزدی از اعضای حوزهٔ استفتاء حضرت امام آماده گردید، در زمان حیات آن حضرت به عرض و نظر مبارکشان رسید و معظمٌ له پس از ملاحظه و تأیید، اجازه فرمودند به چاپ آن اقدام و در اختیار امت اسلام قرار گیرد.

از خداوند متعال توفیق حجاج محترم را در انجام هر چه بهتر مناسک عبادی و سیاسی حج و تحقق بخشیدن به اهداف والای این فریضهٔ بزرگ الهی خواستاریم ....

مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱

مقدمه

بدان که بر هر مکلّف که جامع شرایط باشد وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می‌رود. ترک حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. خداوند متعال در قرآن مجید فرمود:

وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ.

شیخ کلینی- قده- به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که هر کس از دنیا رود و حَجهٔ الاسلام را به جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن بازماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کس در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت. این آیه و این روایت در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چون که مستحبات حج، بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲

بقیه را به کتب مفصله وامی‌گذاریم که به جا آوردن آنها به امید ثواب اشکالی ندارد؛ و نظر به اینکه این مناسک برای فارسی زبانان می‌باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به بیان احکام آنها شد و قبل از شروع در مناسک که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعض مسائل و شرایط وجوب حَجهٔ الاسلام و بعض مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مسألهٔ دیگر بیان می‌شود.

مسألهٔ ۱- حَجهٔ الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

مسألهٔ ۲- وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است؛ یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست و

در صورت تأخیر واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین ...

مسألهٔ ۳- اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیهٔ اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است، به طوری که در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد حج بر او مستقر می‌شود که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳

شرایط وجوب حَجهٔ الاسلام

اشاره

با چند شرط، حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست.

۱ و ۲. بلوغ و عقل

پس بر کودک و دیوانه حج واجب نیست.

مسألهٔ ۱- اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حَجهٔ الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲- اگر کودک ممیز برای حج مُحرم شود و در وقت درک مشعر الحرام بالغ باشد کفایت از حَجهٔ الاسلام می‌کند و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود.

مسألهٔ ۳- کسی که گمان می‌کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حَجهٔ الاسلام نمی‌کند مگر در صورتی که قصد وظیفهٔ فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباهاً تطبیق کرده باشد.

مسألهٔ ۴- از برای بچهٔ ممیّز مستحب است حج رفتن، و صحیح است حج او اگر چه ولیّ او اذن ندهد، لکن بعد از بالغ شدن اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

مسألهٔ ۵- مستحب است ولیّ طفل غیر ممیّز مُحرم کند او را و لباس

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴

احرام به او بپوشاند، و نیت کند که این طفل را مُحرم می‌کنم برای حج یا این طفل را معتمر می‌کنم به عمرهٔ تمتع، و اگر می‌شود، تلبیه را تلقین کند به او، و الّا خودش به عوض او بگوید.

مسألهٔ ۶- بعید نیست که ولیّ در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است، اگر چه ولیّ شرعی نباشد.

مسألهٔ ۷- بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولیّ، او را از مُحرّمات احرام بازدارد، و اگر ممیّز نیست، خود ولیّ حفظ کند او را از محرمات.

مسألهٔ ۸- بعد از اینکه طفل مُحرم شد اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولیّ، او را از آنها بازنداشت، کفاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن نیز.

مسألهٔ ۹- گوسفند قربانی برای حج بر عهدهٔ ولیّ طفل است.

مسألهٔ ۱۰- تمام اعمال حج و عمره را باید ولیّ، طفل را وادار کند که به جا آورد و اگر نمی‌تواند، ولیّ او به نیابت طفل به جا آورد.

مسألهٔ ۱۱- اگر طفل نابالغ قبل از اینکه در میقات مُحرم شود، بالغ شد، حج او حَجهٔ الاسلام است، اگر از همان جا که مُحرم می‌شود

مستطیع باشد.

۳. حریّت.

[۴. استطاعت]

اشاره

۴. استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و بازبودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.

مسألهٔ ۱- استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مَرکب سواری است، و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵

مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد؛ و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می‌شود.

مسألهٔ ۲- شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن این که ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد، داشته باشد، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدّی که مناسب با شأن او باشد و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

مسألهٔ ۳- اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حَجهٔ الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۴- کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج مصارف ازدواج را هم داشته باشد.

مسألهٔ ۵- کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیهٔ شرایط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حالّ است و می‌تواند بدون واقع شدن در حَرَج و مشقت، آن را بگیرد، واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود؛ و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد، لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود، ولی اگر مدیون نمی‌خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

مسألهٔ ۶- اگر غیر مستطیع مصارف حج را قرض کند مستطیع

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶

نمی‌شود، هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند و اگر با آن حج به جا آورد از حَجهٔ الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۷- کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه بدهی او مدت‌دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از ادای آن را دارد، واجب است به حج برود و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، لکن طلبکار راضی به تأخیر ادای باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می‌تواند بدهی را ادای نماید و در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

مسألهٔ ۸- کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد.

مسألهٔ ۹- کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست، می‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند، ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد، حج بر او مستقر می‌شود و باید به هر نحو است به حج برود.

مسألهٔ ۱۰- اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

مسألهٔ ۱۱- کسی که استطاعت حج دارد باید خرجهای مقدماتی را از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷

خرجها موجب سقوط حج نمی‌شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

مسألهٔ ۱۲- اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همین طور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آنکه به قدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود.

مسألهٔ ۱۳- شخص مستطیع اگر پول ندارد، لکن ملک دارد، باید بفروشد و به حج برود، اگر چه به واسطهٔ مشتری نداشتن به کمتر از قیمت معمولی بفروشد، مگر آنکه فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود.

مسألهٔ ۱۴- کسانی که کتب زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست و اگر زاید را بفروشند به قدر مئونه حج می‌شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج بروند؛ بلکه اگر از کتب موقوفه رفع احتیاج می‌شود و کتاب ملکی به قدر حج هست، واجب است حج بروند، به شرط آنکه کتابهای موقوفه در معرض زوال نباشد.

مسألهٔ ۱۵- اگر شک کند که مالی که دارد به اندازهٔ استطاعت هست یا نه، احتیاط واجب آن است که تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق میان آنکه مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

مسألهٔ ۱۶- اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلّی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود، و نذر مانع از حج نمی‌شود، و اگر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸

نرفت حج بر او مستقر می‌شود، و باید به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی‌شود؛ ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفارهٔ نذر را باید بدهد.

مسألهٔ ۱۷- اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می‌شود، باید ملاحظهٔ اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمیتش بیشتر است باید برود، و الّا نباید برود، لکن اگر رفت و حرامی به جا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت‌کار است؛ ولی حج او صحیح است.

مسألهٔ ۱۸- اگر با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت از حَجهٔ الاسلام نمی‌کند مگر در صورتی که قصد وظیفهٔ فعلیه نموده باشد و اشتباهاً آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

مسألهٔ ۱۹- اگر شخص، زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و نفقهٔ تو و عائلهات بر عهدهٔ من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع باذِل، حج واجب می‌شود و این حج را بذلی می‌گویند و در آن رجوع به کفایت که از شرایط وجوب است شرط نیست، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود واجب نیست.

مسألهٔ ۲۰- اگر مالی که برای حج کفایت می‌کند را به او ببخشند برای اینکه حج به جا آورد باید قبول کند و حج به جا آورد و همچنین اگر واهب بگوید مخیّری بین اینکه حج بجاآوری یا نه، ولی اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد، قبول واجب نیست.

مسألهٔ ۲۱- باذِل می‌تواند از بذلش برگردد ولی اگر در بین راه باشد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹

باید نفقه برگشتن او را بدهد و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقهٔ اتمام حج را نیز بپردازد.

مسألهٔ ۲۲- پول قربانی در حج بـذلی بر عهـدهٔ باذل است ولی کفارات بر عهـدهٔ او نیست و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی‌شود مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

مسألهٔ ۲۳- کسـی که در راه حج برای خدمت اجیر شود به اجرتی که با آن مستطیع می‌شود حج بر او واجب می‌شود، هر چند اجاره بر او واجب نبوده است؛ ولی بعد از آن مستطیع می‌شود و باید حج به جا آورد.

مسألهٔ ۲۴- کسـی که برای نیابت از دیگری اجیر شـد و با اجرت آن مسـتطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد، و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد.

مسألهٔ ۲۵- شرط است در استطاعت که مخارج عائله‌اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند.

مسألهٔ ۲۶- شـرط است در استطاعت رجوع به کفایت؛ یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک مثل باغ و دکان داشـته باشـد، به طوری که برای زنـدگانی به شـدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشـته باشـد کافی است؛ و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد کفایت نمی‌کند، بنا بر این بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه‌های علمیه دارند، حج واجب نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰

مسألهٔ ۲۷- شـرط است در وجوب حـج، اسـتطاعت بدنی و اسـتطاعت از جهت باز بودن راه و اسـتطاعت زمانی؛ پس بر مریضـی که قـدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشـقت زیاد دارد، واجب نیست و بر کسـی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به طوری که نمی‌تواند به حج برسد نیز واجب نیست.

مسألهٔ ۲۸- اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کرد، حج بر او مستقر می‌شود و باید بعداً به هر نحو می‌تواند به حج برود.

مسألهٔ ۲۹- مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که بعداً بیان می‌شود.

مسألهٔ ۳۰- کسـی که خودش مسـتطیع است نمی‌توانـد از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج اسـتحبابی به جا آورد و اگر حج نیابی یا استحبابی به جا آورد، باطل است.

مسألهٔ ۳۱- کسـی که حـج بر او مسـتقر شـد و به جا نیاورد تا فوت شـد، بایـد از ترکـهٔ او برای او حـج بدهنـد و حـج میقاتی کفایت می‌کنـد و تا حـج او را ندهنـد ورثه نمی‌توانند در ترکه تصـرف نمایند و لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشـد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود، و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند، و اگر وصـی یا وارث اهمال کننـد و تأخیر بیندازنـد و ترکه از بین برود، ضامننـد؛ بلی اگر میت ترکه نداشـته باشـد، بر وارث، حـج او واجب

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱

نمی‌شود.

مسائل متفرقهٔ استطاعت

مسألهٔ ۱- اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت

مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست، و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد مستطیع نمی‌شود، هر چند ارثی که برده برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

مسألهٔ ۲- زنی که مهریه‌اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبهٔ آن برای زن مفسده‌ای ندارد با فرض اینکه شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد، مثل اینکه ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود، که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

مسألهٔ ۳- با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی‌شود، و اگر به مکه برود کفایت از حَجهٔ الاسلام نمی‌کند.

مسألهٔ ۴- اگر کسی منزل گرانقیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شئون او نباشد، لازم نیست آن را بفروشد و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲

با این فرض مستطیع نیست؛ و اگر زاید بر شئون او باشد با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

مسألهٔ ۵- کسی که از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج، مقداری از مئونه زندگی خود را از درآمد کسب مثل منبر، و بقیه را از شهریه‌ای که از وجوه شرعیه است تأمین می‌کند، اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج نیاز به شهریه داشته باشد، مستطیع نیست.

مسألهٔ ۶- اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند، در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی‌شود؛ هر چند پولی که به دست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسألهٔ ۷- اگر شخصی از سالهای قبل مستطیع بوده و فعلًا مسافرت با هواپیما به جهت کسالت برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیلهٔ دیگری برای او فراهم نباشد، نمی‌تواند نایب بگیرد و باید در وقت تمکن به حج برود؛ و اگر متمکن نشد تا فوت شد باید از ترکه او برای حج بدهند؛ و اگر از سالهای قبل استطاعت نداشته، در فرض مزبور مستطیع نشده است.

مسألهٔ ۸- هرگاه زنی با کسب، می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می‌افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد، مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت زن نمی‌شود.

مسألهٔ ۹- کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳

حج برود، هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد؛ ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت، مستطیع می‌شود و کفایت از حَجهٔ الاسلام می‌کند.

مسألهٔ ۱۰- کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه‌کشی شرکت نموده و از جهت اینکه قرعه به نامش اصابت نکرده، نتوانسته به حج برود، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست؛ ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سالهای بعد در قرعه‌کشی شرکت کرد، حج بر او مستقر شده است، هر چند قرعه به نام او اصابت نکند.

مسألهٔ ۱۱- کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد؛ و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

مسألهٔ ۱۲- در حصول استطاعت فرقی نیست بین اینکه در شهر حج یعنی شوال و ذیقعده و ذیحجه مال پیدا کند یا قبل از آن؛ بنا بر این اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوایل سال و قبل از ماههای حج.

مسألهٔ ۱۳- خدمهٔ کاروانها که وارد جده می‌شوند اگر سایر شرایط استطاعت را دارند از قبیل: داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع با کفایت، مثلًا کار و صنعت و غیر آن که با آنها می‌توانند پس از مراجعت ادامهٔ زندگی مناسب خود را بدهند، مستطیع هستند و باید حَجهٔ الاسلام

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴

به جا آورند و کفایت از حج واجبِ آنان می‌کند؛ و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است؛ و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند باید حج واجب را به جا آورند، و حکم روحانی کاروان نیز همین است، لکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریهٔ حوزه دارند، مستطیع نمی‌شوند.

مسألهٔ ۱۴- پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حَجهٔ الاسلام به جا آورند، هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

۱۵- س- کسی که در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلًا در بیمارستان است و دکترها گفته‌اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد اگر او را به مکه ببرند، وظیفهٔ این شخص چیست؟

ج- اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال حتی به نحو اضطراری را ندارد از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست؛ ولی برای دخول مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمرهٔ مفرده و لو اضطراری آن از احرام خارج می‌شود؛ و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده، اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحرم شود و عمرهٔ مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد؛ و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد و لو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می‌تواند و لو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵

نمی‌تواند، نایب بگیرد؛ ولی در وقوفین گرفتن نایب کافی نیست.

۱۶- س- کسی که احتمال می‌دهد حجی که در سالهای قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلًا شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیّتی به جا آورد؟

ج- می‌تواند قصد ما فی الذمه، یعنی قصد امتثال مطلقِ امرِ متوجه به او را کند و می‌تواند قصد حَجهٔ الاسلام احتیاطاً نماید.

۱۷- س- شخصی که حج واجب خود را انجام داده است، آیا می‌تواند آن را به قصد ما فی الذمه اعاده کند؟

ج- مانع ندارد؛ ولی اعادهٔ حج کفایت از اجزاء- در صورت صحت حج سابق و بطلان اجزاء- نمی‌کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

۱۸- س- کسی که با وجود تقلید صحیح، قبلًا به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی‌دانسته حَجهٔ الاسلام قصد نموده و به جا آورده است با اینکه رجوع به کفایت نداشته است، فعلًا همهٔ شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می‌کند، آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج- اعاده لازم است.

۱۹- س- شخصی بعد از انجام عمرهٔ تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمهٔ او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج- در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی‌فایده است، و چنانچه سال اوّل استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶

این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقای استطاعت تا سالهای بعد؛ ولی در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است، چنانچه مأیوس از خوب شدن باشد باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمرهٔ تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد، نایب نمی‌تواند بگیرد و باید خودش حج و عمرهٔ تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلًا از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

۲۰- س- در حال حاضر که هر کسی بخواهد حج مشرف شود، باید قبلًا برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر، وسیلهٔ رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حَجهٔ الاسلام است یا خیر؟

ج- اگر قبلًا حج بر او مستقر نشده و فعلًا هم نمی‌تواند به حج برود مگر با قرض، حج بر او واجب نشده است، و حج او حجهٔ الاسلام نیست.

۲۱- س- اگر کسی به خیال اینکه استطاعت دارد به قصد عمرهٔ تمتع مُحرم شد و به ترتیب کلیهٔ اعمال حج تمتع حَجهٔ الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته‌اش چگونه است، و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حجهٔ الاسلام بر او واجب است یا نه؟

ج- مُحرم نیست؛ ولی اگر مستطیع شد، باید حَجهٔ الاسلام به جا آورد.

۲۲- س- کسی خیال می‌کرد مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمرهٔ تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷

مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب، مُحرم شود یا کافی است؟

ج- کفایت نمی‌کند، و در صحت حج ندبی او تأمل است.

۲۳- س- شخصی برای زیارت سوریه ثبت نام کرده است و فعلًا سه هزار روپیه به دست آورده است و خرج حج بیت اللّه هم همین مقدار می‌شود، آیا رفتن حج واجب است یا می‌تواند به زیارت سوریه برود؟

ج- اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.

۲۴- س- در قباله‌های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می‌شود، آیا زنی که می‌خواهد ازدواج کند طبق برنامهٔ مذکور واجب الحج می‌شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ چقدر باشد، بهتر است؟

ج- اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود، مستطیع است، و مهر السنهٔ بهتر است و استحباب دارد.

۲۵- س- اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد و اجازهٔ حج به یکی از پسران داده می‌شود، آیا در چنین موردی استطاعتِ طریقی برای کدام حاصل می‌شود؟

ج- با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود، مستطیع می‌شود.

۲۶- س- پدری برای حج ثبت نام کرده است و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی به جا آورند، و پسر بزرگتر چون

دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد، و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده، به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸

از طریق نیابت؟

ج- فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مُجزی است.

۲۷- س- مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است، مانند حکومت فعلی افغانستان، اگر بخواهند حج بروند، باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می‌شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد، آیا اولًا حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانیاً اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حَجهٔ الاسلام کفایت می‌کند یا نه؟

ج- آنچه ذکر شد، موجب سقوط حج نمی‌شود.

۲۸- س- زنی برای حج ثبت نام کرده است؛ ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن می‌تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه؟

ج- اگر زن مستطیعه است نمی‌تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

۲۹- س- من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یک ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به اینکه شخص طلبکار از این سفر حج کاملًا راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می‌شود یا نه؟

ج- اگر استطاعت مالی از برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آنکه امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد؛ ولی اگر با قرض برای حج

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹

استطاعت مالی پیدا کرده‌اید، مستطیع نشده‌اید و از حَجهٔ الاسلام محسوب نمی‌شود.

۳۰- س- اگر کسی مستطیع شد، آیا می‌تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید، و اگر چنین کرده است، تکلیفش چیست؟

ج- اگر شخصاً مستطیع است، باید حج به جا آورد و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی‌شود؛ و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

۳۱- س- اشخاصی که در وقت اسم‌نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می‌نویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم‌نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترک واجب کرده‌اند یا اینکه حج هم بر آنان مستقر است؟

ج- اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می‌آید، لازم است شرکت کنند، و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است.

۳۲- س- این جانب با شرایط زیر طبق قرعه‌کشی سازمان حج و زیارت ان شاء اللّه در سال ۱۳۶۶ عازم بیت اللّه الحرام هستم:

۱. هزینهٔ کامل زیارت خود و همسرم از پول مُخَمَّس تهیه شده است.

۲. معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰

با قناعت را دریافت می‌دارم.

۳. فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

۴. وسایل زندگی را در حد معمول دارا می‌باشم.

با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القا می‌شود، آیا حج این جانب و همسرم از حج واجب کفایت می‌کند یا خیر؟

ج- در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می‌توانند بروند، مستطیع هستند؛ و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان دارا باشید و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان زندگی خود و عائله را اداره کنید.

۳۳- س- اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی‌نویسند، آیا به واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سالها فریضهٔ او تأخیر می‌افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج- باید به هر نحو هست و بر خلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست، به حج مشرف شود.

۳۴- س- شخصی قبلًا حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده؛ ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱

می‌تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج- با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می‌تواند پول را بگیرد، و فرق ندارد.

۳۵- س- پدرم در سال ۱۳۶۰ برای زیارت خانهٔ خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲ جهت زیارت خانهٔ خدا به مکه مشرف شد؛ ولی بعد از احرام بستن، بین راه سکته و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش می‌باشد یا خیر؟

ج- اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است؛ و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده، در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

۳۶- س- شخصی دارایی او قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملك و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می‌باشد به اضافهٔ اینکه یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه‌ای از دنیا رفته است دارای یک همسر و دو بچهٔ صغیر می‌باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می‌شود، آیا شخص متوفّیٰ مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج آیا حج بَلَدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می‌کند؟ و آیا می‌شود مخارج حج از کل ترکه پرداخت گردد؟

ج- چنانچه شخص متوفی در حال حیات خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می‌توانسته به مکّه برود و تأخیر انداخته، مستطیع بوده، و چنانچه وصیت نکرده حج میقاتی از اصل ترکه خارج می‌گردد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲

۳۷- س- شخصی که حج به جا آورده، لکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسألهٔ مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی، نیابتاً حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج- چنانچه در وقت انجام حج اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است و حج خود را باید انجام دهد، و حج نیابتی را اگر وقت آن موسع بوده بعد از حج خودش انجام دهد، و در غیر این صورت به صاحب پول

مراجعه کند.

۳۸- س- کسی که واجب الحج بود از پاکستان عازم حج شد و در مدینهٔ منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارایی‌اش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به اینکه پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی‌کند، آیا ورثه‌اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا اینکه با فوت او حج ساقط می‌شود؟

اجرکم علی اللّه.

ج- اگر با احرام عمرهٔ تمتع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اکمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نموده، همان مقدار عمل او مُجزی و حج از او ساقط است؛ ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد و در آنجا فوت نمود در صورتی که حج بر او قبلًا مستقر بوده، باید از اصل ترکهٔ او برایش نایب بگیرند، و حج میقاتی کفایت می‌کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳

۳۹- س- این جانب در موقع ازدواج یک سفر حج به زوجه‌ام وعده داده‌ام، آیا ادائش چگونه می‌باشد؟

ج- اگر مجرد وعده بوده است لازم نیست ادای آن، و اگر مهر قرار داده شده باید به آن عمل کند.

۴۰- س- این جانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضهٔ حج نمی‌باشم، آیا می‌توانم نیابتاً از طرف خود کسی را حج بفرستم یا خیر؟

ج- اگر قبلًا از جمیع جهات مستطیع بوده‌اید، و لیکن اقدام بر انجام حج نکرده‌اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلًا در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر حج ندارید، واجب است کسی را نایب بگیرید تا برای شما حج به جا آورد.

۴۱- س- شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج به جا آورد. بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می‌شود، آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد، و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج- اگر قبل از آنکه پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت او در سال اول، حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعتِ خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد؛ و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند؛ و در صورت اول اگر برای خودش حج به جا آورد، صحیح است، گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است؛ ولی در صورت دوم اگر حج نیابی به جا آورد صحیح

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴

نیست، و نه برای خودش واقع می‌شود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر می‌شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر به جا نیاورد در سالهای بعد با مراعات فوراً ففوراً انجام دهد، و باید معلوم باشد که مجرد وصیت به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمی‌کند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنا بر این در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید برای خودش حج به جا آورد و نیابت صحیح نیست.

۴۲- س- خانم خانه‌داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازهٔ مسافرت به تنهایی را نمی‌دهد و می‌گوید چون برای حج اسم مرا ننوشته‌ای من هم اجازه نمی‌دهم، وظیفه‌اش چیست؟ و آیا بدون اجازهٔ شوهر می‌تواند به حج برود یا نه؟

ج- در سفر حج واجب، برای زن اجازهٔ شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد، و لو اینکه شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد.

۴۳- س- شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است، به نیابت او به مکه آمده، در حالی که خود

فرزند نیز استطاعت مالی داشته است، آیا به نیابت پدر حج به جا آورد، یا حج خود را انجام دهد؟

ج- اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برای او باز شده است باید برای پدرش حج کند، مگر آنکه تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد، و گذشت که به مجرد وصیت و قبول فرزند،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵

نیابت واجب نمی‌شود، مگر آنکه قبل از استطاعت اجیر شود.

۴۴- س- شخصی بجز برای هَدیْ، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟

ج- بلی مستطیع است و پول هَدیْ، جزء استطاعت نیست.

۴۵- س- این جانب سال گذشته به حج مشرف شده‌ام و با توجه به فتوای حضرت عالی که فرموده‌اید که طلابی که به شهریهٔ حوزه نیاز دارند، مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می‌شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا این جانب مقدار پولی با افراد ذی‌حق (پدر و همسایه) مبادله و دستگردان کردم و به عنوان اینکه نسبت به بنده ذی‌حق هستند به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسک حج، نیت حَجهٔ الاسلام کردم، آیا این حج برای این جانب کفایت از حَجهٔ الاسلام می‌کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال ۱۳۶۰ پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دستگردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است؟

ج- در فرض سؤال احوط آن است که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید، حج را اعاده نمایید.

۴۶- س- شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقهٔ حج نمایند آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا اینکه قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند، حج واجب می‌شود تا استنابه کند یا خیر؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶

ج- در فرض مرقوم حج واجب نیست.

۴۷- س- اگر در میقات مستطیع شد و حَجهٔ الاسلام به جا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله رجوع به کفایت، شرط است یا نه؟

ج- اگر مستطیع شده، مُجزی است؛ ولی رجوع به کفایت شرط است.

۴۸- س- شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می‌تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مئونهٔ خود و افراد واجب النفقه‌اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلًا آیا می‌تواند در شرایط کنونی کشور، خرج جبهه کند؟

ج- مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.

۴۹- س- در مواردی که نهاد یا ارگانی، فردی را به حج می‌فرستد بدون اینکه ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

ج- با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.

۵۰- س- مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است؛ ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است، و من مستطیع هستم؟

ج- اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می‌شود، باید ثبت نام کنید، و در غیر این صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷

لازم نیست.

۵۱- س- همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله می‌باشد و عملًا سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانوادهٔ شهید قرعهٔ حج هم به نام او درآمده است، آیا مشارٌ الیها می‌تواند که مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر؟

ج- نمی‌تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

۵۲- س- کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه‌شان گرفته است و خرج سالانهٔ خود را هم دارد و قرض هم ندارد و با پسرانش درآمدشان یکجا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه؟ و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است؟ و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت را دارند؟

ج- کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می‌تواند به مکه برود و بعد از برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد، مستطیع است و باید حج برود.

۵۳- س- کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه‌ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می‌افتد، کدام مقدم است و وظیفهٔ پدر بزرگ چیست، ازدواج برای نوه‌اش یا حج؟

ج- حج خودش مقدم است، مگر اینکه ازدواج نوه از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

۵۴- س- این جانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاك هستم طبق مقررات کشوری، ادارهٔ بهداشت

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸

از رفتن حج جلوگیری می‌کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ج- اگر قبلًا مستطیع بوده‌اید و با امکان، حج نرفته‌اید حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلًا استطاعت نداشته‌اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آنکه بتوانید، و لو با ترک تریاك، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

۵۵- س- آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می‌شود یا نه؟ و آیا خمس و زکات جزء ترکهٔ میت است یا نه؟

ج- چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولیّ امر به او داده شده، مالك شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط مستطیع می‌شود.

۵۶- س- هرگاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد می‌تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است؟

ج- با وجود سایر شرایط مستطیع است.

۵۷- س- شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج- اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد، مستطیع نیست.

۵۸- س- شخصی که بعد از عمرهٔ تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج مُحرم کنند و وظیفه چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹

ج- لازم نیست، و بر دیوانه تکلیفی نیست.

۵۹- س- اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکهٔ معظمه همراه ببرد، و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد، و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می‌تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج- با فرض اینکه تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده‌اند از احرام خارج شده و می‌تواند شوهر کند.

۶۰- س- اگر اطفال غیر ممیز- پسر یا دختر- را پدر یا مادر در سفر مکهٔ معظمه همراه ببرند، آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچ کدام کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند، آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می‌توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج- بر ولیّ طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه‌ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند، و گر نه در بعض صور

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰

طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.

۶۱- س- اولًا با وجود دَین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد، لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشرف را خالی از خطر ندانسته و تجویز ننمایند، آیا بایستی یک نفر برای انجام حج اعزام گردد؟

ج- شما اگر قبل از آنکه استطاعت پیدا کنید، مریض شده‌اید که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته‌اید، مستطیع نشده‌اید و نایب گرفتن لازم نیست، و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دَین به سهولت برای شما باشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱

نیابت در حج

اشاره

مسألهٔ ۱- در نایب اموری شرط است:

۱. بلوغ بنا بر احتیاط واجب.

۲. عقل.

۳. ایمان.

۴. وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می‌شود و استنابه صحیح است هر چند قبل از عمل شک داشته باشد.

۵. معرفت نایب به افعال و احکام حج و لو با ارشاد کسی در حال عمل.

۶. ذمه نایب مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد.

۷. معذور در ترک بعض افعال حج نباشد.

مسألهٔ ۲- در منوبٌ عنه اموری شرط است:

۱. اسلام.

۲. در حج واجب شرط است که منوبٌ عنه فوت شده باشد یا اگر زنده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲

است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوبٌ عنه بلوغ و عقل شرط نیست و مماثله بین نایب و منوبٌ عنه نیز شرط نیست و جایز است کسی که تا کنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

مسألهٔ ۳- نایب باید در عمل، قصد نیابت نماید و منوبٌ عنه را در نیت تعیین کند و لو اجمالًا، و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.

مسألهٔ ۴- ذمه منوبٌ عنه فارغ نمی‌شود مگر به اینکه نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی، اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوبٌ عنه مجزی است و در اجرای این حکم در حج تبرعی اشکال است بلکه در غیر حَجهٔ الاسلام خالی از اشکال نیست.

مسألهٔ ۵- لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهدهٔ خود او است نه مستأجر.

مسألهٔ ۶- نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوبٌ عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه به جا آورد.

مسألهٔ ۷- اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوبٌ عنه چیزی نیست.

مسألهٔ ۸- استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفهٔ او حج تمتع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳

باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوبٌ عنه مجزی نیست.

مسألهٔ ۹- در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد.

مسألهٔ ۱۰- کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول استطاعت حج نرفته، اگر به واسطهٔ مرض یا پیری قدرت رفتن ندارد و برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و به احتیاط واجب باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او اقوی عدم وجوب است.

مسألهٔ ۱۱- بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج کند اگر چه عذرش برطرف شود؛ و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود.

مسألهٔ ۱۲- کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است، چه عالم به حکم باشد یا نباشد.

مسألهٔ ۱۳- اگر اجیر برای حَجهٔ الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد، کفایت می‌کند از حج کسی که برای او به جا آورده است، و لازم نیست حج کردن برای او، و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد، باید دو مرتبه اجیر بگیرند، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.

مسألهٔ ۱۴- اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۴

پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مُرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می‌باشد؛ و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر از آنچه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست، اگر چه حج از میت ساقط می‌شود؛ و اگر بعض اعمال را به جا آورد و مُرد مستحق اجرت آن اعمال نیز می‌باشد؛ و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است اگر چه بعض اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد.

مسألهٔ ۱۵- کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب به جا نیاورده احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده به جا آورد، و این احتیاط واجب نیست لکن خیلی مطلوب است.

مسألهٔ ۱۶- کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می‌تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمرهٔ مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می‌تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.

مسألهٔ ۱۷- کسی که عذر داشته باشد از بعض اعمال حج، نمی‌شود او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعض اعمال، تبرعاً از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد.

مسائل متفرقهٔ نیابت

۱- س- کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری مُحرم شده و به مکه آمده و عمرهٔ تمتع را از طرف منوبٌ عنه انجام داده است، وظیفهٔ او

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۵

چیست؟

ج- با اینکه خودش مستطیع است نیابت او صحیح نیست، و احرام او باطل است و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش مُحرم شود.

۲- س- اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعض اعمال معذور است، آیا می‌تواند در این اعمال نایب بگیرد، و آیا می‌تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را به جا آورد؟

ج- نایب شدن معذور، صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند مگر اینکه از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می‌تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوبٌ عنه واقع می‌شود؛ ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امرکننده بپردازد.

۳- س- از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده‌اند و به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منیٰ یا همراه ضعفا به منیٰ بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج- با توجه به اینکه از معذورین هستند و نمی‌توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آنان صحیح نیست، و اگر قبل از استخدام اجیر شده‌اند باید حج را به جا آورند و وقوف اختیاری را درک نمایند.

۴- س- آیا شخص زنده در موردی که می‌تواند نایب بگیرد باید از بَلَد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد

کفایت می‌کند یا خیر؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۶

ج- نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند، و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست، مگر از طرف او وکالت داشته باشد.

۵- س- آیا عمرهٔ مفرده یا طواف استحبابی را می‌توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم، و در اعمال آن از جمله طواف نساء، نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

ج- می‌توانید به نیابت چند نفر انجام دهید، و باید نیت همه بشود.

۶- س- کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده‌اند و او را به ایران فرستاده‌اند، آیا رفقای او می‌توانند از او نیابت کنند و بقیهٔ اعمال را انجام دهند یا خیر، و چگونه از احرام خارج می‌شود؟

ج- بدون اینکه خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد؛ و اگر نمی‌تواند برود، در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنا بر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد، و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

۷- س- افرادی که هر سال به حج می‌روند- از قبیل خدمهٔ کاروانها- در محل خود از کسی نیابت قبول می‌کنند؛ ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و مُحرم می‌شوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می‌کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می‌شود؟

ج- باید عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند، و احرام دوم صحیح نیست مگر آنکه احرام اول باطل باشد، مثل اینکه حج بر او واجب

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۷

نبوده و نیت حَجهٔ الاسلام کرده باشد.

۸- س- شخصی در میقات برای خودش مُحرم می‌شود و تلبیه می‌گوید، بعد به فکر می‌افتد که چون خودش حج واجب را در سالهای گذشته به جا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرّعی به جا آورد، آیا می‌شود با نیت عدول کند، و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر مُحرم شود یا خیر؟

ج- اگر به احرام صحیحی مُحرم شده، نمی‌تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

۹- س- نایبی در احرام عمرهٔ تمتع بعد از اینکه وارد مکه شد شک می‌کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحرم شود، یا اصلًا حج برای خودش حساب می‌شود و دیگر نمی‌تواند نایب باشد؟

ج- در نیت خطور لازم نیست، اگر انگیزهٔ او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نمی‌شود.

۱۰- س- زنی در عرفات در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می‌توانستند همراهان او در مکه بمانند، باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می‌تواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج- مجنون تکلیف ندارد و نمی‌توانند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص مُحرم دیگر را دارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۸

۱۱- س- هرگاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمرهٔ تمتع

مستحبی مُحرم شده و عمره را انجام داده است می‌تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج- کسی که برای عمرهٔ تمتع مُحرم شده و لو مستحبی، نمی‌تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند؛ ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیهٔ اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودشان هم حج یا عمره به جا می‌آورند.

۱۲- س- بنده چون مسئول گروه حج بودم به استناد وظیفه‌ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفهٔ شرعی این جانب را بیان فرمایید.

ج- اگر همراه عجزه بوده‌اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده‌اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده‌اید نیابت شما درست نبوده است.

۱۳- س- اگر کسی دفعهٔ اول به صورت خدمه، حج به جا آورده و در دفعهٔ دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکهٔ معظمه است، آیا می‌تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده‌اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهدهٔ پدر و مادرش برداشته می‌شود؟

ج- مانع ندارد و حج از منوبٌ عنه کافی است، مگر آنکه سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع باشد.

۱۴- س- این جانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکهٔ معظمه مشرف

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۹

شده و در منیً چون سفر اول بوده است، و می‌دانسته‌ام که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول حَلْق کند، و لکن نمی‌دانستم که ماشین تەزن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین تەزن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته‌ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که به جای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه‌ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد می‌آورد یا ذمه‌ام بری شده است؟

ج- شما در صورت امکان باید به مکه بروید و در منیً حَلْق کنید و بعد از آن طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورید، و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمی‌توانید بروید یا رفتن برای شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنا بر احتیاط موی آن را به منیً بفرستید و در بقیهٔ اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه، احتیاط را مراعات نمایید.

۱۵- س- کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مَشعرْ به منیً بروند، آیا همهٔ آنان از ذوی الاعذار می‌باشند که نیابت و لو تبرعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثنا شده است؟

ج- در فرض سؤال، زنها می‌توانند نایب شوند، و نیابت در سایر ذوی الاعذار صحیح نیست.

۱۶- س- شخصی در حج از میتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک هیچ عذری نداشت؛ ولی چند سال بعد از انجام حج

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۰

متوجه شد که در وقوف مشعر الحرام با زنها و مریضها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منیً رفته است، و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، وظیفه‌اش چیست؟

ج- عمل مزبور مُجزی از حج نیابتی استیجاری نیست، و از جهت اجرت باید به اجیرکننده مراجعه نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح به جا آورد.

۱۷- س- آیا می‌توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟

ج- در یک سال بیش از یک حج واقع نمی‌شود.

۱۸- س- شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره مُحرم شده و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود به جا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود به جا آورد نسبت به حج نیابی چه وظیفه دارد، و آیا می‌تواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج- احرام او صحیح نبوده است و باید برگردد و برای عمرهٔ تمتع برای خودش مُحرم شود و وظیفهٔ خودش را انجام دهد، و راجع به حج نیابی نمی‌تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد.

۱۹- س- کسی که نایب بوده و عمرهٔ تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می‌تواند بقیهٔ اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۱

ج- نمی‌تواند.

۲۰- س- آیا شرط ایمان نایب که در اصل نیابت حج و همچنین در ذبح، شرط است در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رَمْی و طواف هم شرط است یا خیر؟

ج- در سایر اعمال نیز شرط است.

۲۱- س- شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی‌تواند بالمباشره حج را به جا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر، شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هرگاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می‌شود یا نه؟

ج- در فرض مزبور استنابه در مورد پدر صدق نمی‌کند، و حَجهٔ الاسلام از طرف پدر واقع نمی‌شود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

۲۲- س- شخصی پس از آنکه به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد، با توجه به اینکه سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا می‌شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرّع حج از او چه صورت دارد؟

ج- نیابت و تبرّع در فرض سؤال صحیح نیست.

۲۳- س- فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم‌نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش درآمد؛ ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج به جا آورد، در حالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم‌نویسی مسامحه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۲

کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم می‌نوشت شاید در همان سال اول، قرعه به نامش در می‌آمد و شاید هم سالهای بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بَلَدی از جانب پدر، و هنوز مُحرم نشده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست، و باید برای خودش حج نماید.

۲۴- س- شخصی اجیر حج بَلَدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد؟

ج- اگر می‌تواند باید برگردد، و چنانچه برنگشت و لو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

۲۵- س- آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوبٌ عنه اعمال حج را انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج- میزان، وظیفهٔ خود اوست؛ ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

۲۶- س- آیا در اجاره برای اعمال حج، لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج- لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۳

۲۷- س- نایب چند ماه قبل از حج به بَلَد منوبٌ عنه می‌رود و به عنوان نیابت حج حرکت می کند و به وطن خودش یا محل دیگری می‌رود، و در ماه ذیحجه که عازم حج می‌شود، دیگر به بلد منوبٌ عنه نمی‌رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟

ج- کافی است.

۲۸- س- در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم به وسیلهٔ ارث مستطیع شده‌ام؛ اما تا کنون نتوانسته‌ام سهم خودم را به پول مبدل کنم، آیا می‌توانم با این حال به جای پدر حج به جا آورم یا نه؟

ج- با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان، و لو از بابت ارثیه، اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج به جا آورید، و برای پدر بعداً انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید.

۲۹- س- آیا جایز است برای نایب در طواف عمرهٔ تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج به جا آورد یا نه؟

ج- مانع ندارد.

۳۰- س- شخصی قبلًا مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچ‌گونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش می‌تواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج- نیابت در حج از حی صحیح نیست، مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مأیوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.

۳۱- س- حج به نیابت حضرت ولی عصر- ارواحنا له الفداء- چون در

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۴

موسم حج تشریف دارند، جایز است یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

۳۲- س- زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه‌اش برای او حج بلدی توسط وصیّش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام‌نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می‌تواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج- وصی اگر قبلًا استطاعت نداشته و فعلًا هم راه برای او باز نیست، الآن هم مستطیع نیست و می‌تواند برای حج نیابی اجیر شود؛ ولی اگر بدون اینکه اجیر شود، خود را به میقات برساند، نمی‌تواند حج نیابی به جا آورد و باید برای خودش حج به جا آورد.

۳۳- س- کسی که حج نیابی انجام می‌دهد، اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد ذابح چگونه نیت کند؟ آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی می‌کنم یا باید وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟

ج- نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهدهٔ نایب است انجام دهد، صحیح است.

۳۴- س- کسی که برای حج اجیر می‌شود، اگر شرط کند که مثلًا برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت‌بردار است نایب

می گیرم، آیا این شرط نافذ است و می‌تواند عمل نماید یا نه؟

ج- اگر عذر دارد نمی‌تواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۵

۳۵- س- کسی که احتمال قوی عقلایی می‌دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا می‌تواند از حج واجب نیابت کند؟

ج- می‌تواند نیابت کند؛ ولی اگر وظیفهٔ او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط منوبٌ عنه نباید اکتفا به آن کند.

۳۶- س- نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از مُحرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفهٔ معذورین رفتار نموده، آیا حج او از منوبٌ عنه کافی است و آیا نسبت به نحوهٔ عذر فرقی هست یا نه؟

ج- محل اشکال است.

۳۷- س- کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده‌اند و بعداً در اثنای عمل عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می‌باشند یا نه؟

ج- اشکال دارد.

۳۸- س- خدمه‌ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده‌اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده‌اند فعلًا تکلیفشان چیست؟ و همچنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده‌اند، تبرعاً یا با اجرت؟

ج- نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوبٌ عنه نمی‌کند، و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر باید با انجام عمرهٔ مفرده، از احرام خارج شوند.

۳۹- س- در مناسک آمده است که معذور نمی‌تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می‌شود؟ لطفاً حد آن را معین کنید، مثلًا کسی که

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۶

نمی‌تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی‌تواند خودش رَمْی جمرات کند، و یا نمی‌تواند قربانی نماید، و یا نمی‌تواند یکی دیگر از واجبات حج را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر؟

ج- هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد، معذور است و نمی‌تواند نایب شود؛ ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمی‌تواند ذبح کند می‌تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

۴۰- س- کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرم شده است؟

ج- اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است، و اگر معذور نیست، صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

۴۱- س- اگر مستنیب یا منوبٌ عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزء معذورین است و او را نایب کنند، اولًا آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً آیا حج نیابتی او صحیح و از حَجهٔ الاسلام یا غیر حَجهٔ الاسلام منوبٌ عنه کفایت می‌کند یا نه؟

ج- با فرض مذکور معذور بوده، و استیجار شده استحقاق اجرت ندارد، و کفایت نمی‌کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۷

حج استحبابی

مسألهٔ ۱- مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد، از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان، حج به جا آورد، و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود، و مستحب است تکرار حج در هر سال، بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند، و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیّت برگشتن نماید و مکروه است قصد برنگشتن داشته باشد.

مسألهٔ ۲- مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج به جا آورد تبرعاً، چه زنده باشند یا مرده، و همچنین از طرف معصومین و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند یا معذور باشند.

مسألهٔ ۳- کسی که زاد و راحله ندارد، مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که می‌تواند قرض را ادا کند.

مسألهٔ ۴- با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۸

است و علم به حرمت آن ندارند، می‌تواند آن را صرف کند.

مسألهٔ ۵- بعد از فارغ شدن از حج استحبابی، می‌تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همچنان که در وقت شروع می‌تواند آن را نیت کند.

مسألهٔ ۶- کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد، مستحب است و لو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۴۹

اقسام عُمره

مسألهٔ ۱- عُمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد، یک مرتبه در عمر واجب می‌شود و وجوب آن مانند حج، فوری است و در وجوب آن، استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد، واجب می‌شود، هر چند برای حج مستطیع نباشد، همچنان که عکس این هم همین طور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد، باید حج به جا آورد، لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچ‌گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست، چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفهٔ آنها حج و عمرهٔ مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.

مسألهٔ ۲- واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۰

نیست و می‌خواهد وارد مکه شود، واجب است عمرهٔ مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثنا شده است.

مسألهٔ ۳- تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند، و احوط آن است که در کمتر از یک ماه به قصد رجا به جا آورده شود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۱

اقسام حج

اشاره

حج سه قسم است: تمتع، قِران و افراد.

تمتع وظیفهٔ کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند.

قِران و افراد بر غیر آنها واجب می‌شود و این تفصیل در حَجهٔ الاسلام است.

صورت حج افراد و عمرهٔ مفرده و بعض مسائل مربوطهٔ آنها

مسألهٔ ۱- صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع می‌شود از این قرار است که زن حائض یا کسی که به واسطهٔ ضیق وقت نمی‌تواند عمرهٔ تمتع را به جا آورد باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمرهٔ تمتع که عدول به افراد کرده، برود به عرفات و مثل سایر حجاج وقوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منیٰ و اعمال منیٰ را به جا آورد مگر هَدْی را که واجب نیست بر او، بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، پس در

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۲

این وقت از احرام خارج می‌شود، بعد از آن برگردد به منیٰ برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به همان نحو که سایر حجاج به جا می‌آورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هَدْی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

مسألهٔ ۲- صورت عمرهٔ مفرده- که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد از حج به جا آورد- آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیکتر به مکه است مُحرم شود، و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر بتراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند.

مسألهٔ ۳- عمرهٔ مفرده با عمرهٔ تمتع که تفصیلًا خواهد آمد، در صورت فرق ندارند مگر در سه چیز:

اول: آنکه در عمرهٔ تمتع باید تقصیر کند؛ یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد، و سر تراشیدن جایز نیست و در عمرهٔ مفرده مخیّر است بین سر تراشیدن و تقصیر؛

دوم: آنکه در عمرهٔ تمتع طواف نساء ندارد و در عمرهٔ مفرده دارد؛

سوم: آنکه میقات عمرهٔ تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آید، و میقات عمرهٔ مفرده ادنی الحل است و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه مُحرم شود.

مسألهٔ ۴- کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منیٰ و اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام مشترک هستند، و کیفیت افعال عمرهٔ تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمرهٔ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۳

مفرده است.

مسألهٔ ۵- عمرهٔ تمتع را اگر کسی به جا بیاورد کافی است از عمرهٔ مفرده.

مسألهٔ ۶- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورد.

مسألهٔ ۷- کسی که مُحرم شد به احرام عمرهٔ مفرده، حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد، و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها، و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش به جا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.

مسألهٔ ۸- طواف نساء را در عمرهٔ مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد.

مسألهٔ ۹- کسی که به احرام عمرهٔ مفرده وارد مکه شد، اگر احرامش در ماههای حج بوده، جایز است که آن را عمرهٔ تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد و در این صورت هَدْی بر او واجب می‌شود.

صورت حج تمتع اجمالًا

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل، یکی عمرهٔ تمتع و دیگری حج تمتع، و عمرهٔ تمتع مقدم است بر حج.

و عمرهٔ تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول: احرام؛

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۴

دوم: طواف کعبه؛

سوم: نماز طواف؛

چهارم: سعی بین کوه صفا و مروه؛

پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

و چون مُحرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطهٔ احرام بستن حرام شده بود، حلال می‌شود.

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول: احرام بستن در مکه؛

دوم: وقوف به عرفات؛

سیم: وقوف به مشعر الحرام؛

چهارم: انداختن سنگریزه به جمرهٔ عقبه در منی؛

پنجم: قربانی در منی؛

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی؛

هفتم: طواف زیارت در مکه؛

هشتم: دو رکعت نماز طواف؛

نهم: سعی بین صفا و مروه؛

دهم: طواف نساء؛

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء؛

دوازدهم: ماندن به منی، شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص؛

سیزدهم: در روز یازدهم و دوازدهم رَمْی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رَمْی جمرات کنند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۵

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر می‌شود.

مسأله- لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند و لو اجمالًا، و کافی است که نیت کند عمرهٔ تمتع را؛ یعنی عبادتی را که خداونـد بر او واجب کرده، و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیـل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند؛ ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

مسائل متفرقهٔ اقسام عمره و حج

۱- س- شخصـی در اثنای عمرهٔ مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعـد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلًا وظیفهٔ او چیست؟ توضیـح آنکه کسـی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفهٔ او است و او را از احرام خارج می‌کند، به جا آورد.

ج- با فرض اینکه خود شخص نمی‌تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوبٌ عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوبٌ عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلًا خوب شده و اینکه نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

۲- س- کسـی عمرهٔ مفرده به جا آورده و بـدون انجام طواف نساء به مـدینه آمده است، فعلًا می‌خواهد برای عمرهٔ تمتع مُحرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمرهٔ تمتع،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۶

طواف نساء را به جا آورد؟

ج- مانع ندارد.

۳- س- اگر فاصلهٔ بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد، فرموده‌اید باید عمرهٔ دوم را به قصد رجا به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمرهٔ مفرده از خودِ شخص و بین دو عمرهٔ مفرده‌ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج- فرق نمی‌کند.

۴- س- اینکه حضرت عالی فرموده‌اید: اگر فاصلهٔ میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمرهٔ دوم رجائاً قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل؟

ج- میزان یک ماه است، و اگر در بین ماه، عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند.

۵- س- اگر بین دو عمره کمتر از یـک ماه فاصـله باشـد بایـد عمره دوم را به قصـد رجا انجام دهـد، چنانچه عمره دوم نیابت باشـد، نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر؟ و چنانچه بر منوبٌ عنه انجام عمرهٔ مفرده واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج- لازم است احتیاط مراعات شود، و چنانچه با تذکر به اجیرکننده اجرت بگیرد، اشکال ندارد.

۶- س- اگر زنی به نیت عمرهٔ مفرده مُحرم و بعد از آن عادت شود و در همهٔ روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض است، برای عمرهٔ مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلًا به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۷

ج- در فرض سؤال بایـد برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش به جا آورد، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و برگردد، و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد؛ ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد آنچه به وسیلهٔ احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

۷- س- آیا طواف در عمرهٔ مفردهٔ استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خَلْف مقام باشد، یا حکم طواف استحبابی

را دارد و در هر جای مسجد الحرام می‌توان نماز آن را خواند؟

ج- حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن خَلْف مقام باشد.

۸- س- انجام عمرهٔ مفرده در ماههای حج پیش از عمرهٔ تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صَرُوره و غیر صَرُوره هست یا نه؟

ج- مانع ندارد و فرق نمی‌کند.

۹- س- تأخیر عمرهٔ مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلاعذر جایز است؟

ج- باید مبادرت نماید عرفاً علی الاحوط و تأخیر نشود.

۱۰- س- زنی که احتمال می‌دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود، آیا می‌تواند برای عمرهٔ مفردهٔ مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمرهٔ مفرده را انجام دهد؟

ج- اشکال ندارد، و چنانچه وظیفهٔ او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

۱۱- س- همچنان که عمرهٔ مفرده را قبل از عمرهٔ تمتع و لو با کمتر از

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۸

فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده‌اید، آیا بعد از عمرهٔ تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می‌فرمایید، یا باید رجائاً انجام شود؟

ج- به قصد رجا انجام شود.

خمینی، سید روح اللّه موسوی، مناسک حج (امام خمینی)، در یک جلد، ه ق

مناسک حج (امام خمینی)؛ ص: ۵۸

۱۲- س- کسی که وظیفهٔ او عمرهٔ تمتع است و ندانسته به نیت عمرهٔ مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟

ج- اگر قصد عمرهٔ مفرده کرده، باید عمرهٔ مفرده انجام دهد و بعد عمرهٔ تمتع را به جا آورد، و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می‌شود و صحیح است.

۱۳- س- اگر تقصیر را در عمرهٔ مفرده جهلًا یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمرهٔ تمتع مُحرم شده و عمرهٔ تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت، برای اعادهٔ عمرهٔ تمتع، و نداشتن فرصت چیست؟

ج- در فرض مرقوم، چنانچه عمرهٔ مفرده را در اشْهُر حج به جا آورده و می‌خواهد حج مستحبی به جا آورد، می‌تواند عدول به عمرهٔ تمتع کند چه وقت برای اعادهٔ عمرهٔ تمتع داشته باشد یا نه؛ ولی اگر حج واجب باشد، کفایت نمی‌کند علی الاحوط، و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود و برای عمرهٔ تمتع مجدداً مُحرم شود.

۱۴- س- کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمرهٔ مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می‌رود بعد از اعمال حج، عمرهٔ مفرده را به جا آورد کافی و مُجزی است یا نه؟

ج- احوط آن است که تا عمرهٔ مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۵۹

دیگر مُحرم نشود هر چند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی‌زند.

۱۵- س- کسانی که از هند و پاکستان به سعودیه می‌آیند و در مکه معظمه مقیم می‌شوند، آیا حجشان تمتع است یا وظیفهٔ دیگری دارند؟

ج- چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا می‌کنند، و در غیر این صورت صور مختلفه‌ای است که در تحریر الوسیله ذکر شده است.

۱۶- س- کیفیت حج قِران را بیان فرمایید، و آیا این حج بر کدام اشخاص واجب می‌شود؟

ج- حج قِران واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلا نیست می‌توانید به کتب مفصله مراجعه نمایید.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۱

باب اول اعمال عمرهٔ تمتع

اشاره

فصل اول: محل احرام عمرهٔ تمتع

فصل دوم: واجبات احرام و متعلقات آنها

فصل سوم: در آنچه بر مُحرم حرام می‌شود

فصل چهارم: در طواف واجب و بعضی از احکام آن

فصل پنجم: نماز طواف

فصل ششم: سعی

فصل هفتم: تقصیر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۳

فصل اول: محل احرام عمرهٔ تمتع

اشاره

در محل احرام عمرهٔ تمتع، که آن اول از واجبات عمره است.

بدان که محل احرام بستن برای عمرهٔ تمتع که آن را میقات می‌نامند، مختلف می‌شود به اختلاف راههائی که حجاج از آنها به طرف مکه می‌روند، و آن پنج محل است:

اول: مسجد شجره است که آن را ذو الحلیفه می‌نامند، و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند؛

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.

مسألهٔ ۲- احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره مُحرم شود نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

مسألهٔ ۳- شخص جُنُب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد مُحرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند.

مسألهٔ ۴- اگر جُنُب به واسطهٔ زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۴

مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

مسألهٔ ۵- اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد مُحرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند.

دوم: وادی عقیق است که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «نَمِرَه» و اواخر آن را «ذات عِرق» می گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند؛

سوم: قَرْنُ المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف، حج می‌روند؛

چهارم: یَلَمْلَمْ است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند؛

پنجم: جُحْفه است، و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند.

در اینجا مسائلی است:

مسألهٔ ۱- اگر بیّنهٔ شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بیّنه ممکن نشود، می‌تواند اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها می‌باشند.

مسألهٔ ۲- هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقاتها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

مسألهٔ ۳- اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می کند، احتیاط واجب آن است که از جایی که اول، محاذات پیدا می کند

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۵

احرام ببندد، و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند.

مسألهٔ ۴- کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر مُحرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

مسألهٔ ۵- شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد، و ممکن نشود برگردد به میقات به واسطهٔ عذری، و میقات دیگری در پیش نداشته باشد، حج او باطل است، و باید سال دیگر حج به جا آورد.

مسألهٔ ۶- شخصی که می‌خواهد از محاذی میقات مُحرم شود اگر محاذات را نداند، باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکانها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است، به نذر مُحرم شود، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر مُحرم شود احوط است.

مسألهٔ ۷- کسانی که با هواپیما به حج می‌روند و می‌خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده» و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند، اگر جده یا «حده» معلوم شد محاذی با یکی از میقاتها است از آنجا مُحرم شوند و الّا بروند به میقات دیگر مثل جُحْفه و از آنجا مُحرم شوند، و اگر نتوانستند به جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده مُحرم شوند، و بهتر آن است که در «حده» تجدید احرام کنند، اگر چه لازم نیست.

مسألهٔ ۸- مراد از محاذات آن است که کسی که می‌رود به طرف مکه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۶

به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست، به طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت او شود.

مسألهٔ ۹- محاذات ثابت می‌شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود، اگر گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند، ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند

اگر گمان حاصل شد، ظاهراً کافی است.

مسألهٔ ۱۰- کسی که به واسطهٔ فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد، پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات، و به اعمال عمره می‌توانست با برگشتن برسد، واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد چه داخل حرم شده باشد یا نه، و اگر ممکن نیست به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده از همان جا احرام ببندد، و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا مُحرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد از حرم خارج شود و مُحرم گردد، و اگر نمی‌تواند به نحوی که گفته شد همان جا مُحرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا مُحرم شود.

مسألهٔ ۱۱- زن حائض اگر مسأله نمی‌دانست و عقیده داشت که نباید در میقات مُحرم شود و احرام نبست، حکمش همان است که در مسألهٔ دهم گفته شد.

مسألهٔ ۱۲- جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۷

احرام ببندد صحیح نیست؛ ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، و باید از همان جا مُحرم شود؛ مثلًا اگر نذر کرد که از «قم» مُحرم شود، واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید، احرام را تجدید کند.

مسألهٔ ۱۳- جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسألهٔ ۱۴- اگر از میقات بدون احرام عبور کرد، واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات مُحرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، باید به احتیاط واجب برگردد به میقاتی که از آن گذشته و مُحرم شود.

مسائل متفرقهٔ میقات

مسألهٔ ۱- احتیاط واجب آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن، و احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد مُحرم شود اگر چه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

مسألهٔ ۲- اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمرهٔ تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد مُحرم شود؛ ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد، در صورتی که برای حَجةُ الاسلام مُحرم شده احرام او باطل است، و باید برای عمرهٔ تمتع

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۸

مجدداً مُحرم شود.

مسألهٔ ۳- کسانی که با هواپیما به جده می‌روند، نمی‌توانند از جده یا حدیبیه مُحرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه بروند و از آنجا مُحرم شوند، و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره مُحرم شوند و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمرهٔ تمتع یا مفرده داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمرهٔ مفرده است برای کسانی که در مکه هستند.

مسألهٔ ۴- کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفتهٔ راهنما (بَلَد) یا حمله‌دار که می‌گوید فلان محل میقات است مُحرم شوند، مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الّا باید به عُرف محل مراجعه نمایند.

مسألهٔ ۵- در صورتی که ثابت نیست که رابغ محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.

مسألۀ ۶- کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمرۀ مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماههای حج، برای احرام عمرۀ تمتع، باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود و نمی‌تواند از تنعیم مُحرم شود.

مسألۀ ۷- کسانی که برای عمرۀ مفرده به مکه مشرف می‌شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند و از آنجا مُحرم شوند، و اگر کسی نتوانست برگردد هرجا که هست مُحرم شود.

مسألۀ ۸- اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمرۀ تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمرۀ تمتع معذور باشد، لازم است به خارج حرم برود و از آنجا مُحرم شود و از ادنی الحل کافی است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۶۹

مسألۀ ۹- میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمرۀ تمتع و عمرۀ مفرده همان مواقیت معروفه است، و نمی‌توانند از جده یا ادنی الحل مُحرم شوند، و اگر از روی جهل به مسأله در جای دیگر مُحرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود، چنانچه در صورت علم و عمد هم حُکم همین است، هر چند در صورت جهل اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیده‌اند، عمل آنان صحیح است.

مسألۀ ۱۰- خدمۀ کاروانها که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند، بنا بر احتیاط نباید عمرۀ تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمرۀ مفرده مُحرم شوند، و ادْنَی الحِلّ، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمرۀ مفرده می‌توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبۀ دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست؛ ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره مُحرم شوند برای عمرۀ مفردۀ دیگر، و چون بین این عمرۀ مفرده و عمرۀ مفردۀ اول یک ماه فاصله نشده عمرۀ دوم را رجائاً به جا آورند؛ و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه بروند و از آنجا برای عمرۀ تمتع مُحرم شوند.

۱۱- س- کسانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند، باید در خارج آن مُحرم شوند و در مُحاذی جُحْفه تجدید احرام نمایند، با توجه به اینکه محاذی جحفه نقطۀ مشخصی نیست، وظیفه چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۰

ج- می‌توانند به جحفه بروند و در آنجا تجدید احرام کنند، و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حد با بقای نیت، تلبیه را تکرار کنند، کفایت می‌کند.

۱۲- س- جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قَرن المنازل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قَرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق مُحرم شدند؛ احرام آنان چه صورت دارد؟

ج- صحیح است.

۱۳- س- در مناسک مرقوم است که زنهای حائض باید عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی‌توانند، در خارج مُحرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و محاذی جحفه معلوم نیست، آیا حضرت امام اجازه می‌فرمایند که این گونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج- چون احرام قبل از میقات، با نذر صحیح است، زنهای حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می‌توانند در مدینه با نذر برای عمره مُحرم شوند، و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند؛ ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.

۱۴- س- زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند مُحرم شود و وظیفه‌اش

را انجام دهـد، ولی وقتی که به محوطـهٔ حیاط مسـجد رسـید، دیـد به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور مُحرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازهٔ نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر مُحرم شد، آیا کفایت می کند یا خیر؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۱

ج- اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر مُحرم شده است، مانع ندارد.

۱۵- س- زن در حال حیض به خیال اینکه می‌توانـد در حال عبور، در مسـجد شـجره احرام ببندد وارد مسـجد شد و بلافاصـله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چنـد قـدمی هم به طرف دری که می‌خـواست خـارج شـود رفت، ولی چـون دیـد نمی‌شـود عبـور کرد، برگشت و از همان دری که وارد شده بود، خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج- صحیح است.

۱۶- س- یک نفر از حجاج بکلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر به تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج- بایـد به میقات برگردد و با نیت و تلبیه مُحرم شود هر چنـد با بردن همراه باشـد، و اگر نمی‌توانـد به میقات برود، بایـد در خارج حرم مُحرم شود، و اگر نمی‌توانـد تلبیه را صـحیح بگوید و لو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید.

۱۷- س- نظر به اینکه مسجد جحفه و مسـجد تَنْعیم اخیراً تخریب و بازسـازی شـده و وسـعت یافته است، آیا حجاج یا مُعْتَمِرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج- میقات در جحفه خصوص مسـجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند، و همچنین مسـجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۲

از اَدْنی الحِلّ صحیح است هر چند در مسجد نباشد؛ بنا بر این در صورت توسعه مسجد با صدق جُحفه در اول و اَدْنی الحِلّ در دوم، احرام اشکال ندارد.

۱۸- س- در مناسک فرموده‌ایـد: خـدمه‌ای که می‌خواهنـد به مکه برونـد و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جـده می‌رونـد، برای ورود به مکه در مرتبـهٔ دوم و سوم و بعـد از آن احرام واجب نیست؛ ولی اگر به مـدینه برونـد و از آنجا بخواهنـد به مکه برونـد باید در مسـجد شـجره مُحرم شوند برای عمرهٔ مفردهٔ دیگر، چنانچه میسـر است، نکتهٔ علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمایید؟

ج- فارق، عبور از میقات و عدم عبور است.

۱۹- س- کسـی که وسـایلش در جُحفه مانـده است، آیا می‌توانـد برای آوردن وسایل خود از احرام خارج گردد در حالی که برای عمرهٔ تمتع مُحرم شده و وارد حرم گردیده است؟

ج- می‌توانـد قبـل از خروج از احرامِ عمره، برود و وسایـل خود را بیـاورد، و اگر اعمـال عمرهٔ تمتع را انجام داده و مُحِل شـده است، نمی‌تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، مُحرماً به احرام حج علی الاحوط.

۲۰- س- کسی از جده مُحرم شده و اعمال عمرهٔ تمتع را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- اگر از رفتن به میقـات معـذور نبوده و وقت برای انجـام عمرهٔ تمتع هست بایـد به میقـات برود و محرم شود و عمرهٔ تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود و از آنجا مُحرم شود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۳

۲۱- س- آیا جایز است کسی که به احرام عمرهٔ تمتع در یکی از میقاتها مُحرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه؛ مثلًا از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج- مانع ندارد.

۲۲- س- بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند، آیا لازم است مُحرم شود یا خیر؟

ج- در صورتی که از وقت احرام عمرهٔ تمتع یک ماه نگذشته است، لازم نیست مُحرم شود و می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود.

۲۳- س- کسی که عمرهٔ مفرده انجام داده است، آیا می‌تواند در فاصلهٔ کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج- احتیاط آن است که به قصد رجا برای عمرهٔ مفردهٔ دیگر مُحرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.

۲۴- س- کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می‌کند، آیا لازم است مُحرماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج- مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود، اشکالی ندارد.

۲۵- س- زن حائضی که نمی‌توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره مُحرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج- در صورت امکان باید برگردد و از جُحفه یا محاذی آن مُحرم شود علی الاحوط، و اگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آنجا احرام

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۴

ببندد.

۲۶- س- اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده، و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همان جا به میقات برگردد میسر نیست؛ ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می‌تواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همان جا مُحرم شود؟

ج- اگر می‌تواند به میقات برگردد و لو از مکه، نمی‌تواند برای عمل واجب از غیر میقات مُحرم شود؛ ولی برای دخول مکه از ادْنی الحل به نیت عمرهٔ مفرده مُحرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمرهٔ تمتع احرام ببندد.

۲۷- س- زن بدون اذن شوهرش نذر می‌کند و با نذر مُحرم می‌شود، آیا احرامش درست است، و چنانچه با همان احرام اعمالش را به جا آورده باشد، چگونه است؟

ج- اگر قبل از میقات مُحرم شده، احرام او صحیح نیست، اگر چه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید، عملش صحیح است؛ ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران نباشد، و در صورتی که می‌تواند باید به میقات برود و از آنجا مُحرم شود و اگر نمی‌تواند به میقات برود از خارج حرم احرام ببندد.

۲۸- س- آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

۲۹- س- هرگاه حائض یا جُنُب عصیاناً وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و مُحرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۵

ج- احرام صحیح است.

۳۰- س- کسانی که در مکه اقامت پذیرفته‌اند، موقتاً نه دائماً، آیا میقاتشان همان مواقیت خمسهٔ معروفه است یا ادْنی الحِلّ؟

ج- اگر فریضهٔ آنها تبدیل نشده، باید از مواقیت معروفه مُحرم شوند، و اگر تبدیل شده، میقات آنها مکه است.

۳۱- س- شخصـی بدون احرام، عمداً یا جهلًا یا سهواً، وارد مکه شده و بعداً از جهت گرانی بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت نتوانست به میقات برگردد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر ممکن نیست به میقـات برود از ادْنی الحِلّ بایـد مُحرم شود، مگر اینکه ترک احرام از میقـات بـدون عـذر باشـد که در این صورت نمی‌تواند حج به جا آورد، و اگر مسـتطیع است سال بعد باید حج انجام دهد، و گرانی بیش از حدّ، عذر نیست مگر موجب حَرَج باشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۷

فصل دوم: واجبات احرام و متعلقات آنها

اشاره

واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول: نیت؛ یعنی انسان در حالی که می‌خواهـد مُحرم شود به احرام عمرهٔ تمتع، نیت کنـد عمرهٔ تمتع را، و لازم نیست قصد کند ترک محرماتی را که بر مُحرم پس از احرام، حرام می‌شود؛ بلکه کسـی که به قصد عمرهٔ تمتع یا حج تمتع لبیکهای واجب را گفت، مُحرم می‌شود چه قصد بکند احرام را، یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را، یا نکند. پس کسـی که می‌داند ارتکاب می‌کند بعضـی محرمات را، مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح است؛ ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را.

مسألهٔ ۱- آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترک محرمات را، در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می‌کند؛ مثل اکثر محرمـات، و امـا آنچه عمره یـا حـج را باطل می‌کنـد، مثل نزدیکی با زن در بعضـی از صور که ذکر خواهـد شـد، پس با قصـد ارتکاب آن احرام باطل است، بلکه غیر ممکن است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۸

مسألهٔ ۲- عمره و حج و اجزای آنها از عبادات است، و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد.

مسألهٔ ۳- اگر عمره را به ریـا یا غیر آن باطل کنـد، احتیاط واجب آن است که حـج افراد به جا آورد و پس از آن عمرهٔ مفرده به جا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسألهٔ ۴- اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند، باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

مسألهٔ ۵- اگر بعضـی از ارکان عمره یا حـج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکـم بطلاـن عمره را دارد و در حـج حکـم بطلاـن حـج را؛ ولی اگر محـل جبران بـاقی است و جبـران کرد، عملش صـحیح می‌شود، گرچه معصیت‌کار است.

مسألهٔ ۶- اگر به واسـطهٔ ندانسـتن مسأله یا جهت دیگر به جای نیت عمرهٔ تمتع، حج تمتع را قصد کند، پس اگر در نظرش آن اسـت که همین عمل را که همه به جا می‌آورنـد او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حـج، اسـمش حج تمتع است، ظاهراً عمل او صحیح است و عمرهٔ تمتع است، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسألهٔ ۷- اگر به واسـطهٔ ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمرهٔ تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم اینکه پس از احرام برود به عرفات و مشـعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد، احرام او باطل است و باید در میقات تجدید احرام کند؛ و اگر از میقات گذشته است، باید در صورت امکان برگردد به میقات و مُحرم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۷۹

شود، و الّا از همان جا مُحرم شود، و اگر وارد حرم شـده و ملتفت شـد، باید در صورت امکان از حرم خارج شود و مُحرم شود، و الّا در همان جا مُحرم شود.

دوم: تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصَح آن است که بگوید:

لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ

. و به این مقدار اگر اکتفا کند، مُحرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آنکه چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده گفت، بگوید:

انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ.

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَریْکَ لَکَ لَبَّیْکَ.

و مستحب است بعد از آن بگوید:

لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعِیاً الی دارِ السَّلامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیکَ غَفّارَ الـذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ اهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الْجَلالِ وَ الْاکْرامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِءُ وَ الْمَعادُ الَیکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِی وَ یُفْتَقَرُ الَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً الَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ الهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَریمُ لَبَّیْکَ.

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

لَبَّیْکَ اتَقَرَّبُ الَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ وَ هذِهِ عُمْرَةُ مُتْعَةٍ الَی الْحَجِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ اهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَلْبِیَةً تَمامُها وَ بَلاغُها عَلَیْکَ.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۰

و در اینجا مسائلی است:

مسألهٔ ۱- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیرهٔ الاحرام در نماز واجب است.

مسألهٔ ۲- اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛ یعنی کلمه کلمه، آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد، دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسألهٔ ۳- اگر نتواند یاد بگیرد، یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

مسألهٔ ۴- اگر لبیک گفتن را فراموش کرد، یا به واسطهٔ ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان، و احرام ببندد و لبیک بگوید، و اگر نتواند برگردد همان جا بگوید، اگر داخل حرم نشده است؛ و اگر داخل حرم شده، واجب است برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید، و اگر ممکن نیست همان جا مُحرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقتِ جبران یادش آمد، بعید نیست صحت عمل.

مسألهٔ ۵- اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطهٔ عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر مُحرم حرام است بر او حرام نمی‌شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد، کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۱

مسألهٔ ۶- اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات فراموش کند که نیت عمرهٔ تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمرهٔ

تمتع کرده، و عمرهٔ او صحیح است، و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته، و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

مسألهٔ ۷- جایز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسألهٔ (۱۰) که بعد از بیان مواقیت ذکر شد، عمل کند.

مسألهٔ ۸- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست؛ ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ» یا تکرار کند «لَبَّیْکَ» را فقط.

مسألهٔ ۹- احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمرهٔ تمتع مُحرم شد در وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید، و مراد از خانه‌های مکه خانه‌هایی است که در زمانی که عمره به جا می‌آورد جزء مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود، و احتیاط واجب برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

سوم: پوشیدن دو جامهٔ احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «ردا» که باید آن را به دوش بیندازند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۲

و در اینجا مسائلی است:

مسألهٔ ۱- احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد، و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسألهٔ ۲- لازم نیست که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند، و کفایت می‌کند که به نحو متعارف باشد؛ ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

مسألهٔ ۳- در پوشیدن دو جامهٔ احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد، و یکی را ردا قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد، و احتیاط مستحب آن است که ردا شانه‌ها را بپوشاند.

مسألهٔ ۴- احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند به یک جامهٔ بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را ردا قرار دهد، بلکه باید دو جامهٔ جدا باشند.

مسألهٔ ۵- در پوشیدن جامهٔ احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند، و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامهٔ دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

مسألهٔ ۶- شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامهٔ حریر و غیر مأکول و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

مسألهٔ ۷- لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که ردا هم بدن‌نما نباشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۳

مسألهٔ ۸- احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

مسألهٔ ۹- دو جامه‌ای که ذکر شد که باید مُحرم بپوشد مخصوص به مرد است؛ ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست مُحرم شود، چه دوخته باشد یا نباشد، ولی حریر محض نباشد، چنانچه گذشت.

مسألهٔ ۱۰- احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام، اگر نجس شود.

مسألهٔ ۱۱- اگر تطهیر نکند جامهٔ احرام یا بدن را، کفاره ندارد.

مسألهٔ ۱۲- احتیاط آن است که جامهٔ احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

مسألهٔ ۱۳- لازم نیست که جامهٔ احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

مسألهٔ ۱۴- افضل آن است که مُحرم اگر جامهٔ احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می‌شود برای طواف همان جامه‌ای را که در آن مُحرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

مسألهٔ ۱۵- اگر مُحرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می‌تواند

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۴

بپوشد.

مسألهٔ ۱۶- لازم نیست جامهٔ احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسألهٔ ۱۷- شخص مُحرم می‌تواند از دو جامهٔ احرام بیشتر بپوشد؛ مثل دو سه ردا و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

مسألهٔ ۱۸- اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می‌خواهد مُحرم شود بپوشد، معصیت کرده است؛ ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

مسألهٔ ۱۹- گره زدن لباس احرام اشکال ندارد؛ ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد، احتیاط آن است که فوراً باز کند؛ ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامهٔ احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است.

مسألهٔ ۲۰- شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس مُحرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

مسألهٔ ۲۱- اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه مُحرم شد، لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد؛ ولی اگر در پیراهن مُحرم شود، لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۵

است آن را بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسألهٔ ۲۲- اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همهٔ واجبات و نتواند جبران کند، احتیاط در بطلان عمرهٔ او است، اگر چه صحت آن به نظر بعید نیست؛ ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد، عملش صحیح است.

مسائل متفرقهٔ احرام

۱- س- کسی در وقت احرام این طور قصد می‌کند: مُحرم می‌شوم، یا احرام می‌بندم برای عمرهٔ تمتع یا غیر آن؛ با توجه به این مسأله که فرموده‌اید نیت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست؛ این احرام چه صورت دارد؟

ج- به احرام ضرر نمی‌زند هر چند قصد احرام لازم نیست، و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه

بگوید مُحرم می‌شود هر چند قصد احرام نکند.

۲- س- زنی قبل از احرام برای عمرهٔ تمتع می‌دانست که عادت ماهانهٔ او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمرهٔ تمتع را نمی‌تواند انجام دهد، مع ذلک، نیت عمرهٔ تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمرهٔ تمتع به حج افراد، باید چه کند؟

ج- نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به اینکه نمی‌تواند عمرهٔ تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۶

نیت عمرهٔ تمتع مُحرم شود، صحت این احرام، بلکه حصولِ جِدّ به آن، محل اشکال است.

۳- س- مردها معمولًا برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلوار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد.

۴- س- آیا می‌شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج- اخْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

۵- س- کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا دارد حج مستحبی به جا آورد؛ ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می‌گوید «احرام عمرهٔ تمتع از حج تمتع از حَجهٔ الاسلام می‌بندم قربهٔ إلی اللّه»، آیا آوردن و در نیت داشتن حَجهٔ الاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکالی دارد یا خیر؟

ج- اشکال دارد، مگر آنکه اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره‌ای که وظیفهٔ او است انجام دهد و اسمش را حَجهٔ الاسلام گذاشته باشد.

۶- س- اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، مُحرم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۸۷

نمی‌شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج- چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم، بعید نیست صحت عمل.

۷- س- اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحاً مُحرم نشده است، آیا وظیفهٔ او نسبت به سایر اعمال، و همچنین عمرهٔ قبلی او چگونه است؟

ج- با فرض اینکه بعد از وقت جبران متوجه شده، بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفا به این حج است، و این احتیاط ترک نشود.

۸- س- ترجمهٔ تلبیه «لبّیک اللّهم لبّیک، لبّیک لا شریک لک لبّیک» چیست؟

ج- ترجمهٔ جملهٔ مذکور چنین است: «اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را» و اگر کلمهٔ دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

۹- س- لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج- با فرض شک، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

۱۰- س- کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، مُحرم نشده است و باید

مناسك حج (امام خمینی)، ص: ۸۸

در صورت امکان به میقات برگردد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجدداً مُحرم شود.

۱۱- س- آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج- مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانع ندارد.

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱. آنکه قبلًا بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲. کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعده و شخصی که قاصد عمرهٔ مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳. آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید، و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است، و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است، و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر مُحرم حرام است باز هم اعاده مستحب است، و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند، و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

مناسك حج (امام خمینی)، ص: ۸۹

۴. آنکه دو جامهٔ احرام از پنبه باشد.

۵. آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضهٔ ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضهٔ دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سورهٔ توحید و در رکعت دوم سورهٔ جحد را بخواند و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آن گاه بگوید:

اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ وَ اتَّبَعَ امْرَکَ فَانّی عَبْدُکَ وَ فی قَبْضَتِکَ لا اوقی إِلّا ما وَقَیْتَ وَ لا آخُذُ إِلّا ما أَعْطَیْتَ وَ قَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُکَ انْ تَعْزِمَ لی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَوِّیَنی عَلی ما ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لی مَناسِکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ وَ اجْعَلْنی مِنْ وَفْدِکَ الَّذی رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ، اللّهُمَّ انّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَ انْفَقْتُ مالی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ اللّهُمَّ فَتَمِّمْ لی حَجَّتی وَ عُمْرَتی، اللّهُمَّ إِنّی اریدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ الَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرَضَ لی عارِضٌ یَحْبِسُنی فَخَلِّنی حَیْثُ حَبَسْتَنی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ اللّهُمَّ انْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَکَ شَعْرِیْ وَ بَشَرِیْ وَ لَحْمی وَ دَمی وَ عِظامی وَ مُخّی وَ عَصَبی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَ الطَّیبِ ابْتَغی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدّارَ الْآخِرَةَ.

۶. هنگام پوشیدن دو جامهٔ احرام بگوید:

الْحَمْدُ للّهِ الَّذی رَزَقَنی ما اواری بِهِ عَوْرَتی وَ اوَدّی فیهِ فَرْضی وَ أَعْبُدُ فیهِ رَبّی وَ انْتَهی فیهِ الی ما أَمَرَنی، الْحَمْدُ للّهِ الَّذی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی وَ أَرَدْتُهُ فَأَعانَنی وَ قَبِلَنی وَ لَمْ یَقْطَعْ بی وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنی فَهُوَ حِصْنی وَ کَهْفی وَ حِرْزی وَ ظَهْری وَ مَلاذی وَ رَجائی وَ

مَنْجایَ وَ ذُخْري وَ عُدَّتي في شِدَّتي وَ رَخائي.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۰

۷. آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف) وقت برخاستن از خواب؛

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

ج) وقت رسیدن به سواره؛

د) هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن؛

ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛

و) آخر شب؛

ز) اوقات سحر؛

زن حائض و نفساء نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه خانه‌های مکه را ببیند؛ و اما تلبیهٔ حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامهٔ سیاه، و افضل احرام در جامهٔ سفید است؛

۲. خوابیدن مُحرم بر رخت و بالش زرد رنگ؛

۳. احرام بستن در جامهٔ چرکین، و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید؛

۴. احرام بستن در جامهٔ راه راه؛

۵. استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند؛

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۱

۶. حمام رفتن و اولیٰ آن است که مُحرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید؛

۷. لبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۳

فصل سوم: در آنچه بر مُحرم حرام می‌شود

اشاره

اول: شکار صحرایی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

و در اینجا مسائلی است:

مسألهٔ ۱- خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحرم شکار کند یا غیر مُحرم.

مسألهٔ ۲- نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است.

مسألهٔ ۳- اگر مُحرمی صید را ذبح کند در حکم میته خواهد بود بنا بر مشهور، و به احتیاط واجب هم دربارهٔ مُحرم و هم مُحل.

مسألهٔ ۴- شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو را در دریا کند.

مسألهٔ ۵- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسألهٔ ۶- پرندگان، جزء شکار صحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۴

شکار صحرایی است.

مسألهٔ ۷- احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسألهٔ ۸- نگاه داشتن صید حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.

مسألهٔ ۹- اگر پرنده‌ای که نزد او است «پر» در نیاورده یا پر او را چیده‌اند، واجب است آن را حفظ کند تا پر درآورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بچهٔ صید را، مثل آهو بره تا بزرگ شود و رها کند آن را.

مسألهٔ ۱۰- هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها خودداری شد.

دوم: جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن، و نگاه به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر کسی در احرام عمرهٔ تمتع از روی علم و عمد با زن چه در قُبُل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره‌اش باطل نشود و لکن موجب کفاره است که بیان آن می‌آید، و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد، و اگر وقت تنگ است حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمرهٔ مفرده به جا آورد، و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۵

مسألهٔ ۲- اگر در عمرهٔ تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می‌شود، و کفاره بنا بر احتیاط واجب یک شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

مسألهٔ ۳- اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد به جا آورد اگر قبل از وقوف به عرفات بوده، حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده، حج او فاسد است بنا بر اقوی، و در هر دو صورت کفارهٔ آن یک شتر است.

مسألهٔ ۴- در این دو صورت که حج فاسد شد، باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد.

مسألهٔ ۵- اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد:

یکی آنکه قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.

دوم آنکه بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنا بر اقوی.

مسألهٔ ۶- اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفارهٔ آن یک شتر است، و اگر بدون شهوت ببوسد کفارهٔ آن یک گوسفند است، و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

مسألهٔ ۷- اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود، احوط آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد، و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر آن را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

مسألۀ ۸- اگر مُحرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۶

مشهور آن است که یک شتر کفاره است؛ ولی اگر از روی شهوت نباشد، کفاره ندارد.

مسألۀ ۹- اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود، یک گوسفند کفارۀ آن است، و اگر انزالش شود، احتیاط آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند، خالی از قوت نیست.

مسألۀ ۱۰- هر یک از این امور که موجب کفاره است، اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود، به عمره و حج او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست.

مسألۀ ۱۱- اگر مردی با زن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفارۀ خود کفارۀ زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفارۀ خودش را بدهد، و کفاره‌ای که باید بدهند گذشت.

سوم: عقد کردن زن از برای خود یا غیر؛ چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُحل باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألۀ ۱- جایز نیست شخص مُحرم شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر مُحرم باشد.

مسألۀ ۲- احتیاط آن است که شهادت ندهد بر عقد اگر چه شاهد عقد شده باشد، در حال مُحرم نبودن، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسألۀ ۳- اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط در ترک است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۷

مسألۀ ۴- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

مسألۀ ۵- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود.

مسألۀ ۶- اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند، عقدی که کرده است باطل است لکن حرام دائمی نمی‌شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسألۀ ۷- ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست در احکامی که ذکر شد.

مسألۀ ۸- احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد مُحرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

مسألۀ ۹- اگر کسی عقد کند زنی را برای مُحرمی و مُحرم دخول کند پس اگر هر سه عالم به حکم باشند، بر هر یک آنها یک شتر کفاره است، و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرق نیست بین آنکه زن و عاقد مُحل باشند یا مُحرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند، بر آنکه می‌داند کفاره است.

چهارم: استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفارۀ آن یک شتر است، و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم: استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۸

و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباس کسی که بوی عطر می‌دهد، اگر چه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد.

مسألهٔ ۲- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد؛ مثل زعفران جایز نیست.

مسألهٔ ۳- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد اضطرار پیدا کند، باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسألهٔ ۴- از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد باید اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرایی است؛ مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزامی» که می گویند از خوشبوترین گلها است.

مسألهٔ ۵- احتیاط آن است که از «دارچین» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگر چه اقوی حرام نبودن آنها است.

مسألهٔ ۶- از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و بِه اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بوییدن را ترک کند.

مسألهٔ ۷- اقوی حرمتِ گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسألهٔ ۸- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد، لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۹۹

مسألهٔ ۹- کفارهٔ استعمال بوی خوش یک گوسفند است بنا بر احتیاط واجب.

مسألهٔ ۱۰- مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه- و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می کنند- حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست، احتیاط آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

مسألهٔ ۱۱- اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد، واجب است که باز کفاره بدهد.

ششم: پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهنهایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست پوشیدن آنها.

مسألهٔ ۲- احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمربند دوخته و شب کلاه.

مسألهٔ ۳- همیانی را که در آن پول می گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.

مسألهٔ ۴- فتق‌بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۰

مسألهٔ ۵- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد؛ ولی کفاره باید بدهد.

مسألهٔ ۶- جایز است گره زدن لباس احرام را؛ ولی احتیاط در گره نزدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.

مسألهٔ ۷- جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند، گرچه احتیاط در ترک است.

مسألهٔ ۸- از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می‌خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنهای عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما.

مسألهٔ ۹- کفارهٔ پوشیدن لباس دوخته یک گوسفند است.

مسألهٔ ۱۰- اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

مسألهٔ ۱۱- اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید کفاره ساقط نمی‌شود.

مسألهٔ ۱۲- اگر یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد، یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعهٔ دیگر نیز کفاره بدهد.

مسألهٔ ۱۳- احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده، برای هر یک کفاره بدهد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۱

هفتم: سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند؛ و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر اقوی حرام است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

مسألهٔ ۲- در سرمه کشیدن کفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط، کفاره دادن است.

مسألهٔ ۳- در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن، مانعی ندارد.

هشتم: نگاه کردن در آیینه.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسألهٔ ۲- نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست، و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسألهٔ ۳- عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد؛ ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست.

مسألهٔ ۴- در نظر کردن به آیینه کفاره نیست، لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسألهٔ ۵- اگر در اطاقی که ساکن است آیینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آیینه می‌افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۲

مسألهٔ ۶- احتیاط آن است که به آیینه نگاه نکند اگر چه برای زینت نباشد.

نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می گیرد.

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.

مسألهٔ ۲- اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد، احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

مسألهٔ ۳- در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد، کفاره نیست.

دهم: فسوق است و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق

کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم: جدال است و آن گفتن «لا و اللّه» و «بلی و اللّه» است.

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- آنکه گفتن کلمهٔ «لا» و کلمهٔ «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

مسألهٔ ۲- قسم اگر به لفظ «اللّه» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

مسألهٔ ۳- احتیاط واجب الحاق سایر اسماء اللّه است به لفظ جلاله،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۳

پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض، جدال محسوب می‌شود به احتیاط واجب.

مسألهٔ ۴- در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.

مسألهٔ ۵- اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفارهٔ آن یک گوسفند است.

مسألهٔ ۶- اگر در جدال دروغگو باشد، احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر، بلکه خالی از قوت نیست.

مسألهٔ ۷- اگر در جدال به دروغ در دفعهٔ اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد، بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفارهٔ آن یک گوسفند باشد نه گاو.

مسألهٔ ۸- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبهٔ دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند کفاره است؛ و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو کفارهٔ آن است.

مسألهٔ ۹- اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه، هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست، باید یک گوسفند ذبح کند.

مسألهٔ ۱۰- اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره یک شتر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۴

است ظاهراً، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادتر کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعهٔ اول گوسفند و در دفعهٔ دوم گاو و در دفعهٔ سوم شتر است.

دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- جایز نیست انداختن شپش و کک را از بدن.

مسألهٔ ۲- جایز نیست نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد، و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد، نقل ندهد.

مسألهٔ ۳- احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محلی دیگر از بدن نقل ندهند، اگر مکان اول محفوظتر باشد.

مسألهٔ ۴- بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن احتیاطاً یک کف از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم: انگشتر به دست کردن به جهت زینت، و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آنکه برای خاصیتی به دست کند، اشکال ندارد.

مسألهٔ ۲- احتیاط واجب آن است که مُحرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد، و لو قصد نکند، احتیاط در ترک است بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۵

مسألهٔ ۳- اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد؛ ولی احتیاط خوب است.

مسألهٔ ۴- انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم؛ پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر زیور زینت باشد، احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزیین نداشته باشد، بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

مسألهٔ ۲- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

مسألهٔ ۳- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

مسألهٔ ۴- پوشیدن زیور حرام است؛ ولی کفاره ندارد.

پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن.

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی خوش در آن نباشد.

مسألهٔ ۲- جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام، اگر اثرش باقی می‌ماند تا وقت احرام.

مسألهٔ ۳- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

مسألهٔ ۴- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۶

مسألهٔ ۵- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

مسألهٔ ۶- اگر در روغن بوی خوش باشد کفارهٔ آن یک گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد.

شانزدهم: ازالهٔ مو است از بدن خود یا غیر خود، چه مُحرم باشد چه مُحِل.

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- در حرمت ازالهٔ مو فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازالهٔ یک مو نیز حرام است.

مسألهٔ ۲- ازالهٔ مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد؛ مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند.

مسألهٔ ۳- اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

مسألهٔ ۴- در ازالهٔ مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

مسألهٔ ۵- کفارهٔ سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد، دوازده «مُد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند، و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

مسألهٔ ۶- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیّن گوسفند در این

صورت بعید نیست.

مسألهٔ ۷- اگر از زیر هر دو بغل خود ازالهٔ مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازالهٔ مو

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۷

کند یک گوسفند کفاره بدهد.

مسألهٔ ۸- احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن، کفارهٔ تراشیدن را بدهد.

مسألهٔ ۹- اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند؛ مثل گِل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

مسألهٔ ۲- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

مسألهٔ ۳- جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند؛ مثل آنکه دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک آن است.

مسألهٔ ۴- جایز نیست سر را زیر آب کند، بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند.

مسألهٔ ۵- در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.

مسألهٔ ۶- گوشها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

مسألهٔ ۷- پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسألهٔ ۸- گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثنا شده و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۸

مانع ندارد.

مسألهٔ ۹- دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندد عیب ندارد.

مسألهٔ ۱۰- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

مسألهٔ ۱۱- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانع ندارد، و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.

مسألهٔ ۱۲- زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد، جایز نیست.

مسألهٔ ۱۳- اگر سر را شست، نباید با حوله و دستمال خشک کند و بعض سر هم در حکم همه است.

مسألهٔ ۱۴- در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید، باید فوراً آن را باز کند، و همین طور اگر از روی فراموشی پوشانید، واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید، بلکه احوط است گفتن آن.

مسألهٔ ۱۵- اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحا، کفاره آن یک گوسفند است، و احتیاط واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر.

مسألهٔ ۱۶- احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید، مکرر کفاره بدهد؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی‌آید واجب نبودن.

مسألهٔ ۱۷- اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید، احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است، گرچه وجوبش معلوم نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۰۹

مسألهٔ ۱۸- کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند، کفاره ندارد.

هجدهم: پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد، مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر، جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

مسألهٔ ۲- بعض رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.

مسألهٔ ۳- اگر دستهای خود را روی صورت بگذارد، مانع ندارد.

مسألهٔ ۴- اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد، مانع ندارد.

مسألهٔ ۵- واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

مسألهٔ ۶- جایز است برای رو گرفتن از نامحرم، چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست.

مسألهٔ ۷- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است.

مسألهٔ ۸- بعضی برای دور نگه داشتن جامه را از صورت، کفاره لازم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۰

دانسته‌اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

مسألهٔ ۹- در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست، گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و بچه‌ها جایز است، و کفاره هم ندارد.

مسألهٔ ۲- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص بحال منزل طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.

مسألهٔ ۳- فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

مسألهٔ ۴- احتیاط آن است که در وقت طی منزل به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او باشد استظلال نکند، اگر چه جائز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسألهٔ ۵- کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۱

حج، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

مسألهٔ ۶- کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود باید محرم شود، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد، و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت‌کار است برای آنکه خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.

مسألهٔ ۷- کسانی که می‌خواهند با هواپیما به مکه بروند لازم است با هواپیما به مدینه بروند، و از آنجا در مسجد شجره مُحرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جده بقصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا مُحرم شوند و با اتومبیل بی‌روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده مُحرم شوند و بهتر آن است که در «حده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند.

مسألهٔ ۸- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست؛ بنا بر این بعید نیست جایز بودن نشستن مُحرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.

مسألهٔ ۹- در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن، فرق نیست بین سواره و پیاده.

مسألهٔ ۱۰- کسانی که کشتی سوار می‌شوند در حال احرام زیر سقف آن نباید بروند، لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است ظاهراً نشستن جایز است.

مسألهٔ ۱۱- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۲

یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۱۲- کفارهٔ سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار، بنا بر احتیاط واجب.

مسألهٔ ۱۳- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد، و یک گوسفند است در احرام حج، هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- بیرون آوردن خون از بدن دیگری، مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست.

مسألهٔ ۲- جایز نیست به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همین طور به مسواک نمودن خون از بن دندانها بیرون آورد.

مسألهٔ ۳- جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج، و جرب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون درآید.

مسألهٔ ۴- خون از بدن درآوردن، کفاره ندارد.

بیست و یکم: ناخن گرفتن.

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود؛ مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

مسألهٔ ۲- جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد، چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۳

مسألهٔ ۳- فرقی نیست بین آلات ناخنگیری، قیچی باشد یا چاقو یا ناخنگیر، و احتیاط واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه حتی به سوهان و دندان.

مسألهٔ ۴- اگر انگشت زیادی داشته باشد، جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد، احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد اگر چه بعید نیست جواز، اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست زیادی است.

مسألهٔ ۵- اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده، باید یک مد طعام بدهد، و همچنین در ناخنهای پا.

مسألهٔ ۶- اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفارهٔ آن است.

مسألهٔ ۷- اگر ناخن دستها را تماماً بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.

مسألهٔ ۸- اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخنهای پا یک مد طعام باید بدهد، و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و ناخن دستها را کمتر از ده بگیرد.

مسألهٔ ۹- اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد، و همچنین است اگر کمتر از ده در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید کفاره بدهد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۴

مسألهٔ ۱۰- اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد، پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا، کفاره بدهد برای هر یک، یک مد.

مسألهٔ ۱۱- اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد، ده ناخن اصلی را بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند بدهد، و اگر بعضی از ناخنهای اصلی را و بعضی از ناخنهای زیادی را بگیرد برای ناخنهای اصلی یک مد بدهد و برای زیادیها احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد.

مسألهٔ ۱۲- اگر تمام ناخنهای دست را گرفت و کفارهٔ آن را داد و بعد در همان مجلس ناخنهای پا را تماماً گرفت، باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد.

مسألهٔ ۱۳- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر یک، یک مُد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند ذبح کند.

مسألهٔ ۱۴- اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب آن است که کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

بیست و دوم: کندن دندان است هر چند خون نیاید بنا بر احتیاط، و احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

بیست و سوم: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده شده باشد بعد از آنکه منزل او شد، پس اگر آن را خودش کاشته باشد، جایز است آن را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۵

بکند.

مسألهٔ ۲- اگر درختی در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده، لکن خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط آن است که آن را قطع نکند، گرچه اقوی جواز است.

مسألۀ ۳- اگر گیاهی که در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند.

مسألۀ ۴- اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را قطع کند.

مسألۀ ۵- درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌توانـد آنها را قطع کنـد، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنا است و قطع آن مانع ندارد.

مسألۀ ۶- اگر درختی را که جایز نیست کنـدنش بکند، احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد، و اگر کوچک باشد یک گوسفند.

مسألۀ ۷- اگر بعض درخت را قطع کند، اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد.

مسألۀ ۸- در قطع گیاهها کفاره نیست، بجز استغفار.

مسألۀ ۹- جایز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد؛ ولی خودش برای او قطع نکند.

مسألۀ ۱۰- آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به مُحرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

مسألۀ ۱۱- اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود، اشکال ندارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۶

بیست و چهـارم: سـلاح در برداشـتن بنا بر احوط، مثل شمشـیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشـد مگر برای ضـرورت، و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد، و احوط ترک آن است.

مسائل متفرقۀ محرمات احرام

مسألۀ ۱- اگر حاجی در حال احرام برای سردرد دستمالی به دور سر ببندد اگر چه تمام سر را بگیرد، کفاره ندارد.

مسألۀ ۲- آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است؛ بنا بر این اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار مُحرمین از زیر پلها عبور کننـد، و یا در محل بنزین در زیر سـقف متوقف شود و مُحرمین زیر سـقف قرار گیرند، اشـکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.

مسألۀ ۳- شخصـی که با ماشـین مسقف رانندگی می‌کند، باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود، و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسألۀ ۴- پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد؛ ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

مسألۀ ۵- در شب اسـتظلال نیست؛ بنـا بر این جایز است مُحرم در شب با ماشـین سـقف‌دار به مکه برود؛ ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۷

مسألۀ ۶- جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر مُحرم شود؛ ولی اگر زیر سقف سفر می‌کند، باید کفاره بدهد.

مسألۀ ۷- تزریق آمپول در حـال احرام مـانع نـدارد ولی اگر موجب بیرون آمـدن خون از بـدن می‌شود تزریق نکنـد، مگر در مورد حاجت و ضرورت.

مسألۀ ۸- در حرام بودن سایه بر سـر قرار دادن، فرقی بین سایه‌ای که با شـخص حرکت کند مثل چتر و ماشـین مسقف، و سایۀ ثابت مثل پل و غیره نیست و فرقی بین اجبار و اختیار نیست؛ ولی بر عبور از زیر پلهایی که در جاده‌ها هست صادق نیست.

مسألۀ ۹- کسی که حجش را باطل کند، اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده، و گر نه در احرام باقی است.

مسألهٔ ۱۰- بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید، و لو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند، می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای مسقف سوار شود، یا زیر سایه برود.

۱۱- س- آیا کشتن مارمولك و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج- از محرمات احرام محسوب نیست.

۱۲- س- اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه با زوجهٔ خود جماع نماید، مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعر الحرام هم بنا بر اقوی باطل است و کفاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۸

۱۳- س- آیا شوهر پس از مُحِل شدن می‌تواند زوجهٔ مُحرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج- بر مرد مزبور منعی نیست؛ ولی اگر زن نیز لذت می‌برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی الاحوط.

۱۴- س- فردی که از احرام درآمده، زنش را که مُحرم است می‌بوسد اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج- اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره واجب نشده است.

۱۵- س- صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می‌شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج- اگر صدق بوی خوش می‌کند، از آن اجتناب کنند، و در غیر این صورت مانع ندارد.

۱۶- س- حمل قمقمهٔ آب که در محفظهٔ دوخته نگهداری می‌شود، برای مُحرم چه صورت دارد؟

ج- احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد، و دست گرفتن آن مانع ندارد.

۱۷- س- در مورد نظر کردن در آیینه، گاهی نگاه می‌کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلًا برای علاج دردی، آیا برای مُحرم فرق می‌کند یا یکسان است؟

ج- احوط، اجتناب است در همهٔ موارد ذکر شده در سؤال.

۱۸- س- در حال احرام عده‌ای از همدیگر عکس می‌گیرند، و در دوربین عکاسی که آیینه است و یا حالت شفاف و آیینه مانندی دارد نظر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۱۹

می‌کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج- اگر معلوم نیست که در آیینه نظر می‌شود، اشکال ندارد.

۱۹- س- آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمرهٔ مردم کوچه و بازار؟

ج- قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

۲۰- س- بعضی به علت عرق‌سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا مُحرم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج- نمی‌تواند مگر در مورد ضرورت؛ ولی کفاره ندارد و لو در غیر مورد ضرورت، مگر آنکه بوی خوش داشته باشد که کفارهٔ آن یك گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد.

۲۱- س- در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج- فرق نمی‌کند، به شرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.

۲۲- س- اگر غیر مُحرم از مُحرم، ازالهٔ مو کند یا یکی از کارهایی که بر مُحرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج- اگر مُحرم به اختیار خود حاضر شود که مثلًا مُحلّی سر او را بتراشد، حرام است و باید کفاره بدهد؛ ولی چنانچه بدون اختیار او باشد، کفاره ندارد، حتی بر مُحلّ مزبور.

۲۳- س- مُحرم سرش تر است، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد، آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا وظیفه‌اش تیمم است؟

ج- اگر نمی‌تواند و لو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۰

با این حال و تیمم است.

۲۴- س- کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج مُحرم شده و اعمال خود را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج- ضرر به عمره و حج ندارد؛ ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است، باید کفاره بدهد.

۲۵- س- با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می‌شود و باید باز باشد، یا اینکه اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها بپوشاند، مانعی ندارد؟

ج- زیر چانه جزء صورت محسوب نمی‌شود؛ ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده، اشکال دارد.

۲۶- س- آیا زن مُحرم می‌تواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی‌تواند روی آن را بپوشاند؟

ج- باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود، مانع ندارد.

۲۷- س- زنها که در حال احرام برای پوشیدن و درآوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می‌شود، چه صورت دارد؟

ج- باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود، مانع ندارد.

۲۸- س- فرموده‌اید که مُحرم از منزل تا مسجد الحرام می‌تواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجد الحرام برای حج مُحرم می‌شوند، می‌توانند در مکه زیر سقف باشند؟

خمینی، سید روح اللّه موسوی، مناسک حج (امام خمینی)، در یک جلد، ه ق

مناسک حج (امام خمینی)؛ ص: ۱۲۱

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۱

ج- تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می‌توانند استظلال نمایند.

۲۹- س- کسی که از تنعیم مُحرم می‌شود، استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج- چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.

۳۰- س- میقات عمرهٔ مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمرهٔ مفرده احرام بست، می‌تواند در اتوبوس سقف‌دار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محل سکونت او مکه است؟

ج- در فرض مذکور مانع ندارد.

۳۱- س- افرادی از مسجد شجره مُحرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند؛ ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف‌دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می‌خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج- برای مدتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست؛ ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده و لو اضطراراً، کفاره واجب است.

۳۲- س- در حال احرام وقتی ماشینهای بی‌سقف حرکت می‌کند و سفر انجام می‌شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۲

ج- مانع ندارد.

۳۳- س- کسانی که از مسجد الحرام برای حج مُحرم می‌شوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف‌دار سوار می‌شوند؛ و مثلًا در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می‌شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف‌دار از مسجد الحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند، حکم چیست؟

ج- در فرض اول مانع ندارد و در فرض دوم احتیاط کنند.

۳۴- س- این جانب یکی از خدمهٔ کاروان حج هستم، امسال (۱۳۶۵) بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و این جانب و بانوان کاروان در یک اتوبوسی سربسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری به مشعر الحرام رفته و چون در مسیر مُزْدَلَفه به منی به راه‌بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سربسته بودم، ناگاه به یادم آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه‌ای با علم به اینکه اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه‌بندان پیاده شدم، و ما بقی راه را تا محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم، بفرمایید:

۱. آیا کفاره تعلق می‌گیرد یا نه؟

۲. در صورتی که تعلق گرفته باشد، باید حتماً در منی ذبح گردد؟

۳. در حالی که اکنون در تهران هستم، آیا می‌توانم قربانی را در محل اقامتم ذبح نمایم؟

۴. در صورتی که خدمهٔ کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رَمْی جمرهٔ عقبه عازم منی بودم و از خود

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۳

استقلال نداشتم، وجه این گوسفند را چه کسی باید بپردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا این جانب؟

۵. چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن این جانب ساقط می‌گردد یا نه؟

ج- باید قربانی کنید، و اگر چه باید در منی ذبح نمایید، لکن ذبح در محل خودتان هم برای کفاره کفایت می‌کند، و می‌توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آنها هم کافی است؛ ولی بدون نیابت صحیح نیست.

۳۵- س- آیا استظلال، مربوط به سایهٔ حاصل از تابش عمودی خورشید است، یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می‌شود؟

ج- فرق نمی‌کند.

۳۶- س- آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می‌باشد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می‌کند؟

ج- صدق نمی‌کند.

۳۷- س- آیا استظلال فقط مربوط به سقف می‌باشد، یا شامل سایهٔ حاصل از دیوار ماشین هم می‌شود؟

ج- شامل نمی‌شود.

۳۸- س- آیا در عرفات هم مثل منیٰ می‌شود زیر چتر حرکت کرد، یا حکم عرفات غیر از حکم منیٰ است؟

ج- زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.

۳۹- س- در شهر مکه تونلهایی احداث کرده‌اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم می‌باشد، آیا بعد از احرام حج می‌شود داخل آن با اتومبیل

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۴

سفر کرد، با علم به اینکه مسقف است؟

ج- مانع ندارد، بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود، اشکال دارد.

۴۰- س- آیا مُحرم به محض وصول به مکه، می‌تواند استظلال نماید، و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج- مکه منزل است، و با رسیدن به آن، استظلال مانع ندارد.

۴۱- س- اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده‌اند، آیا عبور از این راه برای مُحرمی که هنوز منزل نکرده و از مَشْعر مستقیم به جمرات می‌رود، جایز است یا نه؟

ج- مانع ندارد.

۴۲- س- آیا گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؟

ج- اشکال ندارد.

۴۳- س- آیا مُحرم می‌تواند ناخن مُحرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

۴۴- س- کندن دندان که بر مُحرم حرام است مقصود دندان خودش می‌باشد یا شامل دندان غیر هم می‌شود؟ و در تقدیر حُرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج- شامل دندان غیر نمی‌شود، هر چند خون از آن بیرون آید.

۴۵- س- آیا در حال احرام می‌توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می‌کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۵

ج- اگر ضرورت دارد مانع دارد، ولی کفاره دارد علی الاحوط.

۴۶- س- هرگاه مُحرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج- باید دو کفاره بدهد، مگر در صورت جهل و نسیان.

۴۷- س- در بین مردم معروف است که مُحرم نباید به کسی دستور بدهد؛ مثلًا نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

مستحبات دخول حرم

۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید؛

۲. از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علاـ پابرهنه شـده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود، و این عمل ثواب زیادی دارد؛

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:
اللّهُمَّ انَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ: وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَـجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَـجٍّ عَمیقٍ، اللّهُمَّ انّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَـکَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُـقَّةٍ بَعیـدَةٍ وَ فَجٍّ عَمیقٍ، سامِعاً لِنِـدائِکَ، وَ مُسْتَجیباً لَکَ، مُطیعاً لِأَمْرِکَ، وَ کُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَ احْسانِکَ الَیَّ،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۶
فَلَکَ الْحَمْـدُ عَلی ما وَفَّقْتَنی لَهُ، أبْتَغِیْ بِـذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْـدَکَ، وَ الْقُرْبَةَ الَیْکَ، وَ الْمَنْزِلَـةَ لَدَیْکَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبی، وَ التَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنی عَلَی النّارِ، وَ آمِنّی مِنْ عَذابِکَ وَ عِقابِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمینَ.

۴. وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکهٔ معظمه

برای دخول مکـهٔ معظمه نیز مسـتحب است مکلف غسل بنماید، و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود، و کسـی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجد الحرام

مسـتحب است مکلف برای دخول مسـجد الحرام غسل بنمایـد، و همچنین مسـتحب است با پای برهنه و با حالت سـکینه و وقار وارد شود و هنگـام ورود از درب «بنی شـیبه» وارد شود، و گفته‌انـد که بـاب بنی شـیبه در حال کنونی مقابل باب السـلام است؛ بنا بر این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجد الحرام ایستاده، بگوید:
السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَـةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ ما شاءَ اللّهُ، السَّلامُ عَلی انْبِیاءِ اللّهِ وَ رُسُـلِهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۷
السَّلامُ عَلی ابْراهیمَ خَلیلِ اللّهِ، وَ الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:
بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ الَی اللّهِ وَ ما شاءَ اللّهُ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ- صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ- وَ خَیْرُ الْأَسْماءِ للّهِ، وَ الْحَمْدُ للّهِ، وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَـةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی انْبِیاءِ اللّهِ وَ رُسُـلِهِ، السَّلامُ عَلی خَلیلِ اللّهِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَی الْمُرْسَـلینَ وَ الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، السَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللّهِ الصّالِحینَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَـمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، کَما صَـلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْـتَ عَلی ابْراهیـمَ وَ آلِ ابْراهیمَ، انَّکَ حَمیـدٌ مَجیـدٌ، اللّهُمَّ صَـلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْـدِکَ وَ رَسُولِکَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی ابْراهیمَ خَلیلِکَ وَ عَلی انْبِیائِکَ وَ رُسُـلِکَ وَ سَـلِّمْ عَلَیْهِمْ، وَ سَـلامٌ عَلَی الْمُرْسَـلینَ وَ الْحَمْـدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، اللّهُمَّ افْتَـحْ لی أَبْوابَ رَحْمَتِـکَ وَ اسْـتَعْمِلْنی فی طاعَتِکَ وَ مَرْضاتِـکَ وَ احْفَظْنی بِحِفْظِ الْایمانِ أَبَـداً ما ابْقَیْتَنی جَلَّ ثَناءُ وَجْهِکَ، الْحَمْـدُ للّهِ الَّذی جَعَلَنی مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوّارِهِ، وَ جَعَلَنی مِمَّنْ یَعْمُرُ

مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَني مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللّهُمَّ انّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ في بَيْتِكَ، وَ عَلىَ كُلِّ مَأتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُكَ يَا اللّهُ يَا رَحْمنُ بِأَنَّكَ انْتَ اللّهُ لَا الَهَ الّا انْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِانَّكَ وَاحِدٌ احَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُواً أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ عَلىَ اهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ انْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ ايّاىَ بِزِيَارَتي إِيّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ.

پس سه مرتبه می گوید:

اللّهُمَّ فُكَّ رَقَبَتي مِنَ النّارِ.

پس می گوید:

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۸

وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ ادْرَأْ عَنّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْانْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

اللّهُمَّ انّي أَسْأَلُكَ في مَقَامِي هذَا، وَ في أَوَّلِ مَنَاسِكي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطيئَتي وَ أَنْ تَضَعَ عَنّي وِزْرِي، الْحَمْدُ للّهِ الَّذي بَلَّغَني بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللّهُمَّ انّي أَشْهَدُ انَّ هذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنّاسِ وَ أَمْناً مُبَارَكاً وَ هُدىً لِلْعَالَمِينَ، اللّهُمَّ انّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدَ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَؤُمُّ طَاعَتَكَ، مُطيعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدَرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقيرِ الَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللّهُمَّ افْتَحْ لي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْني بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ.

و بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

الْحَمْدُ للّهِ الَّذي عَظَّمَكِ وَ شَرَّفَكِ وَ كَرَّمَكِ وَ جَعَلَكِ مَثَابَةً لِلنّاسِ وَ امْناً مُبَارَكاً وَ هُدىً لِلْعَالَمِينَ.

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد، بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا الَهَ الّا اللّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ اللّاتِ وَ الْعُزّى، وَ بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعىَ مِنْ دُونِ اللّهِ.

و هنگامی که نظرش به حجر الأسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

الْحَمْدُ للّهِ الَّذي هَدَانَا لِهذَا وَ مَا كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللّهُ، سُبْحَانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ للّهِ وَ لَا الَهَ الّا اللّهُ وَ اللّهُ اكْبَرُ، اللّهُ اكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ اللّهُ اكْبَرُ مِمّا اخْشىَ وَ احْذَرُ، لَا الَهَ الّا اللّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلىَ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلىَ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۲۹

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَافْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلىَ ابْرَاهِيمَ، وَ آلِ ابْرَاهِيمَ، انَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلىَ جَميعِ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللّهُمَّ انّي أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُصَدِّقُ رُسُلَكَ، وَ اتَّبِعُ كِتَابَكَ.

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداونـد عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما، و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

اللّهُمَّ أَمَانَتي أَدَّيْتُهَا وَ ميثَاقي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لي بِالْمُوَافَاةِ، اللّهُمَّ تَصْديقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلىَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلهَ الّا اللّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ اللّاتِ وَ الْعُزّى، وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعىَ مِنْ دُونِ اللّهِ.

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

اللّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدي، وَ فيما عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتي، فَاقْبَلْ سُبْحَتي، وَ اغْفِرْ لي وَ ارْحَمْني، اللّهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ

.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۱

فصل چهارم: در طواف واجب و بعضی از احکام آن

اشاره

کسی که مُحرم شد به احرام عمرهٔ تمتع و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسألهٔ ۲- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمرهٔ او باطل است، چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

مسألهٔ ۳- چنین کسی که عمرهٔ خود را باطل کرد، احوط آن است که حج افراد به جا آورد، و پس از آن عمره به جا آورد، و حج را در سال بعد اعاده کند.

مسألهٔ ۴- وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۲

اعمال عمره به جا آورد، نتواند وقوف به عرفات کند.

مسألهٔ ۵- اگر از روی سهو ترک کرد طواف را، لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه، یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

مسألهٔ ۶- اگر سعی را به جا آورده پیش از آنکه طواف را به جا آورد، احتیاط واجب آن است که سعی را هم به جا آورد، و اگر نماز طواف را به جا آورده، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.

مسألهٔ ۷- اگر شخص مُحرم به واسطهٔ مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند، اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

مسألهٔ ۸- شخص مریض را که طواف می‌دهند، باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول: چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول: نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۳

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- نیت را لازم نیست بر زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانـد، بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود، عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده.

مسألهٔ ۲- بایـد عبادت را برای اطاعت خـدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیـدا می‌کنـد؛ پس بایـد طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.

مسألهٔ ۳- اگر در به جـا آوردن طواف یـا سـایر اعمال عمره و حـج که عبادی است ریا کنـد؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیـدن و عمـل خود را خوب جلوه دادن به جـا آورد، طواف او و همین طور هر چه را این طور به جـا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

مسألهٔ ۴- ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود.

مسألهٔ ۵- کفـایت می‌کنـد در صـحیح بودن عمـل، آنکه برای خـدا بیـاورد، یا برای اطاعت امر خـدا، یا برای ترس از جهنم، یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.

مسألهٔ ۶- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد، عمل باطل است.

دوم: آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۴

نفاس و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- طهارت از حدث اکبر و اصـغر در طواف واجب، شـرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسألهٔ ۲- طهارت از حدث اکبر و اصـغر در طواف مسـتحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود؛ ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد، صحیح است.

مسألهٔ ۳- طواف- یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن- مستحب است، و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است، و در این طواف طهارت شرط نیست.

مسألهٔ ۴- اگر شخصـی که حـدث اکبر یا اصـغر داشـته طواف کنـد باطل است، چه از روی عمـد باشـد یا از روی غفلت یا نسـیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسألهٔ ۵- اگر در اثنای طواف حـدث عارض شود، پس اگر پس از تمام‌شـدن دور چهارم است، بایـد طواف را قطع کنـد و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند.

مسألهٔ ۶- اگر در فرض سابق پیش از تمام شـدن دور چهارم، حـدث عارض شود، احتیاط واجب آن است که تمام کنـد طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است.

مسألهٔ ۷- اگر در اثنای طواف حـدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسـجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۵

چهارم بود، پس از غسل، طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۸- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

مسألهٔ ۹- اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

مسألهٔ ۱۰- احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود، یا امیدش قطع شود.

مسألهٔ ۱۱- اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسألهٔ ۱۲- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه، یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسألهٔ ۱۳- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه، یا شک کند با غسل آن را به جا آورده یا نه، طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد، باید طهارت تحصیل کند.

مسألهٔ ۱۴- اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمهٔ طواف را به جا آورد، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۶

است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.

مسألهٔ ۱۵- در تمام صورتهایی که در شک گفته شد که بنا بر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است، بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجائاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

مسألهٔ ۱۶- اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بود و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد، و الّا بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

مسألهٔ ۱۷- اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند، موجود نباشد، حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مأیوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد، و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند، و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسلهایی که بر او لازم است می‌تواند وارد مسجد الحرام شود و طواف کند، بنا بر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجد الحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم: طهارت بدن و لباس است از نجاست.

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده مثل خونِ کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند، مثل عرقچین

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۷

و جوراب حتی انگشتر نجس، اجتناب کند.

مسألهٔ ۲- در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد، لازم نیست تطهیر کند.

مسألهٔ ۳- در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است که تطهیر کند، یا جامه را عوض کند.

مسألهٔ ۴- احتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی‌مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

مسألهٔ ۵- اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد، علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۶- اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می‌تواند با آن حال طواف کند و صحیح است، چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی‌تواند با آن حال طواف کند، بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسألهٔ ۷- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند، و طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۸- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسألهٔ هفتم را دارد.

مسألهٔ ۹- اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۸

از اول بوده، احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همان جا بقیهٔ طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند، خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آنکه بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.

مسألهٔ ۱۰- اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده است، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید.

چهارم: ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که دربارهٔ بچه‌های نابالغ مراعات شود.

مسألهٔ ۱- اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را مُحرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست؛ پس اگر مُحرم به احرام حج شود چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود، مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند، یا خودش بعد از ختنه‌شدن طواف کند، یا آنکه نایب برای او بگیرند تا طواف کند.

مسألهٔ ۲- اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

پنجم: ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند، باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب؛ و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنماید.

مسأله- احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند؛ یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۳۹

یک طواف خارج شود.

قسم دوم: چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگر چه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در

عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است:

اول: آنکه ابتدا کند به حجر الأسود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- در ابتدا کردن به حجر الأسود، لازم نیست که تمام اجزای بدنِ طواف‌کننده به تمام اجزای حجر الأسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجر الأسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

مسألهٔ ۲- آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجر الأسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجر الأسود، چه از ابتدای آن شروع کند، چه از وسطش چه از آخرش.

مسألهٔ ۳- از هر جای حجر الأسود که شروع کرد، باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد، باید به اولش ختم شود، و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد، باید به همان جا ختم شود.

مسألهٔ ۴- در طواف باید به همان طوری که همهٔ مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجر الأسود» بدون دقتهای صاحبان وسوسه شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود.

مسألهٔ ۵- گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند، می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۰

دوم: ختم نمودن هر دوری است به حجر الأسود و این حاصل می‌شود به اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم: آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف‌کننده واقع شود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانهٔ چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود، مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود، لکن دور زدن به نحو متعارف باشد، اشکال ندارد.

مسألهٔ ۲- اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه، شانه از محاذات کعبه خارج شود، هیچ اشکالی ندارد اگر به طور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود.

مسألهٔ ۳- گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف‌کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد، زنها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

مسألهٔ ۴- احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد، گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۱

جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند، بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسماعیل علیه السلام یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف و موجب انگشت‌نمایی نشود، مانع ندارد.

مسألهٔ ۵- اگر به واسطهٔ مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد؛ مثل آنکه روی طواف‌کننده به کعبه

واقع شد، یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد، باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

مسألهٔ ۶- اگر به واسطهٔ کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند، کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده.

مسألهٔ ۷- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند، لکن بهتر آن است که به طور میانه‌روی برود.

چهارم: داخل کردن حِجر اسماعیل علیه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل علیه السلام محلی است که متصل به خانهٔ کعبه است، و باید طواف‌کننده دور حجر اسماعیل علیه السلام نیز بگردد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر دور حجر اسماعیل علیه السلام نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است، و باید اعاده کند.

مسألهٔ ۲- اگر عمداً این کار را بکند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۲

که گذشت.

مسألهٔ ۳- اگر سهواً این کار را بکند، حکم ابطال سهوی را دارد.

مسألهٔ ۴- اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در دور زدن نکرد، احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد و اعاده کند طواف را، اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست.

مسألهٔ ۵- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسألهٔ چهارم عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب، کفایت نمی‌کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم: بودن طواف است بین خانهٔ کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد، آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همهٔ اطراف خانهٔ کعبه طواف‌کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانهٔ کعبه (و ما بین مقام و خانه چنانچه گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همهٔ اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد.

مسألهٔ ۲- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم علیه السلام هم داخل در طوافش شود، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

مسألهٔ ۳- اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعادهٔ همان جزء تمام کند، و احوط آن است که طواف را هم اعاده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۳

کند، اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعادهٔ همان جزء.

مسألهٔ ۴- چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود؛ زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می‌شود، و چنانچه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند، باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشوند.

مسألهٔ ۵- اگر از جانب حجر اسماعیل علیه السلام بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد، اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مَطاف دور بزند.

ششم: خروج طواف‌کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- در اطراف دیوار خانه یک پیش‌آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و آن جزء خانهٔ کعبه است، و طواف‌کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

مسألهٔ ۲- اگر کسی در بعضی از احوال به واسطهٔ کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید اعاده کند.

مسألهٔ ۳- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جایز است، و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب ترک آن است.

مسألهٔ ۴- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام جایز است، و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۴

است.

هفتم: آنکه هفت شوط، یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر از روی عمد، طواف‌کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد، طوافش باطل است، اگر چه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد، طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۲- اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد، اصل طواف باطل می‌شود.

مسألهٔ ۳- اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد، طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۴- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد، طواف او صحیح است.

مسألهٔ ۵- اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد، طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۶- اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۵

یک دور از روی عمد، واجب است آن را اتمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده- که در مسائل فصل چهارم گذشت- به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

مسألهٔ ۷- اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند که موالات فوت شود، حکمش حکم قطع طواف است که می‌آید.

مسألهٔ ۸- اگر سهواً از طواف کم کند، پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد، اقوی آن است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الّا احتیاط واجب اتمام و اعاده است.

مسألهٔ ۹- اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همهٔ موارد سهو، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.

مسألهٔ ۱۰- اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود، احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.

مسألهٔ ۱۱- در طواف واجب، قِران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است.

مسألهٔ ۱۲- اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف، و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قِران میان دو طواف است که حرام است.

مسألهٔ ۱۳- در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد کرده باشد، احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند، و اگر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۶

بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد، اقوی صحت طواف اول است، و احوط اعاده است.

مسألهٔ ۱۴- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور، پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

مسألهٔ ۱۵- جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط قطع نکردن آن است؛ به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالاتِ عرفیه به هم بخورد.

مسألهٔ ۱۶- اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، احوط آن است که اگر چهار دور به جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد، حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.

مسألهٔ ۱۷- اگر طواف را قطع کند و منافی به جا نیاورده باشد، اگر برگردد و تمام کند، طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۱۸- اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد، مثل مرض یا حیض یا حدث بی‌اختیار، پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا تمام کند، و اگر قبل از آن بوده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۷

طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

مسألهٔ ۱۹- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست به جا آورد تا آنکه وقت تنگ شد، اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند.

مسألهٔ ۲۰- اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود، واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همان جا طواف را تمام کند، و الّا اعاده کند.

مسألهٔ ۲۱- جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسألهٔ ۲۰ عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

مسألهٔ ۲۲- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورده یا نه، یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترک نشود.

مسألهٔ ۲۳- اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلًا احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۸

مسألهٔ ۲۴- اگر در آخر دور که به حجر الأسود ختم شد، شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۲۵- اگر قبل از رسیدن به حجر الأسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است.

مسألهٔ ۲۶- اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسألهٔ ۲۷- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد، و طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۲۸- شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند، و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسألهٔ ۲۹- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

مسألهٔ ۳۰- اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده، باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسألهٔ ۳۱- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمهٔ سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است، لکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

مسألهٔ ۳۲- اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلًا طواف را بی‌وضو به جا آورد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۴۹

طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

مسألهٔ ۳۳- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند، طواف هر دو صحیح است.

مسألهٔ ۳۴- در حال طواف، تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسألهٔ ۳۵- واجب نیست در حال طواف روی طواف‌کننده طرف جلو باشد، بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحهٔ صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد و از همان جا اتمام کند.

مسألهٔ ۳۶- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همان جا اتمام کند؛ ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد، و اگر آن قدر نشست، احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

مسائل متفرقهٔ طواف

مسألهٔ ۱- در طواف در مقابل حجر اسماعیل علیه السلام باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و به نحو متعارف باشد، و مخفی نماند که حجر اسماعیل علیه السلام از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

مسألهٔ ۲- در صورت امکان و لو در وقت خلوت باید طواف در حد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۰

بین مقام ابراهیم علیه السلام و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی‌کند و در صورت عدم امکان و لو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

مسألهٔ ۳- هرگاه در طواف خانهٔ خدا، مثلًا در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی‌اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الأسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد.

مسألهٔ ۴- اگر در طواف بی‌اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند، و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید؛ ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود، بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد، ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

مسألهٔ ۵- اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد، یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند، باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد، و از آنجا تدارک نماید.

مسألهٔ ۶- اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد، طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

مسألهٔ ۷- اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۱

عمره یا حج، چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل علیه السلام دور زده، حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند.

مسألهٔ ۸- زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرایط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده، و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست، و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است، و در صورت اول حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر در عمره بوده، در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، یک عمرهٔ مفرده نیز به جا آورد.

۹- س- جوان ۱۷ سالهٔ غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلًا در مدینه است، تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج- باید مُحرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف، و بعد از طواف، خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش یک نماز بخواند، کفایت می‌کند.

۱۰- س- اگر در اثنای طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامهٔ طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج- اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، و اگر قبل از شوط چهارم طواف

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۲

بوده و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

۱۱- س- کسی که بعد از تقصیر در عمرهٔ تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- طواف و نماز را اعاده کند، و عمرهٔ او صحیح است.

۱۲- س- شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می‌دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلًا وظیفهٔ او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج- طواف او صحیح است.

۱۳- س- اگر در اثنای طواف شک در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد؛ مثلًا نمی‌داند که از مقابل حِجر که عبور کرده از حدّ مَطاف خارج بوده است یا نه؟

ج- اگر مسأله را می‌دانسته و می‌خواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.

۱۴- س- اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفهٔ او چیست؟ و کفاره دارد یا نه؟

ج- باید عمل باطل شده را جبران کند، و ظاهر این است که از احرام

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۳

خارج شده و کفاره ندارد.

۱۵- س- کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله، طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج- باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست، باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است.

۱۶- س- کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است، آیا طواف او صحیح است است یا خیر؟ و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر به جا آورد، و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد، و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است.

۱۷- س- کسی در شوط آخر مُحدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفهٔ او چیست؟

ج- باید قسمتی از طواف را که بی‌وضو انجام داده با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.

۱۸- س- کسی توهم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده، ولی برای او جزمی نیست، و چون نمی‌توانسته

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۴

برگردد و تدارک کند، بقیهٔ شوط تا محلّ تدارک را به قصد احتیاط و رجا انجام می‌دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد، و بعد بقیهٔ اشواط طواف را به جا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

ج- صحیح نیست.

۱۹- س- کسی در وقت طواف، شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود، بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال، یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج- صحیح است.

۲۰- س- کسی در شوط چهارم از حجر الأسود تا اول حجر اسماعیل علیه السلام را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیّت جدا در این شوط نداشته باشد باید این قسمت شوط را اعاده کند، لذا بقیهٔ شوط را بدون نیّت رفته و از حجر الأسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می‌شود؟

ج- اشکال دارد.

۲۱- س- کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می‌کنند و بلافاصله از نو شروع می‌کنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج- اشکال دارد، و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

۲۲- س- دربارهٔ اشخاصی که قادر به طواف نیستند، آیا نایب گرفته

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۵

شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیلهٔ نامبرده، در خارج محدودهٔ مطاف طواف انجام می‌دهند؟

ج- احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگر چه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می‌کند.

۲۳- س- شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می‌شود و بعد که متوجه شد، برمی‌گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می‌نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج- اشکال دارد؛ بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل علیه السلام از حجر الأسود به قصد احتیاط شوط را اعاده می‌کرد، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت.

۲۴- س- اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک، یقین کند و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد، صحیح است؟

ج- اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد، اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است؛ ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعادهٔ آن است.

۲۵- س- زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد، و با او ادامه داد و بعد از شوط آخرِ مرد که شوط ششم زن است، او به جای اینکه یک شوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۶

ج- احتیاط آن است که یک شوط دیگر به قصد احتیاط به جا آورد که مجموعاً چهارده شوط می‌شود، و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید.

۲۶- س- در مَطاف چیزهایی از افراد می‌افتد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف می‌کنند پا روی آن می‌گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی‌شود؟

ج- موجب بطلان طواف نمی‌شود.

۲۷- س- اگر انسان می‌داند که پا گذاشتن روی احرامیِ دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می‌گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج- به طواف ضرر نمی‌زند.

۲۸- س- اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد، احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شوطی را که قطع کرده تمام کند، یا ما بعدش را هم باید به جا آورد؟

ج- طواف مزبور اشکال دارد و اتمام موضوع ندارد، و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً.

۲۹- س- شخصی طواف را از حجر الأسود شروع کرده، و در هر شوط به رکن یمانی که می‌رسید نیتِ ختم می‌کرد و از حجر الأسود نیت شوط بعد را می‌نمود و هفت شوط طواف را این گونه تمام کرد به گمان اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، آیا وظیفه‌اش

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۷

چیست؟

ج- این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود.

۳۰- س- گاهی مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه دست به دست هم می‌دهند و همان طور توسعه می‌دهند تا انسان از مطاف خارج می‌شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مَطاف صحیح باشد، یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند، حال تکلیفشان چیست؟

ج- اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و در این صورت طواف در خارج حد، صحیح نیست.

۳۱- س- کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

ج- اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس، حکم غصب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست.

۳۲- س- شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن مُحرم شده و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد، باید طواف و نماز را اعاده کند.

۳۳- س- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه، لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد، و اگر نداد طواف با آن چه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۸

صورت دارد؟

ج- با فرض شک، لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است، هر چند احتیاط مطلوب است.

۳۴- س- شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می‌داده، تنها نماز طواف را به گمان اینکه کفایت می‌کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- با فرض اینکه طواف حج را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلش برگشته است، باید حج را اعاده کند، و یک شتر قربانی نماید.

۳۵- س- تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف‌کننده‌ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته‌اند، بفرمایید در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

۳۶- س- زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دایر است بین اینکه با تخت در خارج مطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ج- باید او را در مَطاف، طواف دهند، هر چند نامحرم او را پشت کند.

۳۷- س- کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعادهٔ طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوطهای طواف قطع شد، مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج- فرقی نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۵۹

۳۸- س- شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد بهوش آمد، آیا می‌تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود، شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد، یا نه؟

ج- اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

۳۹- س- آیا بعض شوطهای طواف و سعی، برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است، یا نه؟

ج- بلی، قابل است.

۴۰- س- با وضعیت فعلی که جمعیت حجاج خیلی زیادند و عده‌ای از ضعفا نمی‌توانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مَطاف هست؟ و نیز خلف مقام که یا نمی‌شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می‌تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود، یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود، مثلًا تا شب نهم، و آن وقت چنین کند، و معلوم است برای همه کس میسر نیست؟

ج- اگر می‌تواند و لو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند، باید در حد آن طواف نمایند، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، و صبر لازم نیست.

۴۱- س- دختری در کودکی و یا اوایل سنین بلوغ جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه در سنین بالاتر نمی‌دانسته به واسطهٔ فعلی که در کودکی انجام شده، جنب گشته است و در نتیجه غسل

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۰

جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسلهایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است و با توجه به موارد یادشدهٔ فوق این سؤالها مطرح است:

۱. وضع نماز و روزه و کلیهٔ عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟

۲. آیا در زمان حال مُحرم است، و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت مُحرم بودن، آیا تا زمانی که اعادهٔ حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می‌باشد، یا خیر؟

۳. در صورتی که فقط حجش باطل باشد، ولی مُحرم نباشد چگونه می‌تواند با وضع اعزام حجاج به بیت اللّه الحرام که چند سال

یک بار این توفیق حاصل می‌شود، اعادهٔ حج کند؟

ج- اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست و غسلهای دیگر کفایت از غسل جنابت نمی‌کند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمی‌دانسته جنب است و روزه گرفته روزه‌های او صحیح است و قضا ندارد، و حج در مفروض سؤال صحیح است؛ ولی طوافهای عمره و حج و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه به جا آورد، و اگر خودش نمی‌تواند برود برای آنها نایب بگیرد، و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او به جا نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، اجتناب نماید.

۴۲- س- شخصی در اثنای طواف، مُحدث شده و خجالت کشیده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۱

بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

۱. حجش چه صورت دارد؟

۲. اگر اعاده لازم است، آیا می‌تواند نایب بگیرد، یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج- اگر با اعتقاد صحت، اعمال را اتمام کرده، حجش صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمی‌تواند برود، باید نایب بگیرد، و اگر در فرض مزبور حدث بعد از شوط چهارم باشد به تفصیل مذکور در مناسک طواف را تدارک کند، و چنانچه کار او عمدی بوده، یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده، شقوق و صوری دارد که در بعض آنها صحت حج مشکل است.

۴۳- س- ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم، و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم و جایی را نمی‌شناختم، روی ریگهای اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج- با اینکه برای شما امکان داشته که وضو بگیرید، و لو به این نحو که به منزل بروید و مثلًا برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است، و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۲

شده‌اید، و فقط باید طواف و نماز را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی‌توانید بروید، باید نایب بگیرید.

۴۴- س- اگر کسی قبل از حجر الأسود طواف را شروع نمود و به همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج- بلی، طواف باطل است.

۴۵- س- اگر در هنگام خروج از مَطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مُبطل طواف است؟

ج- اگر عمدی باشد، مبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.

۴۶- س- شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون اینکه نماز طواف را بخواند، سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج- اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

۴۷- س- کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیهٔ اشواط را دیگری به جای او انجام داده است،

وظیفهٔ او چیست؟

ج- با فرض عذر حتی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.

۴۸- س- آیـا می‌شود قبـل از شوط چهارم، طواف را بـدون عـذر به هم زد و آن را کأن لم یکن دانست، و یا ماننـد نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج- قطع مانع ندارد، ولی قبل از فوات موالات نمی‌توان آن را از سر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۳

گرفت.

۴۹- س- کسـی که از طواف حتی در خـارج مَطـاف عـاجز است و به خـاطر گرانی طواف بـا تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟

ج- اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است، نایب بگیرد.

۵۰- س- اگر کسی یک شوط طواف را از درون حِجْر به جا آورده و بقیهٔ اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند، و اگر با اعتقاد صحّت بوده بقیهٔ اعمال صحیح است.

۵۱- س- در مواردی که شـخص شک در اشواط کنـد، حکم به بطلان طواف می‌فرمایید، حالا اگر کسـی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول، شش شوط داشته، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- اشکال دارد، و باید احتیاط کند.

۵۲- س- بعضی به تصور اینکه طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده‌اند، آیا مُخل به طواف است؟

ج- اگر به قصد چهارده شوط طواف کرده، طوافش باطل است.

۵۳- س- اگر کسـی طواف عمره را فراموش کرد، و یـا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست؟ و آیا انجام و تتمیم آن فوریت دارد؟

ج- می‌تواند بعد از اعمال منیٰ آن را تدارک کند، و فوریت ندارد.

۵۴- س- اگر کسی جهلًا طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیهٔ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۴

اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

ج- اگر از اول قصـد بیش از هفت شوط داشـته، طواف و نمازش صـحیح نیست، و بایـد آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعادهٔ بقیهٔ اعمال لازم نیست؛ ولی اگر قصـد هفت شوط داشتـه و بعـد از تمام شـدن، زیاد کرده، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تـا چهارده شوط تتمیم کنـد و یـک نمـاز دیگر هم به جـا آورد و طواف و نماز را اعاده کنـد، و اگر کمتر از چهار شوط زیـاد کرده و موالاـت عرفیه به هم خورده است، احتیـاط واجب اعـادهٔ طواف و نماز است، و اگر موالات عرفیه به هم نخورده، حکم صورت قبل را دارد.

۵۵- س- شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیابی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حجها چیست؟

ج- مانع ندارد و باید طواف حج خود را تدارک کند، و حجهای نیابی که انجام داده، صحیح هستند.

۵۶- س- شخصـی طواف خود را انجـام داده است و بعـداً دو شوط طواف رجائـاً برای جبران نقص احتمالی به جا می‌آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می‌رساند؟

ج- ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی‌کند.

۵۷- س- شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج- باید همین طواف را تکمیل کند.

۵۸- س- شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می‌بیند و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۵

آن را با دستمال پاک می‌کند و طواف خود را تمام می‌نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج- اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند، و اگر بدون تطهیر بینی طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند، و همچنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است.

۵۹- س- شخصی در شوط دوم طواف شک می‌کند که آیا طواف را به نیت منوبٌ عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- احتیاط آن است که طواف را به نیت منوبٌ عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند.

۶۰- س- شخصی در اثنای طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت اللّه الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی‌داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود، ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج- اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور، محل اشکال است.

۶۱- س- شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می‌شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج- طواف او اشکال دارد، و باید آن را اعاده کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۶

۶۲- س- شخصی بعد از اتمام طواف سهواً یک شوط زیاد کرده است و بعد مردَّد است که سه یا چهار شوط دیگر به جا آورده است، و سپس همهٔ اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است، و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

ج- مضر است، و باید طواف و نماز را اعاده کند.

۶۳- س- شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داد، و بعد نیز بقیهٔ اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- اگر ممکن نبوده، و لو در وقت دیگر که در حد، طواف کند، اشکال ندارد، و گر نه باید طواف و نماز اعاده شود.

۶۴- س- کسی که وظیفهٔ او وضوی جبیره‌ای و تیمم است، اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- طواف و نماز آن، باید اعاده شود.

۶۵- س- شخصی شوط اول طواف را خارج از مَطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدودهٔ معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج- مانع ندارد.

۶۶- س- کسی که اشتباهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه

شـده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شـد و طوافش را به حجر الأسود ختم کرد، مقـدار زیادی مُضـر به طوافش می‌باشد یا خیر؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۷

ج- طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست.

۶۷- س- کسـی که می‌دانـد یا احتمال می‌دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می‌دهد، یعنی جمعیت او را می‌برند، آیا می‌تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج- باید طواف را شروع کند، و اگر در اثنای بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.

۶۸- س- مواردی که بایـد احتیاطاً طواف را تمام کنـد و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند، آیا اگر یک طواف به قصـد اعم از تمـام و اتمـام (یعنی چنـانچه آن مقـدار انجام شـده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصـد طواف داشـته باشـد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج- این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

۶۹- س- شخصـی در عمرهٔ تمتع بعد از تقصـیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده، مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند، یا نه؟

ج- طواف و سعی او صحیح است و اعادهٔ تقصیر لازم نیست، اگر چه احوط است.

۷۰- س- شخصـی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجر الأسود

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۸

شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صـحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمهٔ علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج- صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

۷۱- س- کسـی که به حـدود مَطاف آگاهی نـدارد، بعـد از فراغ از طواف شک می‌کنـد که در مَطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج- اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صـحیح است، و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

۷۲- س- شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می‌کند و مشغول نماز می‌شود و پس از نماز، طواف را از سر می‌گیرد و هفت شوط کامل به جا می‌آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید.

۷۳- س- شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می‌نماید و از این تماس متلذذ می‌گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می‌کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- مضر به طواف نیست، و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده، باید کفاره بدهد.

۷۴- س- اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می‌تواند در ماههای غیر حج انجام دهد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۶۹

ج- مانع ندارد.

۷۵- س- شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده، رها می‌کند و پس از آن شش شوط دیگر به جا می‌آورد و بعد از آن نقیصهٔ شوط اول را به جا می‌آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج- صحیح نیست.

۷۶- س- اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند، کافی است؟

ج- اگر اطمینان به عدد پیدا کند، مانع ندارد.

۷۷- س- شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود، شروع می‌کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج- اگر موالات به هم نخورده، صحیح است.

۷۸- س- آیا واجب است برای درک خلوتی مَطاف و طواف در محدودهٔ بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد، یا مستحب است، یا رجحان دارد، خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مَطاف خلوت نشود؟

ج- در صورت امکانِ طوافِ در حد، و لو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند و لو با تأخیر.

۷۹- س- آیا مُحرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می‌تواند همین طوافها را برای معذور، نیابت کند؟

ج- مانعی ندارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۰

۸۰- س- شخصی در طواف عمرهٔ تمتع در اثر فشار احساس می‌کند که لنگِ احرامش تر و نجس شده، ولی اعتنا نمی‌کند و با همان حال طواف را تمام می‌کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می‌دهد و به منزل می‌رود، بعد از بررسی می‌بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می‌کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن، به او می‌گویند باطل است، مستدعی است حکم اللّه را با توجه به اینکه نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده، دربارهٔ این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد، آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج- اگر در حال طواف، شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است، و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند، هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد.

۸۱- س- آیا یقین به هل‌خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدودهٔ معین و مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده می‌شود، یا خیر؟

ج- شامل نیست.

۸۲- س- در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدودهٔ معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می‌کند، باز هم واجب است در محدودهٔ معین طواف کند؟

ج- آنچه ذکر شده، عذر نیست.

۸۳- س- اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلًا هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد، ولی بعداً

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۱

لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج- اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند، و در

ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود.

۸۴- س- بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه‌شان برهم می‌خورد، به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می‌بینند، آیا وظیفهٔ این گونه زنان در حج چیست؟

ج- اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، و لو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، و گر نه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

۸۵- س- اگر زن در عمرهٔ تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی‌شود، وظیفهٔ او چیست؟

ج- مورد عدول به افراد است.

۸۶- س- اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمرهٔ تمتع حائض شد و تا وقت وقوف به عرفه پاک نشد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- باید سعی و تقصیر عمرهٔ تمتع را انجام دهد و مُحرم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیهٔ طواف عمرهٔ تمتع و نماز آن را هم به جا آورد.

۸۷- س- زنی عمرهٔ تمتع را انجام داد، بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است، پس از اینکه متوجه شد، ملاحظه نمود عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۲

ج- هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند، و اگر قبل از وقوف، پاک نمی‌شود برای حج مُحرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آنها را انجام دهد.

۸۸- س- زنی مسأله را نمی‌دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می‌کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می‌کرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج- اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

۸۹- س- آیا مستحاضهٔ کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر بکند، یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج- برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

۹۰- س- زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است، ولی در عرفات خون می‌بیند، بنا بر این آیا در یائسگی او می‌توان تردید داشت یا نه، و وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست، حکم مستحاضه را دارد.

۹۱- س- آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه یک حکم دارند، یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟

ج- مستقل هستند.

۹۲- س- زنی بعد از وقوفین حیض می‌شود، با مصرف قرص، خون قطع می‌گردد و اعمال را انجام می‌دهد، ولی بعد از آن لک می‌بیند، وظیفهٔ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۳

او چیست؟

ج- اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده، حیض نبوده است و با انجام وظیفهٔ مستحاضه، عمل او صحیح است.

۹۳- س- زنی در حال طواف، مستحاضهٔ قلیله می‌شود، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلًا بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.

۹۴- س- زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثنای طواف لک می‌بیند، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

۹۵- س- زنی به تصور اینکه پاک شده است، طواف انجام می‌دهد و در اثنای سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده است، آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج- در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعادهٔ طواف و نماز سعی را اتمام و اعاده نماید، و در فرض دوم نیز اعادهٔ طواف و نماز لازم، و اعادهٔ سعی مبنی بر احتیاط است.

۹۶- س- زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله‌ای بین اعمال پیش می‌آید که شاید طولانی هم باشد، مثلًا باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۴

ج- اگر خون قطع نمی‌شود برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنا بر این اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجد الحرام غسل کند و وضو بگیرد.

۹۷- س- زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند، طبق وظیفه‌اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد؛ بین طواف، نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج- اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.

۹۸- س- زنی که حیض نمی‌شود، ولی هر دو ماه یک بار، دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر خون استمرار تا سه روز ندارد و لو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

۹۹- س- هرگاه زن قُرَشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد، در طوافها و نماز چه کند؟

ج- حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.

۱۰۰- س- زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۵

یک یا دو لکهٔ کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می‌زند یا خیر؟

ج- حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفهٔ مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثنای طواف لکه دیده تفصیلی بین ما قبل از تمام شدن دور چهارم و ما بعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.

۱۰۱- س- شخصی غسل مس میت به گردنش بوده، ولی بعد از اعمال حج متذکر می‌شود، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر بعد از مس میت، غسل جنابت کرده باشد- چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده- غسل جنابت کفایت می کند و عملش صحیح است، و الّا باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

۱۰۲- س- مُحرمی است که مبتلاـ به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می‌شود و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصلهٔ یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج- حکم مبطون را دارد، که از تحریر الوسیله، جلد اول صفحهٔ ۳۰ مسألهٔ ۳ استفاده می‌شود، و علی ایّ حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد، اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است؛ ولی اگر بتواند و لو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد، واجب است تجدید وضو کند، و همچنین است حکم در نماز طواف.

۱۰۳- س- مدتی است که به علت ابتلا به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع احساس نمی‌کنم و از کیسهٔ مخصوص

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۶

استفاده می کنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است، که بدان عمل می کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانهٔ خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

ج- اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید بنمایید، عمل حج شما صحیح است.

۱۰۴- س- شخصی عمل جراحی انجام داده است و فعلًا کیسه‌ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده‌اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

ج- حکم مسلوس را دارد.

۱۰۵- س- کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می کند، مقداری که می‌آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج- اشکال دارد.

۱۰۶- س- به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می‌شود، و بخصوص در طوافها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجا چندین بار به جا می‌آورند، و لو اینکه عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد وسواس هم نمی‌رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج- وسواس همین است و نباید به وسوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۷

احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

۱۰۷- س- کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می‌شود و به جلو می‌رود، می‌خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند، ولی در اثر ازدحام نمی‌تواند خود را به آنجا برساند و در مُحاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می‌تواند از مُحاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج- لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه مُحاذات کافی است و باید طواف تکمیل شود.

۱۰۸- س- قِران که در طواف حرام است، آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟

ج- اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قِران داشته، احتیاط در اعادهٔ طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قِران کرده، طواف باطل نمی‌شود.

۱۰۹- س- آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که

مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ج- استحباب آن ثابت نیست؛ ولی طواف مزبور صحیح است.

۱۱۰- س- معیار در کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

ج- عرفی است.

۱۱۱- س- طواف کردن در محدودهٔ ۵/ ۲۶ ذراع، و نماز خواندن پشت مقام هر چه نزدیکتر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان شده است، گویی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۸

نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف می‌کنند و دور از مقام نماز می‌خوانند، انجام شود؟

ج- چنین چیزی نیست و باید به وظیفه عمل شود.

۱۱۲- س- اینکه فرموده‌اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج- بلی، احتیاط به این است که قبلًا اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس اعاده نماید.

۱۱۳- س- کسی که در سعی یا طواف عمرهٔ تمتع یا عمرهٔ مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که مُحرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام، آیا باید با لباس احرام طواف کند، یا در لباس مَخیط هم جایز است؟

ج- هیچ یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.

۱۱۴- س- شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیهٔ اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد، و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد.

۱۱۵- س- آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است با لباس احرام باشد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۷۹

ج- لازم نیست.

۱۱۶- س- هرگاه مُحرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلًا یا عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمرهٔ او مُجزی است یا نه؟

ج- طواف و سعی مزبور صحیح، و عمرهٔ مذکور مُجزی است.

۱۱۷- س- هرگاه مُحرم به احرام عمرهٔ تمتع، جنب باشد و آب برای او ضرر دارد، یا آب ندارد، و یا وقت عمره می‌گذرد، آیا طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است؟ یا باید نایب هم بگیرد؟

ج- نایب گرفتن لازم نیست.

۱۱۸- س- آیا حجاب زن در طواف، مثل حجاب او در نماز است یا فرق می‌کند؟

ج- فرق می‌کند، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط.

۱۱۹- س- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند، ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند، یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟

ج- اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی الاحوط، و در غیر مورد عمد صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی الاحوط.

۱۲۰- س- شخصی در عمرهٔ تمتع طواف را تمام کرده است، ولی می‌گوید دلچسب نشد، لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول به جا می‌آورد و نماز و سعی به جا می‌آورد و تقصیر می‌کند، آیا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۰

عملش صحیح است یا نه؟

ج- عمل او صحیح است، هر چند داخل در قِران حرام است.

۱۲۱- س- اکْل و شُرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج- مانع ندارد.

۱۲۲- س- کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می‌کند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

۱۲۳- س- کودک نابالغی با اذن پدر مُحرم شد و طواف را نیمه‌کاره به تصور اینکه همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقهٔ دوم انجام داده است، تکلیف چیست؟

ج- اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند، و بعد تقصیر نماید.

۱۲۴- س- کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، و لیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت می‌توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج- بقیهٔ طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

۱۲۵- س- شخصی طواف خود را به هم می‌زند و طواف دوم را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۱

شروع می‌کند، آن را نیز به هم می‌زند و طواف سوم را آغاز کرده و به اتمام می‌رساند، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اشکال دارد و موارد احتیاط مختلف می‌شود.

۱۲۶- س- اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجر الأسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجر الأسود شروع کرد و هفت شوط کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

خمینی، سید روح اللّه موسوی، مناسک حج (امام خمینی)، در یک جلد، ه ق

مناسک حج (امام خمینی)؛ ص: ۱۸۱

ج- طواف مزبور باطل است و باید تدارک شود.

۱۲۷- س- گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند، یا خیر؟

ج- به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامهٔ بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود، و با آوردن یک شوط بعد از طواف، احتیاطاً اشکال رفع

نمی‌شود.

۱۲۸- س- شخصی در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اول و ۵ متر در شوط سوم بی‌اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج- این طواف قابل تصحیح نیست، و باید اعاده شود.

۱۲۹- س- شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج- ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثنا نکرده، معتبر است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۲

۱۳۰- س- در طواف مستحبی، زنان می‌دانند که به بدن مردان نگاه می‌کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می‌گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج- اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد؛ ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند، و در هر صورت طواف صحیح است.

۱۳۱- س- آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج- بلی شرط است.

۱۳۲- س- مُحرم وارد مکه شد، آیا می‌تواند قبل از اعمال عمرهٔ تمتع یا قبل از اعمال عمرهٔ مفرده، و همچنین پس از مُحرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد به عمره و حجش ضرر می‌زند یا نه؟

ج- احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی‌زند.

۱۳۳- س- آیا می‌شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟

ج- نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

۱۳۴- س- آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب به جا آورد یا نه؟

ج- جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

۱۳۵- س- اگر حاجی از منیً برگشته و هنوز طواف واجب را به جا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۳

نیاورده است، آیا می‌تواند طواف مستحبی به جا آورد یا نه؟

ج- احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي يُمْشي بِهِ عَلي طَلَلِ الْماءِ كَما يُمْشي بِهِ عَلي جُدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ مُوسي مِنْ جانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّي اللّه عَلَيهِ وَ آلِهِ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَأَخَّرَ، وَ أَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا.

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

اللّهُمَّ إنّي إلَيْکَ فَقيرٌ، وَ إنّي خائِفٌ مُسْتَجيرٌ، فَلا تُغَيِّرْ جِسْمي، وَ لا تُبَدِّلْ اسْمي.

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد، و بخواند این دعا را:

سائِلُکَ فَقيرُکَ مِسْکينُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُکَ، وَ الْحَرَمُ حَرَمُکَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَقامُ الْعائِذِ الْمُسْتَجيرِ بِکَ مِنَ النّارِ، فَأَعْتِقْني وَ والِدَيَّ وَ أَهْلي وَ وُلْدي وَ اخْوانِيَ الْمُؤْمِنينَ مِنَ النّارِ، يا جَوادُ يا کَريمُ.

و وقتی که به حجر اسماعیل علیه السلام رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۴

اللّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أجِرْني مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ وَ عافِني مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْانْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

يا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ، يا ذَا الْجُودِ وَ الْکَرَمِ، انَّ عَمَلي ضَعيفٌ فَضاعِفْهُ لي، وَ تَقَبَّلْهُ مِنّي، انَّکَ أنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ.

و چون به رکن یمانی برسد، دست بردارد و بگوید:

يا اللّهُ يا وَلِيَّ الْعافِيَةِ، وَ خالِقَ الْعافِيَةِ، وَ رازِقَ الْعافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمُ بِالْعافِيَةِ، وَ الْمَنّانُ بِالْعافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلى جَميعِ خَلْقِکَ، يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحيمَهُما، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا الْعافِيَةَ وَ تَمامَ الْعافِيَةِ وَ شُکْرَ الْعافِيَةِ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، يا ارْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي شَرَّفَکِ وَ عَظَّمَکِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِيّاً وَ جَعَلَ عَلِيّاً اماماً، اللّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيارَ خَلْقِکَ، وَ جَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ.

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ.

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار «۱» رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند، و بگوید:

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُکَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النارِ.

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را

---

(۱). مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر درب خانهٔ کعبه قرار دارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۵

بطلبد که إن شاء اللّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

اللّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَ الْفَرَجُ وَ الْعافِيَةُ، اللّهُمَّ إنَّ عَمَلي ضَعيفٌ فَضاعِفْهُ لي وَ اغْفِرْ لي مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّي وَ خَفِيَ عَلى خَلْقِکَ أَسْتَجيرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ.

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

اللّهُمَّ قَنِّعْني بِما رَزَقْتَني وَ بارِکْ لي فيما آتَيْتَني.

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانهٔ کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حَجَر بگوید:

أَمانَتي أَدَّيْتُها وَ ميثاقي تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لي بِالْمُوافاةِ

.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۷

فصل پنجم: نماز طواف

اشاره

و در آن مسائلی است:

مسألهٔ ۱- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند، مثل نماز صبح.

مسألهٔ ۲- می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست، بخواند مگر سوره‌های سجده [دار]، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سورهٔ قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ را بخواند، و در رکعت دوم سورهٔ قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ را بخواند.

مسألهٔ ۳- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح، یا آهسته مثل نماز ظهر.

مسألهٔ ۴- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و بایـد اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظنّ در رکعات، و در ظنّ در افعال احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

مسألهٔ ۵- احوط آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود به جا آورد.

مسألهٔ ۶- واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود، و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۸

احتیاط واجب آن است که پشت مقام به جا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانهٔ کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیکتر بایستد، لکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

مسألهٔ ۷- اگر به واسطهٔ زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد، به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می‌کند به واسطهٔ دوری زیاد، در یکی از دو جانب به جا آورد، در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.

مسألهٔ ۸- اگر ممکن نشـد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد، باید ملاحظهٔ نزدیکتر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخوانـد، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیکتر از پشت باشند به مقام، و لکن هیچ کـدام نزد مقام نباشد، بعید نیست جایز بودن اکتفا به پشت، لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخوانـد و یک نماز در یک طرف با ملاحظهٔ نزدیکتری، و احوط اعادهٔ نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.

مسألهٔ ۹- جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد به جا آورد، اگر چه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آن را می‌تواند عمداً ترک کند.

مسألهٔ ۱۰- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کنـد، بایـد هر وقت که یـادش آمـد در مقـام ابراهیم به جـا آورد و به همـان دستوری که در مسألهٔ ۶ به بعد ذکر شده، عمل نماید.

مسألهٔ ۱۱- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۸۹

بخواند، بعد از آن سعی را از همان جا تمام کند.

مسألهٔ ۱۲- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده، اعادهٔ آنها ظاهراً لازم نباشد، اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده است.

مسألهٔ ۱۳- اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده، باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد، اگر چه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست اگر چه آسان باشد.

مسألهٔ ۱۴- اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آن را قضا کند به نحوی که در کتاب صلاهٔ تفصیل داده شده است.

مسألهٔ ۱۵- جاهل به مسأله در احکامی که برای ناسی ذکر شد، شریک است با او.

مسألهٔ ۱۶- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند اگر نماز او درست نباشد، عمره او باطل است، و همچنین حج نیز باطل است. پس علاوه بر آنکه به این قول از حَجهٔ الاسلام برائت ذمه پیدا نمی‌کند، ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود.

مسألهٔ ۱۷- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد و کافی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۰

است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند، چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

مسألهٔ ۱۸- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند، مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه می‌شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسألهٔ ۱۹- اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت‌کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسألهٔ ۱۷ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

مسائل متفرقهٔ نماز طواف

مسألهٔ ۱- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجد الحرام جایز است، بخصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

۲- س- کسی نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل علیه السلام به جا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

۳- س- شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی‌وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۱

انجام داده و مُحل شده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

۴- س- زنی نماز طواف خود را در حِجْر اسماعیل علیه السلام خوانده است و چون به منزل آمده، ملتفت شده که حائض شده است و تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود، وظیفهٔ او نسبت به نماز چیست، و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج- عمرهٔ او صحیح است و باید برای حج تمتع مُحرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد، قبل یا بعد از آن، نماز طواف عمرهٔ تمتع را به جا آورد.

۵- س- کسی که هر چه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند، نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.

۶- س- در موقعی که شخص طواف می‌کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج- اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

۷- س- آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانبین آن نماز طواف خواند تا حدود منبر، و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام در صورت امکان، همان روز یا روزهای

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۲

دیگر لازم است؟

ج- در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده، اعاده واجب نیست.

۸- س- در مسألهٔ ۶ نماز طواف در تحریر الوسیله فرموده‌اید:

«و الاحوط الاقتداء بشخص عادل» و در مسألهٔ اول نماز جماعت همان کتاب فرموده‌اید: «بل مشروعیهٔ الجماعهٔ فی صلاهٔ الطواف و کذا صلاهٔ الاحتیاط محل اشکال» بفرمایید منظور چیست؟

ج- منظور از مشروعیت، صحت است، و احتیاط مزبور استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.

۹- س- برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می‌خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می‌توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند، یا نه؟

ج- اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همهٔ موارد سؤال حاصل می‌شود.

۱۰- س- کسی که قرائتش درست نیست، آیا می‌تواند تبرعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد، نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج- نیابت چنین شخصی صحیح نیست هر چند تبرعی باشد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی الاعذار محسوب نباشد، که در این صورت می‌تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

۱۱- س- افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۳

نمی‌توانند درست بگویند، در حج نایب می‌شوند و عمره را به نیت منوبٌ عنه انجام می‌دهند، بعد متوجه می‌شوند که نمی‌توانند نایب شوند، آیا چگونه از احرام خارج می‌شوند، و برای حج چه وظیفه دارند؟

ج- در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند.

۱۲- س- کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکری که در نماز می‌گوید درست است و نماز طواف را اعم از طواف زیارت و نساء

همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، باید چه کند؟

ج- اگر احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازش صحیح است.

۱۳- س- چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه السلام می‌آید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر اینکه چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید آیا حتماً نماز باید خَلْف مَقام و نزدیک آن باشد و لو به این صورت، یا دورتر تا هرجا که می‌تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج- اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خَلْف و نزد مقام نماز بخواند، و در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

۱۴- س- در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج- اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد، و در

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۴

غیر این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

۱۵- س- آیا محمول نجسی که طواف معفو نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج- در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

۱۶- س- بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج- احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

۱۷- س- گاهی در پشت مقام ابراهیم علیه السلام جمعیت زیاد است، و چون زن و مرد کنار هم قرار می‌گیرند احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می‌شوند، بدون اینکه ریبه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی‌رساند؟

ج- برای نماز ضرر ندارد.

۱۸- س- احیاناً انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف‌کننده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جا به جا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج- اگر صحیحاً تمام کند، مانع ندارد.

۱۹- س- در مناسک فرموده‌اید: بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه‌اش را یاد بگیرد، خصوصاً برای حج؛ حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلیم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می‌کند و یا اینکه باید نایب بگیرد، و در صورتی که نیابت را لازم نمی‌دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج- اگر وقت ضیق شود به طوری که اگر بعد از طواف بخواهد نماز را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۵

یاد بگیرد، موالات بین نماز و طواف فوت می‌شود، خودش هر طور می‌تواند بخواند.

۲۰- س- زنی مُحرم به احرام عمرهٔ تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف، قبل از اینکه نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه دارد؟

ج- اگر وقت وسعت دارد، صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیهٔ اعمال را انجام دهد، و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمرهٔ تمتع را انجام دهد و مُحرم شود به حج تمتع، و بعد از طواف حج یا قبل از آن، نماز را بخواند و سپس بقیهٔ اعمال را انجام دهد.

۲۱- س- کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می‌فرمایید نماز طواف را به همان کیفیت که می‌تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می‌تواند عمرهٔ مفرده مستحبی به جا بیاورد؟

ج- اشکال ندارد.

۲۲- س- شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید نماز و سعی را به جا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعادهٔ تقصیر لازم نیست، اگر چه احوط است.

۲۳- س- آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است، یا شامل دو طرف مقام نیز می‌شود؟

ج- باید خَلْف مقام باشد.

۲۴- س- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیهٔ اعمال را انجام دهد، وظیفهٔ او چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۶

ج- فقط نماز را باید اعاده کند.

۲۵- س- اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقهٔ بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج- در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

۲۶- س- شخصی نماز طواف را به اعتقاد اینکه حِجْر اسماعیل علیه السلام مقام ابراهیم علیه السلام است در حِجْر اسماعیل علیه السلام خوانده، چه باید بکند؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

۲۷- س- آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

ج- صحت آن محل اشکال است.

۲۸- س- پشت مقام تا چه اندازه‌ای صادق است، و آیا حد معینی نمی‌توان برای آن فرض کرد؟

ج- عرفی است.

۲۹- س- آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولًا چه مقدار فاصله مُخل است؟

ج- مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعادهٔ طواف لازم نیست.

۳۰- س- گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، آیا در این صورت می‌شود نماز طواف را پشت سر طواف‌کنندگان به جا آورد؛ و آیا صدق پشت مقام می‌نماید؟

ج- صدق خَلْف، به نظر عرف است.

۳۱- س- شخصی مُحرم به احرام عمرهٔ تمتع، وارد مکه شده است و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۷

هفت روز مثلًا در مکه توقف دارد و نماز او غلطهای زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند، یا وظیفهٔ دیگری دارد؟

ج- لازم نیست تا آن وقت صبر کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه، بین طواف و نماز، نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند، نماز بخواند.

۳۲- س- این جانب چند سال قبل به مکهٔ معظمه مشرف شدم و در آنجا اولًا نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمرهٔ مفرده و دیگری حج می‌باشد نخوانده‌ام، و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شک می‌باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج- اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد اشواط کرده‌اید به شک اعتنا نکنید، و نمازهایی را که نخوانده‌اید اگر نمی‌توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید، و تا نخوانده‌اید حرمت نساء باقی است.

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سورهٔ توحید و در رکعت دوم سورهٔ جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:
اللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي، وَ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي، الْحَمْدُ للّهِ بِمَحامِدِهِ كُلِّها عَلى نَعْمائِهِ كُلِّها، حَتّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ الى ما يُحِبُّ وَ يَرْضى، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَقَبَّلْ مِنّي، وَ طَهِّرْ قَلْبي، وَ زَكِّ عَمَلي
.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۸

و در روایت دیگر است:
اللّهُمَّ ارْحَمْني بِطاعَتي إِيّاكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّ اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، اللّهُمَّ جَنِّبْني أَنْ أَتَعَدّى حُدُودَكَ، وَ اجْعَلْني مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلائِكَتَكَ وَ عِبادَكَ الصّالِحينَ
. و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می‌گفت:
سَجَدَ لَكَ وَجْهي تَعَبُّداً وَ رِقّاً، لا الهَ إِلّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً، الأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ ها أَنَا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ ناصِيَتي بِيَدِكَ، فَاغْفِرْ لي إِنَّه لا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظيمَ غَيْرُكَ، فَاغْفِرْ لي، فَانّي مُقِرٌّ بِذُنُوبي عَلى نَفْسي، وَ لا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظيمَ غَيْرُكَ
. و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۱۹۹

فصل ششم: سعی

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه که دو کوه معروفند.

مسألهٔ ۲- مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

مسألهٔ ۳- واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

مسألهٔ ۴- واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

مسألهٔ ۵- احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به سعی کند، و در صورتی که روی کوه برود و همان طور به نحو متعارف سعی کند، کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۶- در سعی ما بین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۰

محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر، لکن راه رفتن افضل است.

مسألهٔ ۷- طهارت از حَدَثْ و خَبَثْ و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

مسألهٔ ۸- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسألهٔ ۹- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی آن است که آن را اعاده کند، و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله، مقدم بدارد.

مسألهٔ ۱۰- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است.

مسألهٔ ۱۱- اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند، گرچه احوط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

مسألهٔ ۱۲- اگر طبقهٔ زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آن دو واقع شد، صحیح است علی الظاهر، و احوط سعی از طبقهٔ زیرزمینی است.

مسألهٔ ۱۳- واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو به طرف صفا یا مروه کند و برود، باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

مسألهٔ ۱۴- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۱

آنها برای رفع خستگی، و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی.

مسألهٔ ۱۵- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

مسألهٔ ۱۶- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.

مسألهٔ ۱۷- سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد.

مسألهٔ ۱۸- سعی مثل طواف، رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

مسألهٔ ۱۹- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسألهٔ ۲۰- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است، و بهتر آن است که زاید را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

مسألهٔ ۲۱- اگر سعی را کم کند سهواً، واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید، و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد.

مسألهٔ ۲۲- اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند، جایز است

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۲

از همان جا سعی را تمام کند، لکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد.

مسألهٔ ۲۳- با تمام کردن سعی، حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطهٔ احرام.

مسألهٔ ۲۴- اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمرهٔ تمتع، پس به گمان اینکه اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن

نزدیکی با زنان کرد، واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و احتیاط واجب آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند.

مسألهٔ ۲۵- اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمرهٔ تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، احتیاط واجب آن است که به دستور مسألهٔ سابق عمل کند، بلکه احتیاط واجب آن است که در این دو حکم سعی در غیر عمرهٔ تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در کفاره و اتمام.

مسألهٔ ۲۶- اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر، اعتنا نکند، و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد، چون بنا گذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک، خالی از اشکال نیست، احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست، و اگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۷- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری، شک در دُرست آوردن آن کند، اعتنا نکند و سعیش صحیح است، و همین طور اگر در بین رفت و آمد شک در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۳

مسألهٔ ۲۸- اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر، مثل اینکه شک کند بین هفت و نه، اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

مسألهٔ ۲۹- اگر طواف را در روزی به جا آورد و روز بعد شک کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بنا گذاری بر آوردن، گرچه احتیاط در آوردن است، مگر آنکه بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقهٔ سعی

مسألهٔ ۱- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی را اعاده کند، اگر چه اقوی کفایت همان سعی است.

مسألهٔ ۲- کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می‌آورد و سعی را شب انجام می‌دهد، اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود، مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگر چه اقوی کفایت است.

مسألهٔ ۳- سعی در طبقهٔ فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۴

۴- س- کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده، تکلیف او چیست؟

ج- می‌تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

۵- س- اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفهٔ او چیست؟ و بخصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج- باید سعی را اعاده کند، و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

۶- س- کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا، گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود، ولی فوراً به او گفته‌اند که باید یک شوط دیگر به جا بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و کفاره دارد یا نه؟

ج- عمل صحیح است و کفاره ندارد.

۷- س- کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج- اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی، حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده، از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده، صحیح است.

۸- س- کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج- لازم نیست؛ ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

۹- س- آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۵

می گیرند، در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

ج- محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

۱۰- س- اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است، ولی بعد از تقصیر متوجه می‌شود که پنج شوط بوده، اولًا آیا کل سعی را باید از سر بگیرد، یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟

ج- باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

۱۱- س- شخصی بعد از طواف عمرهٔ تمتع گم‌شده و بعد از پیدا شدن به رفقایش گفته که سعی صفا و مروه را به جا آورده‌ام، و تقصیر نموده و مُحرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منیٰ و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حج اظهار کرده مثل اینکه من در اعمال عمره به صفا نیامده‌ام، همین طور گفته‌اند ان شاء اللّه آمده‌ای، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت نموده است برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وُرّاث او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، نظر حضرت عالی چیست؟

ج- ورثه می‌توانند شما را نایب کنند برای عمل حج تمتع، ولی باید نایب، سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد، گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست.

۱۲- س- بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌روند و از

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۶

طرف دیگر آن برمی گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته به مروه برود، اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

۱۳- س- شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت‌گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می کرد لازم است هَرْوَله کند، و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج- اشکال دارد.

۱۴- س- شخصی در سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمی کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می‌آید و شروع می کند و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی است یا

نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می‌کنی، جواب می‌دهد سعی می‌کنم، آیا مضر نیست؟

ج- راه رفتن مزبور روی کوه مضرّ به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی صحیح است.

۱۵- س- آیا سعی کردن از همان جا که مریضها را با چرخ می‌برند و برمی‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سراشیبی شروع می‌کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگهای سیاه بعد از سنگهای صاف که بقایای کوه است برسند؟

ج- سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۷

۱۶- س- در مناسک فرموده‌اید: کسی که بین صفا و مروه، سعی می‌کند، واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد و بالعکس؛ آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج- وضعی است.

۱۷- س- گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

ج- اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند، باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می‌رسد، و بر فرض مخالفت، چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد، سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.

۱۸- س- زیادی در سعی جهلًا، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج- محل اشکال است.

۱۹- س- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخهای معمولی در مَسْعیٰ سعی کند، لکن تمکن مالی ندارد، چون ارز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر می‌تواند با چرخ سعی کند، و لو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آنکه مشقت و حرج در کار باشد.

۲۰- س- شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصلهٔ اندکی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۸

هفت شوط دیگر را به جا آورد و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج- اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند.

۲۱- س- شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است سعی را شروع می‌کند، و در شوط سوم متوجه مسأله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد، سعی او چه حکمی دارد؟

ج- سعی او صحیح است.

۲۲- س- شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را تدارک کند، و اگر از آن محل گذشته، سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

۲۳- س- سعی از طبقهٔ دوم فعلی که بالاتر از کوه صفا و مروه می‌باشد، جایز است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

۲۴- س- شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

۲۵- س- شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می‌شود، انجام داده است، و آن گاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج- در فرض سؤال، احوط اعادهٔ سعی است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۰۹

۲۶- س- شخصی به تصور اینکه رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای اعادهٔ آن مقداری وارد سعی شده و بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دو بار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج- اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد، ضرر ندارد.

۲۷- س- شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می‌کند و وضو می‌گیرد و هفت شوط دیگر سعی می‌نماید، تکلیف او چیست؟

ج- اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند.

۲۸- س- کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می‌داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه، مثلًا می‌داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- فرض مزبور شک در اشواط است و مُبطل است.

۲۹- س- اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج- از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را به جا آورد.

۳۰- س- اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج- مُبطل است، و باید سعی را اعاده کند.

۳۱- س- آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا اختصاص به بعض دارد؟

ج- در سعی، موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۰

در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد.

۳۲- س- اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد، آیا به سعی او ضرر می‌زند، یا نه؟

ج- ضرر نمی‌زند.

۳۳- س- شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می‌کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می‌شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می‌دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج- صحیح است.

مستحبات سعی

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید:

اللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَ رِزْقاً واسِعاً، وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ.

پس از آن به نزد حجر الأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجر الأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن، بالای صفا رفته و به خانهٔ کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آن گاه این اذکار را بگوید:

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۱

«اللّهِ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلّهِ» هفت مرتبه.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ» هفت مرتبه.

لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(سه مرتبه)

پس صلوات بر محمّد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

اللّهُ أَكْبَرُ عَلى ما هَدانا، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلى ما أَبْلانا، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْحَيِّ الدّائِمِ.

(سه مرتبه)

پس بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ الّا اللّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لا نَعْبُدُ إِلّا إِيّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

(سه مرتبه)

پس بگوید:

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِى الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ.

(سه مرتبه)

پس بگوید:

رَبَّنا آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ.

(سه مرتبه)

پس بگوید:

«اللّهِ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحانَ اللّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۲

لا الَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللّهُمَّ بارِكْ لي فِى الْمَوْتِ وَ فِيما بَعْدَ الْمَوْتِ، اللّهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللّهُمَّ أَظِلَّني في ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لا ظِلَّ إِلّا ظِلُّكَ.

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

أَسْتَوْدِعُ اللّهَ الرَّحْمنَ الرَّحیمَ الَّذی لا تَضیعُ وَدائِعُهُ دینی وَ نَفْسی وَ أَهْلی، اللّهُمَّ اسْتَعْمِلْنی عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ، وَ تَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ، وَ أَعِذْنی مِنَ الْفِتْنَةِ.

پس بگوید:

«اللّهِ أَکْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید، و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

اللّهُمَّ اغْفِرْ لی کُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَانْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَانَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ، اللّهُمَّ افْعَلْ بی ما أَنْتَ أَهْلُهُ فَانَّکَ إِنْ تَفْعَلْ بی ما أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنی، وَ إِنْ تُعَذِّبْنی فَأَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذابی، وَ أَنَا مُحْتاجٌ إِلی رَحْمَتِکَ، فَیا مَنْ أَنَا مُحتاجٌ إِلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنی، اللّهُمَّ لا تَفْعَلْ بی ما أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ بی ما أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنی، وَ لَمْ تَظْلِمْنی، أَصْبَحْتُ اتَّقی عَدْلَکَ، وَ لا أَخافُ جَوْرَکَ، فَیا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لا یَجُورُ ارْحَمْنی.

پس بگوید:

یا مَنْ لا یَخیبُ سائِلُهُ، وَ لا یَنْفَدُ نائِلُهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۳

مُحَمَّدٍ، وَ أَجِرْنی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ.

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود، و بگوید:

اللّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضیقِهِ وَ ضَنْکِهِ، اللّهُمَّ أَظِلَّنی فی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ إِلّا ظِلُّکَ.

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

یا رَبَّ الْعَفْوِ، یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ هُوَ أَوْلی بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُثیبُ عَلَی الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، یا جَوادُ یا کَریمُ یا قَریبُ یا بَعیدُ، ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَ اسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ وَ مَرْضاتِکَ.

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به منارهٔ میانه، راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود، و اگر سوار باشد این حد فی الجمله تند نماید، و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید، و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به منارهٔ میانه بگوید:

بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ، وَ اللّهُ أَکْبَرُ، وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ، اللّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَکْرَمُ، وَ اهْدِنی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ، اللّهُمَّ إِنَّ عَمَلی ضَعیفٌ، فَضاعِفْهُ لی وَ تَقَبَّلْهُ مِنّی، اللّهُمَّ لَکَ سَعْیی، وَ بِکَ حَوْلی وَ قُوَّتی تَقَبَّلْ مِنّی عَمَلی، یا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقینَ.

و همین که از محل بازار عطاران گذشت، بگوید:

یا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْکَرَمِ وَ النَّعْماءِ وَ الْجُودِ، اغْفِرْ لی ذُنُوبی، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ.

و هنگامی که به مروه رسید، برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۴

صفا به جا آورد، و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:
اللّهُمَّ یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ، یا مَنْ یُعْطی عَلَى الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، یا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ.
و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند، و بخواند این دعا را:
اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِکَ عَلی کُلِّ حالٍ، وَ صِدْقَ النِیَّةِ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ.
مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۵

فصل هفتم: تقصیر

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- واجب است بعد از آنکه سعی کرد، تقصیر کند؛ یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است.

مسألهٔ ۲- این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد، و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود، مگر آنکه جبران کند.

مسألهٔ ۳- اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد، عمره‌اش صحیح است و مستحب است فدیهٔ یک گوسفند، و احتیاط آن است که فدیه بدهد.

مسألهٔ ۴- اگر عمداً تقصیر را ترک کند تا احرام بستن به حج، عمرهٔ او باطل می‌شود بنا بر اقوی، و ظاهراً حج او حج افراد شود، و احتیاط واجب آن است که پس از اتمام کردن حج افراد عمرهٔ مفرده به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۶

مسألهٔ ۵- در عمرهٔ تمتع، طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند، طواف و نماز آن را رجائاً به جا آورد.

مسألهٔ ۶- بعد از آنکه شخص مُحرم تقصیر کرد، حلال می‌شود بر او به غیر از تراشیدن سر هر چه حرام شده بود بر او به واسطهٔ احرام، حتی نزدیکی با زن.

مسائل متفرقهٔ تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع

مسألهٔ ۱- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد، و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

۲- س- آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرّمات احرام را به جا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج- با جهل، کفاره ندارد، مگر در صید به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

۳- س- کسی که بعد از سعی در عمرهٔ تمتع تقصیر کرد، بعد به شک افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج- اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

۴- س- یکی از خدمهٔ کاروانها به احرام عمرهٔ مفرده از میقات مُحرم می‌شود و به مکه می‌آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به همان عنوان به جا می‌آورد، ولی برای تقصیر، گمان می‌کرد نتف،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۷

یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کَنْد و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس برای عمرهٔ تمتع که وظیفه‌اش بود به میقات رفت و مُحرم شد و به مکه آمد و کلیهٔ اعمال، از طواف تا تقصیر را، انجام داد، آیا اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه‌اش چیست؟

ج- کندن مو در تقصیر کافی نیست، و عمرهٔ تمتع او صحیح نیست مگر آنکه قبل از احرام برای آن، از احرام عمرهٔ مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.

۵- س- اگر کسی تقصیر عمرهٔ مفرده را فراموش کرد، آیا می‌تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج- تقصیر را در هر جا می‌تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند، و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

۶- س- هرگاه سُنی برای شیعه تقصیر نماید، چه صورت دارد؟

ج- اشکال ندارد.

۷- س- شخصی در حج به عوض تقصیر در عمرهٔ تمتع یک مو از بدن کنده است و الآن که متوجه شده است، آیا حج او اشکال دارد یا نه؟ و در صورتی که مرتکب خلاف شده باشد، تکلیف چیست؟

ج- اگر حج را انجام داده، با عمل مزبور از احرام فعلًا خارج شده است، و چنانچه حج واجب بوده، احتیاط آن است که یک عمرهٔ مفرده به جا آورد و بعداً عمره و حج تمتع را انجام دهد.

۸- س- شخصی بعد از طواف و نماز طواف، تقصیر کرد و سپس سعی را به جا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه‌اش چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۸

ج- اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.

۹- س- کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارند، اگر بعد از سعی تقصیر نمودند، آیا موجب مُحل شدن و یا کفاره می‌گردد؟

ج- مُحلّ نمی‌شوند، و اگر جاهل یا ساهی بوده‌اند کفاره ندارد.

۱۰- س- اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود، آیا کفایت می‌کند؟

ج- در عمرهٔ تمتع کفایت نمی‌کند.

۱۱- س- کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج- مانع ندارد.

۱۲- س- حضرت عالی در مسألهٔ دوم تقصیر می‌فرمایید: اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد، عمره‌اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چیست؟ دیگر اینکه وظیفهٔ او چه می‌شود؟

ج- مقصود این است که در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر، برای حج مُحرم شود و حج انجام دهد، که در این صورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده است، و در هر صورت لازم است حج تمتع را سال بعد به جا آورد.

۱۳- س- اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفهٔ او چیست؟

ج- باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده، اعادهٔ تقصیر لازم نیست، و اگر از اول

سعی، قصد هفت شوط نداشته، سعی اعاده دارد.

۱۴- س- اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترک نمود، چه حکمی دارد؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۱۹

ج- در این مسأله، جهل، حکم عمد را دارد.

۱۵- س- در عمرهٔ مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید، و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط.

مسألهٔ ۱۶- بعد از انجام عمرهٔ تمتع و قبل از حج تمتع، نباید عمرهٔ مفرده به جا آورده شود، و اگر به جا آوردند صحت عمرهٔ مفرده محل اشکال است، ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی‌شود.

مسألهٔ ۱۷- خدمه کاروانهای حج اگر عمرهٔ مفرده به جا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می‌شوند و به جده می‌روند و برمی‌گردند، لازم نیست مُحرم شوند؛ ولی اگر عمرهٔ تمتع به جا آورده‌اند بنا بر احتیاط نباید از مکه خارج شوند، مگر در صورت حاجت در حالی که مُحرمند به احرام حج.

۱۸- س- خدمهٔ کاروانها که پس از انجام عمرهٔ تمتع باید به عرفات و منی بروند برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفهٔ آنان چیست؟

ج- بنا بر احتیاط واجب، نمی‌توانند از مکه خارج بشوند مگر در مورد ضرورت، و در این صورت باید برای حج مُحرم شوند و بیرون بروند، بلی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به عرفات و منی بر آنان ضرورت دارد، می‌توانند بدون احرام به آنجا بروند.

۱۹- س- آیا بین عمرهٔ تمتع و حج تمتع، ماشین کردن سر جایز است؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۰

ج- ماشین کردن مانع ندارد، ولی نباید سر را بتراشد، و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی الاحوط.

۲۰- س- بین عمرهٔ تمتع و حج تمتع که جایز نیست سر بتراشد، آیا سر تراشیدن کفاره دارد یا خیر؟

ج- کفاره ثابت نیست.

۲۱- س- زنی که حیض بوده و نمی‌دانست و اعمال عمره را کلًا به جا آورد، بفرمایید باید دوباره به جا آورد یا کافی است؟

ج- اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد در اینکه وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است، و احتیاط را مراعات نماید.

۲۲- س- همچنان که تراشیدنِ سر بعد از عمرهٔ تمتع و قبل از احرام حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را داراست؟

ج- غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

۲۳- س- آیا غار حرا جزء محدودهٔ مکه است؟ و بنا بر این آیا می‌توان قبل از وقوف به آنجا رفت، و صدق خروج از مکه نمی‌کند؟

ج- باید از اهل محل تحقیق شود.

۲۴- س- کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمرهٔ تمتع و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به اینکه حج او نیابتی است، آیا لطمه به حج او نمی‌زند؟

ج- ضرر به حج و نیابت نمی‌زند، ولی در صورت امکان باید مُحرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی الاحوط.

۲۵- س- بعضی از حجاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمرهٔ
مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۱
تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟
ج- خروج از مکه بعد از عمرهٔ تمتع جایز نیست علی الاحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید مُحرم شوند به احرام حج و خارج شوند.
۲۶- س- اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبل النور و جبل ثور می‌گذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج، رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس چه صورت دارد؟
ج- حکم کلی مسأله معلوم است و در مسألهٔ قبل نیز بیان شد، و تشخیص موضوع با خود مکلّف است.
۲۷- س- خروج از مکه برای کسی که عمرهٔ تمتع انجام داده برای کار غیر ضروری جایز است یا نه، و ملاک ضرورت چیست؟
ج- بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست و ضرورت عرفی است.

تبدّل حج تمتع به افراد

و در اینجا چند مسأله است:
مسألهٔ ۱- اگر شخصی که احرام عمره بسته است به واسطهٔ عذری دیر وقت وارد مکه شد، به طوری که اگر می‌خواست عمره به جا بیاورد وقت وقوف به عرفات می‌گذشت، یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از به جا آوردن آن عمرهٔ مفرده به جا آورد، و حج او صحیح و کافی از حَجهٔ الاسلام است.
مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۲
مسألهٔ ۲- اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد به واسطهٔ حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد، و اگر می‌خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد، به دستوری که در مسأله (۱) گفته شد باید عمل کند.
مسألهٔ ۳- اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطهٔ عذری بوده و وقت هم تنگ باشد، باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.
مسألهٔ ۴- اگر از روی عمد و بی‌جهت احرام نبسته و عمرهٔ خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمرهٔ تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمرهٔ مفرده، و در سال دیگر حج را اعاده کند.
مسألهٔ ۵- مراد از تنگی وقت در مسأله‌های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی الحجه است تا غروب.
مسألهٔ ۶- کسی که حج مستحب به جا می‌آورد و پس از ورود به مکه، دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد به جا آورد، و عمرهٔ مفرده بر او واجب نیست.
مسألهٔ ۷- کسی که مُحرم شد به احرام تمتع از حج واجب و عمداً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، باید به دستوری که در مسأله (۴) ذکر شد، عمل نماید.
مسألهٔ ۸- کسی که وظیفهٔ او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمرهٔ تمتع به جا آورد به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از اول مُحرم شود به حج افراد و آن را به جا آورد، و
مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۳
پس از آن عمرهٔ مفرده به جا آورد، و عملش صحیح است.

مسائل متفرقهٔ تبدّل

۱- س- کسی قصد بیرون‌رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمرهٔ مفرده مُحرم و وارد مکه شد و عمرهٔ مفرده را به جا آورد، بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمرهٔ تمتع کفایت می‌کند، یا باید برگردد به میقات و برای عمرهٔ تمتع مُحرم شود؟

ج- اگر حج او استحبابی است می‌تواند عمرهٔ مفرده را تبدیل به عمرهٔ تمتع کند، ولی چنانچه حج واجب یا نیابی باشد جواز تبدیل، محل اشکال است.

۲- س- اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمرهٔ دیگر مُحرم شود، مثلًا به نیت عمرهٔ مفرده مُحرم شده بعداً نیت عمرهٔ تمتع کند و تلبیه بگوید، کدام عمره صحیح است؟

ج- اگر نیت کرده و تلبیه گفته، مُحرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد، و نمی‌تواند برای نوع دیگر عمره نیت کند و احرام دوم باطل است.

۳- س- زنی که عادت ماهانهٔ وقتیه و عددیه داشت و مثلًا روز هفتم ماه پاک می‌شد، همان روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره‌اش را به جا آورد، روز بعد لک دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرد، روز یازدهم هم لک دید، آیا حجش افراد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۴

است یا تمتع؟

ج- در فرض مزبور وظیفهٔ او تمتع است.

۴- س- زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت، متوجه شد که استحاضه است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمداً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند، و اگر حج واجب است سپس عمرهٔ مفرده به جا آورد.

۵- س- این جانب مدیر گروه حج می‌باشم، اعمال حجی که انجام می‌دهم مستحبی است، آیا می‌شود به جای حج تمتع نیت حج افراد نمود و به جای عمرهٔ تمتع، عمرهٔ مفرده انجام داد؟ و همچنین سایر خدمه که واجب الحج نیستند، آیا می‌توانند چنین کنند؟

ج- می‌توانند عمرهٔ مفرده انجام دهند و برای حج مُحرم نشوند، و می‌توانند حج افراد به جا آورند، ولی میقات حج افراد مواقیت معروفه است.

۶- س- کسی که حج افراد بر او واجب و متعیّن است و به قصد حج افراد در یکی از میقاتها مُحرم شده است، آیا می‌تواند نیت حج افراد خود را به عمرهٔ تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع به جا آورد، و همچنین آیا می‌تواند حج افراد را به عمرهٔ مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمرهٔ تمتع مُحرم شود؟

ج- نمی‌تواند عدول کند، و تبدیل نمی‌شود.

۷- س- شخصی با احرام عمرهٔ تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال عمره برای حج افراد مُحرم شده است، آیا حج او صحیح است؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۵

ج- اگر از مکه خارج شده و از میقات برای حج افراد مُحرم شده، بعید نیست صحت حج، ولی تمتع واقع نمی‌شود، و اگر از مکه مُحرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

۸- س- شخصی در حرم برای حج افراد مُحرم شده و بعضی از اعمال را انجام داده، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر از روی جهل بوده، چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آنجا مُحرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست مُحرم شود و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند، و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۷

باب دوم اعمال حج تمتع

اشاره

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۲۹

فصل اول: احرام حج

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- واجب است بر مکلّف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

مسألهٔ ۲- اگر نیت کند حج تمتع را و لبیکهای واجب را به طوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید، محرم می‌شود و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و همچنین لازم نیست قصد کند ترک محرمات را چنانچه در احرام عمره گذشت.

مسألهٔ ۳- نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد، و ریا موجب بطلان عمل است.

مسألهٔ ۴- کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

مسألهٔ ۵- تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است، و آنچه کفاره داشت کفاره دارد به همان ترتیب.

مسألهٔ ۶- وقت احرام موسّع است، و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد، می‌تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۰

نمی‌تواند عقب بیندازد.

مسألهٔ ۷- احتیاط واجب آن است که کسی که از عمرهٔ تمتع فارغ شد و مُحلّ گردید از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر

حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد، احتیاط واجب آن است که مُحرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد.

مسألهٔ ۸- اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه، لکن برگشت و احرام بست و حج به جا آورد، عملش صحیح است.

مسألهٔ ۹- مستحب است احرام بستن در روز ترویه، بلکه احوط است.

مسألهٔ ۱۰- محل احرام حج، شهر مکه است هر موضع که باشد، گرچه در محله‌های تازه‌ساز، ولی مستحب است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود.

مسألهٔ ۱۱- اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منیٰ و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد به واسطهٔ تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست مُحرم شود.

مسألهٔ ۱۲- اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حجش صحیح است ظاهراً، و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال، تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

مسألهٔ ۱۳- جاهل به مسأله اگر احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطهٔ فراموشی احرام نبسته.

مسألهٔ ۱۴- اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۱

مسائل متفرقهٔ احرام حج

۱- س- فاصلهٔ بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجد الحرام بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عرفاً از توابع مکه حساب شوند نه اینکه جزء مکه باشند، چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش جهت مکه را مشخص نموده‌اند، با این کیفیت آیا می‌توان برای حج در محلات فوق الذکر مُحرم شد؟

ج- اگر از محلات مکه است مانع ندارد، و اگر از محلات آن نیست یا مورد شک است، کفایت نمی‌کند.

۲- س- اشخاص معذوری که می‌توانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارند، اگر جهلًا بدون احرام، اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند چه صورتی دارد؟

ج- کفایت نمی‌کند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال، آنها را به جا آورند.

۳- س- حاجی در عرفات یا منیٰ فهمید که در احرام حج تلبیه نگفته است آیا در لحظهٔ التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج- اگر می‌تواند به مکه برود و مُحرم شود و بقیهٔ اعمال را که باید با احرام انجام دهد به جا آورد، باید چنین کند، و اگر ممکن نیست همان جا لبیک بگوید، و اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید.

۴- س- شهر مکه را چند رشته کوههای طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از این

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۲

جانب کوه رفت تا به جانب دیگر رسید، و ساکنین احد الجانبین جدای از جانب دیگرند، مثل شعب بنی عامر که نزدیک مسجد الحرام است و عزیزیه که نُه کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است، و به حسب مسامحهٔ عرفی به همهٔ این قطعات، مکه گفته می‌شود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج- اگر در مکه است، احرام حج از آنجا صحیح است، هر چند از ساختمانهای جدید الاحداث باشد.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

اللّهُمَّ إِیّاکَ أَرْجُو وَ إِیّاکَ أَدْعُو، فبلِّغْنی أَمَلی وَ أَصْلِحْ لی عَمَلی.

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

الْحَمْدُ للّهِ الَّذی أَقْدَمَنِیها صالِحاً فی عافِیَةٍ وَ بَلَّغَنی هذَا الْمَکانِ.

پس بگوید:

اللّهُمَّ هذِهِ مِنی وَ هِیَ مِمّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنَ الْمَناسِکِ فَأَسْأَلُکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِما مَنَنْتَ علی أَنْبیائِکَ فَانَّما أَنا عَبْدُکَ وَ فی قَبْضَتِکَ.

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته، پس به

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۳

عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود، مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحسّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود، این دعا را بخواند:

اللّهُمَّ إِلَیْکَ صَمَدْتُ، وَ إِیّاک اعْتَمَدْت، و وَجْهَکَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُکَ أنْ تُبارِکَ لی فی رِحْلَتی، وَ أنْ تَقْضِیَ لی حاجَتی، وَ أنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ تُباهِیَ بِهِ الْیَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنّی.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۵

فصل دوم: وقوف به عرفات

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- واجب است وقوف به عرفات- که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه- به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

مسألهٔ ۲- مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

مسألهٔ ۳- اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب، وقوف او باطل است.

مسألهٔ ۴- به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

مسألهٔ ۵- تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلًا به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

مسألهٔ ۶- بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۶

چنانچه گذشت، لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر

بیاید و توقف کند، حج او صحیح است، اگر چه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

مسألهٔ ۷- آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است؛ به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه، پس اگر هیچ به عرفات نرود، رکن را ترک کرده.

مسألهٔ ۸- اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند؛ یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد، حجش باطل است، و کفایت نمی‌کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

مسألهٔ ۹- اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند، چیزی بر او نیست بنا بر اقوی، لکن احتیاط در کفاره است به یک شتر، و همچنین اگر بدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد، لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند، چیزی بر او نیست.

مسألهٔ ۱۰- اگر در فرض سابق مراجعت نکرد، کفارهٔ آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هرجا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد، هجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سر هم روزه بگیرد.

مسألهٔ ۱۱- اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد، باید مراجعت کند، و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره ندارد بنا بر اقوی گرچه احوط است، و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۷

مسألهٔ ۱۲- اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند حکم او حکم کسی است که سهواً کرده است.

مسألهٔ ۱۳- اگر کسی به واسطهٔ عذری مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد، و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند.

مسألهٔ ۱۴- اگر کسی که به واسطهٔ عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی‌عذر در عرفات توقف نکند، ظاهراً حج او باطل می‌شود، اگر چه درک کند وقوف به مشعر را.

مسألهٔ ۱۵- اگر کسی به واسطهٔ فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند وقوف به عرفات را در روز نهم که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است کفایت می‌کند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند، چنانچه خواهد آمد.

مسائل متفرقهٔ وقوف به عرفات

۱- س- حدودی که برای عرفات و مُزْدَلَفه و منیٰ مشخص شده است جهت انجام مناسک اعتبار دارد یا نه؟

ج- چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل مَحل باشد، معتبر است.

۲- س- کراهت صُعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است، یا بعد از آن؟

ج- در وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۸

۳- س- شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، مُغْمیٰ علیه شده است. بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد، وظیفه چیست؟ و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد، و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذیحجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج- با فرض اینکه عذر او فقط اغما است، پس از به هوش آمدن اگر ممکن است اعمال حج را تمام کند، و در هر صورت سال بعد حج را اعاده کند، و برای احراز خروج از احرام بعد از اتمام حج، عمرهٔ مفرده‌ای اتیان نماید.

۴- س- زنی که عادت ماهانه‌اش مثلًا شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمرهٔ تمتع مُحرم می‌شود، و در روز هشتم ذیحجه که روز ششم عادت اوست، پاک می‌گردد و غسل می‌کند و اعمال عمرهٔ تمتع را انجام می‌دهد و برای حج تمتع مُحرم می‌شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لک می‌بیند و نمی‌داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد، یا قبل از تمام شدن ده روز از اول، عادت قطع می‌شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفهٔ او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لک دید چه کند؟

ج- عمل به احتیاط کند، و راه احتیاط انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به قصد ما فی الذمه، با قربانی در منی و اتیان عمرهٔ مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد تمتع کرده و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این حج نکند.

۵- س- در فرض مسألهٔ فوق اگر در عرفات یا مشعر لک دید و همان

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۳۹

وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلًا پاک نبوده، باید چه کند؟ با توجه به اینکه وقت وقوفین اختیاری و یا اضطراری آن باقی است، ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمرهٔ تمتع را ندارد؟

ج- مورد عدول به افراد است.

۶- س- وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج- وقوف اضطراری عرفه در شب عید است، و شب تا طلوع فجر است.

مستحبات وقوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال وقوف؛

۲. غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد؛

۳. آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد؛

۴. نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد؛

۵. وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است؛

۶. در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد؛

۷. قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن صد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۰

مرتبه: «اللّهُ أَکْبَرُ» و صد مرتبه: سورهٔ «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشاعِرِ کُلِّها، فُکَّ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الانْسِ، اللَّهُمَّ لا تَمْکُرْ بی، وَ لا تَخدَعْنیْ، وَ لا تَسْتَدْرِجْنِی، یا أَسْمَعَ السّامِعینَ، وَ یا أَبْصَرَ النّاظِرینَ، وَ یا أَسْرَعَ الْحاسِبینَ، وَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ (وَ انْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ).

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد، پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

اللَّهُمَّ حاجَتی الَیْکَ إنْ أعْطَیْتَنیها لَمْ یَضُرَّنی ما مَنَعْتَنی، وَ إنْ مَنَعْتَنیها لَمْ یَنْفَعْنی ما أعْطَیْتَنی، أسْألُکَ خَلاصَ رَقَبَتی مِن النّارِ، اللَّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ، وَ مِلْکُ ناصِیَتی بِیَدِکَ، وَ أجَلِی بِعِلْمِکَ، أسْألُکَ أنْ تُوَفِّقَنی لِما یُرضِیکَ عَنِّی، وَ انْ تُسَلِّمَ مِنِّی مَناسِکِی الَّتی أرَیْتَها خَلِیلَکَ إبْراهیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ، وَ دَلَلْتَ عَلَیْها نَبِیَّکَ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ رَضِیْتَ عَمَلَهُ، وَ أطَلْتَ عُمْرَهُ، وَ أحْیَیْتَهُ بَعدَ الْمَوتِ حَیاةً طَیِّبَةً.

۸. این دعا را بخواند:

لاـ إلهَ إلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمیتُ، وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ، اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ، کَالَّذی تَقُولُ وَ خَیْراً مِمّا نَقُولُ وَ فَوْقَ ما یَقُوْلُ الْقائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَکَ صَلاتی و نُسُکِی و مَحیایَ و مَماتِی، وَ لَکَ تُراثِیْ (بَراءَتِی خ ل) وَ بِکَ حَوْلِی وَ مِنْکَ قُوَّتِی، اللَّهُمَّ انّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ وَساوِسِ الصُّدورِ وَ مِنْ شَتاتِ الأمْرِ و مِنْ عَذابِ الْقَبرِ، اللّهُمَّ انِّی أسْألُکَ خَیْرَ الرِّیاحِ وَ أعُوْذُ بِکَ مِنْ شرِّ ما یجِیءُ بِهِ الرِّیاحُ وَ أسْألُکَ خَیْرَ اللَّیلِ و خَیْرَ النَّهارِ، اللّهُمَّ اجْعَلْ فی قَلْبِی نُوراً و فی سَمْعِی و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۱

بَصَرِی نُوراً و فی لَحْمِی وَ دَمی وَ عِظامی وَ عُروقی و مَقْعَدی وَ مَقامی و مَدْخَلِی وَ مَخرَجی نوراً وَ أعْظِمْ لِی نوراً یا رَبَّ یَومَ ألْقاکَ إنَّکَ علی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹. آنکه کعبه را استقبال نموده و این أذکار را بگوید:

«سُبْحانَ اللّهِ» صد مرتبه «اللّهُ اکْبَرُ» صد مرتبه «ما شاء اللّهُ لا قُوَّةَ الّا باللّه» صد مرتبه «أشهدُ أنْ لا إلهَ إلّا اللّهُ وحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ یُحیِی وَ یُمیتُ، وَ یُمیتُ و یُحیِی، وَ هُوَ حَیٌّ لا یَموتُ بِیَدِهِ الخَیرُ، وَ هُو عَلی کلِّ شَیءٍ قَدیرٌ» صد مرتبه.

پس از اول سورهٔ بقره ده آیه بخواند، پس سورهٔ توحید سه مرتبه و آیهٔ الکرسی را بخواند تا آخر، پس این آیات را بخواند:

إنَّ رَبَّکُمُ اللّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰاواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیّام ثُمَّ اسْتَویٰ عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ. ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ. وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ.

پس سورهٔ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سورهٔ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی به یاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

اللَّهُمَّ لَکَ الحَمْدُ عَلی نَعْمائِکَ الَّتی لا تُحصی بِعَدَدٍ، وَ لا تُکافَأُ بعَمَلٍ.

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید، و به آیاتی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۲

که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید، و بر محمد و آل محمد- علیهم الصلاهٔ و السلام- زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء اللّه که در قرآن موجود است خدا را بخواند، و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سورهٔ حشر موجود است خدا را بخواند، و آنها عبارتند از:

خمینی، سید روح اللّه موسوی، مناسک حج (امام خمینی)، در یک جلد، ه ق

مناسک حج (امام خمینی)؛ ص: ۲۴۲

اللّهُ عالِمُ الغَیبِ وَ الشّهادَةِ الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ الْمَلِکُ القُدُّوسُ السَّلامُ المُؤمِنُ الْمُهَیْمِنُ العَزیزُ الجَبّارُ الْمُتَکَبِّر الخالِقُ البارِیءُ المُصَوِّرُ.

و این دعا را بخواند:

أسألُک یـا اللّهُ یا رَحمنُ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ، وَ أسألُکَ بِقُوَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ عِزَّتِکَ وَ بِجَمِیعِ ما أحاطَ بِهِ عِلمُکَ وَ بِأرْکانِکَ کُلَّها، وَ بِحَقِّ رَسُولِکَ صَلواتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِکَ الْأکْبَرِ الْأکْبَرِ الْأکْبَرِ، و بِاسْمِکَ العَظیمِ الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تُخیبُهُ، و بِاسـمِکَ الأـعظَمِ الأعظمِ الأعظمِ الَّذیْ مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حقاً عَلَیکَ أنْ لا تَرُدَّهُ، وَ أنْ تُعطِیَهُ ما سَئَلَ، أنْ تَغْفِرَ لی جَمیعَ ذُنُوبی فی جَمیعِ عِلْمِکَ بی.

و هر حاجت که داری بخواه، و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال، و هفتاد مرتبه بگو: «أسألُکَ الجَنَّةَ»

هفتاد مرتبه

«أستَغفِرُ اللّه رَبّی وَ أتُوبُ الَیهِ».

پس بخوان این دعا را:

اللّهُمَّ فُکَّنی من النّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، وَ ادْرَأ عَنّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.

۱۰. آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

اللّهُمَّ انّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشَتُّتِ الامورِ، وَ مِنْ شَرِّ ما یَحدُثُ لِی بِاللَّیلِ و النَّهارِ، أمْسی ظُلْمِی مُستجیراً بِعفوکَ، وَ أمْسی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۳

خَوْفی مُستَجیراً بأمانِکَ، وَ أمْسی ذُنُوبی مُستَجیراً بِعِزِّکَ، وَ أمْسی وَجْهی الْفانِی مُستَجیراً بِوَجْهِکَ الباقی، یا خَیرَ مَنْ سُئِلَ، وَ یا أجوَدَ مَن أعْطی، یا ارْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، جَلِّلْنِی بِرَحْمَتِکَ، و أَلبِسْنی عافِیَتَکَ، وَ اصْرِفْ عَنّی شَرَّ جَمیعِ خَلْقِکَ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ.

و بـدان که ادعیهٔ وارد در این روز شـریف بسـیار است، و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسـیار خوب است که در این روز دعای حضـرت سـید الشـهدا- علیه السلام- و دعای حضرت زین العابدین- سلام اللّه علیه- را که در صحیفه کامله است خوانده شود، و بعد از غروب آفتاب بگوید:

اللّهُمَّ لاـ تَجعَلْهُ آخِرَ الْعَهْـدِ مِنْ هـذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِی الْعَوْدَ ابَـداً ما أبْقَیْتَنِی، وَ اقْلِبْنِی الْیَومَ مُفْلِحاً مُنجِحاً مُسْتَجاباً لی، مَرْحوُماً مَغْفُوراً لِی، بأفضَـلِ مـا یَنْقَلِبُ بِهِ الیَومَ أحَـدٌ مِنْ وَفْـدِکَ، وَ حُجّاجِ بَیتِکَ الحَرام، وَ اجْعَلْنِیَ الیَومَ مِنْ أکرَمِ وَفْدِکَ عَلَیکَ، وَ أعْطِنِی أفضَلَ ما أعْطَیْتَ أحَـداً مِنْهُمْ مِنَ الخَیْرِ وَ البَرَکَـةِ وَ الرَّحْمَـةِ و الرِّضْوانِ وَ المَغْفِرَةِ، وَ بـارِکْ لِی فِیما أرجِعُ إلَیهِ مِنْ اهلٍ أوْ مالٍ أوْ قَلیلٍ أوْ کَثیرٍ، وَ بارِکْ لَهُم فِیَّ.

و بسیار بگوید:

اللّهُمَّ أعْتِقْنِی مِنَ النّارِ.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۵

فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألة ۱- بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسألة ۲- احتیاط واجب آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام به سر ببرد، و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب.

مسألة ۳- چون صبح طلوع کرد، نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب، و چون این وقوف، عبادت خداوند است، باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند، و الا حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم، باطل خواهد شد.

مسألة ۴- اقوی جواز کوچ کردن، بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست، و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۶

مسألة ۵- واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب (به طوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن، وقوف کمی از بین الطلوعین است، اگر چه به قدر یک دقیقه باشد؛ پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می‌آید، حج او باطل خواهد شد.

مسألة ۶- جایز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف کردند، کوچ کنند به منیٰ مثل زنها و بچه‌ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند؛ بنا بر این برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد، تخلف نکنند.

مسألة ۷- کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است، اگر قبل از طلوع صبح عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است، بنا بر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند کفاره بدهد، لکن احتیاط بر خلاف آن است؛ یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر حجش را اعاده کند، و این احتیاط ترک نشود.

مسألة ۸- کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را در صورتی که صاحب عذر باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند، اگر چه کم باشد حج او صحیح است.

مسألة ۹- از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۷

است:

یکی: شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم: بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم: از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراریِ مشعر است، چنانچه قسم اول نیز اضطراری است.

مسألة ۱۰- چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری مفرداً و مرکباً و به ملاحظه ترک عمدی یا

جهلی یا نسیانی اقسام زیادی دارد که در اینجا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود، ذکر می‌شود:

اول: آنکه مکلف، درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را، و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند، پس اشکالی در صحت حج او نیست.

دوم: آنکه هیچ یک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او، و باید به همان احرام حج عمرهٔ مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن به جا آورد و از احرام محلّ شود، و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند، و باید سال دیگر، حج به جا آورد اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطهٔ عذر باشد.

مسألهٔ ۱- اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد از روی تقصیر بوده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۸

حج بر او مستقر می‌شود، و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.

مسألهٔ ۲- احتیاط مستحب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد، نیت عدول به عمرهٔ مفرده بکند.

سوم: آنکه درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد، حج او باطل است و الّا صحیح است.

چهارم: آنکه درک کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک کرده حج او باطل است، و الا صحیح است.

پنجم: آنکه درک کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده است چنانچه گفته شد، حج او صحیح است، و الا باطل است بنا بر احتیاط واجب.

ششم: آنکه درک کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفه را، پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است؛ و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمداً ترک کرده باشد، حجش باطل است بنا بر اقوی در یکی؛ و بنا بر احتیاط در دیگری که اختیاری مشعر باشد. و اگر بغیر عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم: آنکه درک کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترک یکی از دو اختیاری را عمداً کرده باشد، حج او باطل و الّا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۴۹

صحت بعید نیست گرچه احتیاط، اعاده است در سال بعد با حاصل بودن شرایط وجوب.

هشتم: آنکه درک کند اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد، و الّا حج او باطل است.

نهم: آنکه درک کند اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم: آنکه درک کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، و الّا حج او باطل است.

یازدهم: آنکه درک کند اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم: آنکه درک کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد، ظاهراً حج او صحیح است، و الّا باطل است.

مسائل متفرقهٔ وقوف به مشعر الحرام

۱- س- عـده‌ای در شب دهم ذیحجه عـازم مَشْعَر بودنـد، از افرادی که آنجـا بودنـد سؤال نمودنـد، مشـعر کجا است؟ جواب دادند اینجاست، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۰

ج- احتیاطاً این حـج را اتمام کننـد و بعـد از آن، اعمال عمرهٔ مفرده انجام دهنـد، و در صورت اسـتقرار حج یا بقای اسـتطاعت، سال بعد، حج را اعاده کنند.

۲- س- اگر به گفتـهٔ مـدیر گروه که می‌گویـد درک وقوف اختیـاری مشـعر برای او مشـکل است و نمی‌توانـد آن را درک نمایـد، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک نماید، آیا اشکالی ندارد؟

ج- اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می‌کند.

۳- س- خـدمه‌ای که بـا زنها قبل از طلوع فجر به منیٰ می‌رونـد، ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشـعر می‌رساننـد و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج- اگر از ذوی الاعـذار نبوده‌انـد که نیـابت آنهـا صـحیح است، در فرض مرقوم حجشان نیابتاً صـحیح است؛ هر چنـد مرتکب حرام شده‌اند.

۴- س- کسی که نمی‌دانسته وقوف اختیاری مشعر بین طلوعین است، پس از آن وقوف اضطراری را درک کرده، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر جهل او قصوری و عذری باشد نه تقصیری، و ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

۵- س- شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لَیْلی مشعر را درک کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به منیٰ، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجدداً به مشعر برگردد، ولی در منیٰ خوابش برده، وظیفهٔ چنین حاجی‌ای چیست؟

ج- با فرض اینکه ترک اختیاری مشـعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضـطراری کافی است؛ ولی اگر شب نیت وقوف نداشته، باید اضطراری

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۱

روز را درک کند؛ ولی اگر نایب است کافی نیست.

مستحبات وقوف به مشعر الحرام

بـدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشـعر الحرام متوجه شـده و اسـتغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

اللّهُمَّ ارْحَمْ تَوَقُّفِی، وَ زِدْهُ فی عَمَلی، وَ سَلِّمْ دِینِی، وَ تَقَبَّلْ مَناسِکِیْ.

و در راه رفتن میـانه‌روی نمایـد و کسـی را آزار ندهـد، و مسـتحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر انـدازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، بایـد نماز مغرب و عشا را به تأخیر نینـدازد و در میان راه بخوابـد، و مسـتحب است که در وسط وادی از طرف راستِ راه نزول نماید، و اگر حاجی صـروره باشد، مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد، و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

اللّهُمَّ هـذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إنّی أسْأَلُکَ أنْ تَجْمَعَ لِی فیها جَوامِعَ الخَیرِ، اللّهُمَّ لا تُؤیِسْـنِی مِن الْخَیْرِ الَّذی سأَلْتُکَ أنْ تَجْمَعُهُ لِی فی قَلبِی، وَ

أطلُبُ إلَيکَ أنْ تُعَرِّفَنِی ما عَرَّفْتَ أولِیائَکَ فیْ مَنْزِلی هذا، و أنْ تَقِیَنِی جوامِعَ الشَرِّ.

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۲

کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آن گاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشعَرِ الْحَرام، فُکَّ رَقَبتی مِنَ النّارِ، وَ أوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلال، وَ ادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الانْسِ، اللَّهُمَّ انتَ خَیْرُ مَطلُوبٍ إلیهِ، وَ خَیرُ مَدْعُوٍّ و خَیْرُ مَسؤُولٍ، وَ لِکُلِّ وافِدٍ جائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتی فی مَوْطِنِی هذا أنْ تُقِیلَنِی عَثْرَتِی، وَ تَقْبَلَ مَعذِرَتی، وَ أنْ تُجاوِزَ عَنْ خَطِیئَتی، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوی مِنَ الدُّنیا زادی.

و مستحب است سنگ‌ریزه‌هایی را که در منی رَمْی خواهد نمود از مزدلفه بردارد، و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسِّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود، و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

اللَّهُمَّ سَلِّم لی عَهدِی، وَ اقبَلْ تَوبَتِی، وَ أجِبْ دَعْوَتِی، وَ اخْلُفْنِی فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۳

فصل چهارم: واجبات منی

اشاره

از واجبات منی سه امر است:

الف) رَمْی جمرهٔ عقبه

اشاره

رَمْی جمرهٔ عقبه؛ یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلی است در منی.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- شرط است در سنگی که می‌خواهد بیندازد، به آن «حصی»- یعنی ریگ- گفته شود. پس اگر آن قدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل (شن) کافی نیست، و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست، و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

مسألهٔ ۲- شرط است که سنگها از حرم باشد، و سنگ خارج حرم کافی نیست، و در حرم از هر موضعی که مباح باشد می‌تواند بردارد مگر مسجد الحرام و مسجد خیف، بلکه سایر مساجد بنا بر احوط، و مستحب است از مشعر بردارد.

مسألهٔ ۳- شرط است که سنگها بکر باشند؛ یعنی آنها را کس دیگری

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۴

به وجه صحیح نینداخته باشد اگر چه در سالهای قبل.

مسألهٔ ۴- شرط است که مباح باشد، پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

مسألهٔ ۵- وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می‌تواند به جا آورد،

و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایبش بیندازد.

مسألهٔ ۶- واجب است در انداختن سنگها چند امر:

اول: نیت، با قصد خالص بدون ریا و نمایش دادن عمل به غیر که موجب بطلان می‌شود؛

دوم: آنکه آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست؛

سوم: آنکه به انداختن، به جمره برسد؛ پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطهٔ آن یا کمک آن به جمره رسید، کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد، کافی است ظاهراً؛

چهارم: عدد سنگ‌ریزه‌ها باید هفت باشد؛

پنجم: باید بتدریج یکی یکی عقبِ هم بیندازد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد؛ ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

مسألهٔ ۱- اگر شک کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه، جایز است به آن بیندازد.

مسألهٔ ۲- اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۵

آورده‌اند، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۳- اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد بیندازد «حصی» یعنی ریگ گفته می‌شود، باید به آن اکتفا نکند.

مسألهٔ ۴- اگر شک کند در عدد انداختن در وقتی که مشغول عمل است، باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند، و همچنین اگر شک کند که سنگی که انداخت، خورد به جمره یا نه، باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

مسألهٔ ۵- اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید، باید دو مرتبه بیندازد اگر چه در وقت رَمْی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رَمْی کرده، کافی نیست و باید اعاده کند، اگر چه در سال دیگر به وسیلهٔ نایبش.

مسألهٔ ۶- اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد، لکن یکی حساب می‌شود، چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

مسألهٔ ۷- جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

مسألهٔ ۸- باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست، ولی بعید نیست با «فلاخن» کافی باشد.

مسألهٔ ۹- اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد شک کند در عدد سنگها، اگر شک در نقیصه کند، احتیاط آن است که برگردد و نقیصه را تمام کند، و در شک در زیاده اعتنا نکند.

مسألهٔ ۱۰- اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شک کند در انداختن سنگ یا در عدد آن، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۱۱- اگر بعد از فارغ شدن شک کند در اینکه درست انداخته یا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۶

نه، بنا بر صحت بگذارد؛ بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شک کند باید اعاده کند، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۱۲- ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

مسألهٔ ۱۳- در انداختن سنگها شرط نیست طهارت از حدث یا خبث، و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست.

مسألهٔ ۱۴- از بچه‌ها و مریضها و کسانی که نمی‌توانند به واسطهٔ عذری- مثل اغما- خودشان رَمْی کنند، کسی دیگر نیابت کند.

مسألهٔ ۱۵- مستحب است، بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود، مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ

بیندازند.

مسألهٔ ۱۶- اگر مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد بعد از آنکه نایب سنگها را انداخت لازم نیست خودش اعاده کند، و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد باید خودش از سر، سنگ بیندازد، و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.

مسألهٔ ۱۷- کسانی که عذر دارند از اینکه روز رَمْی کنند، می‌توانند شب عمل کنند، هر وقت شب که باشد.

مستحبات رَمْی جمرات

در رَمْی جمرات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال رَمْی؛

۲. هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آمادهٔ رَمْی است این دعا را

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۷

بخواند:

اللَّهُمَّ هذِهِ حَصَیاتی، فَأَحْصِهِنَّ لِی، وَ ارْفَعْهُنَّ فی عَمَلی.

۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید؛

۴. هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

اللّهُ اکبَرُ، اللّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطانَ، اللَّهُمَّ تَصْدِیْقاً بِکتابِکَ وَ عَلیٰ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صلی اللّه علیه و آله، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی حَجّاً مَبْروراً، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَ سَعْیاً مَشْکُوْراً، وَ ذَنْباً مَغْفُوْراً.

۵. میان او و جمره در جمرهٔ عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد، و در جمرهٔ اولیٰ و وسطی کنارهٔ جمره بایستد؛

۶. جمرهٔ عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رَمْی نماید و جمرهٔ اولیٰ و وسطی را رو به قبله ایستاده رَمْی نماید؛

۷. سنگ‌ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد؛

۸. پس از برگشتن به جای خود در منیٰ این دعا را بخواند:

اللَّهُمَ بِکَ وَثِقْتُ، وَ عَلَیکَ تَوَکَّلتُ، فَنِعْمَ الرَّبُ، وَ نِعْمَ الْمَوْلیٰ و نِعْمَ النَّصِیرُ.

ب) ذبح

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- واجب است بر کسی که حج تمتع به جا می‌آورد ذبح یک هَدْی؛ یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند، و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.

مسألهٔ ۲- کفایت نمی‌کند برای چند نفر به شرکت یک هَدْی در حال

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۸

اختیار، بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است، و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می‌شود.

مسألهٔ ۳- سایر حیوانات غیر از سه حیوان مذکور کافی نیست.

مسألهٔ ۴- در هَدْی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول: آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد، و همچنین در بُز کمتر از سن گاو نباشد، و در میش به احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد؛

دوم: باید صحیح باشد، پس حیوان مریض کافی نیست، حتی مثل کچلی بنا بر احتیاط؛

سوم: باید خیلی پیر نباشد؛

چهارم: باید تام الاجزاء باشد، و ناقص کافی نیست؛ پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنا بر اقوی کافی نیست، و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش‌بریده و دم‌بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد؛

پنجم: باید لاغر نباشد، و اگر در گُردهٔ او پیه باشد کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند؛

ششم: باید «خصی» نباشد؛ یعنی باید خصْیَتَیْن آن را بیرون نیاورده باشند؛

هفتم: باید بیضهٔ آن را نکوبیده باشند به احتیاط واجب؛

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۵۹

هشتم: باید در اصل خلقت بی‌دُم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست کفایت، اگر چه خلاف احتیاط است؛

نهم: در اصل خلقت بی‌بیضه نباشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- اگر غیر از خصی یافت نشود بعید نیست کفایت ذبح خصی، گر چه احتیاط در جمع بین آن و سالم است در ماه ذی الحجهٔ همان سال، و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه.

مسألهٔ ۲- گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته‌اند کراهت دارد.

مسألهٔ ۳- اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد؛ و شاخ خارج، شاخ سخت سیاهی است که به منزلهٔ غلاف است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

مسألهٔ ۴- شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد، و احتیاط آن است که چنین نباشد.

مسألهٔ ۵- باید ذبح را بعد از رَمْی جمرهٔ عقبه بکند به احتیاط واجب.

مسألهٔ ۶- یک گوسفند کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا- صلی اللّه علیه و آله- صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیر المؤمنین- علیه السلام- نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.

مسألهٔ ۷- اگر هَدْی یافت نشود قیمت آن را پیش شخص امینی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۰

بگذارد که در بقیه ذی الحجه بگیرد و در منیٰ ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشود سال بعد این کار را بکند.

مسألهٔ ۸- اگر هَدْی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن که گذشت) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و یک هَدْی تام هم در بقیه ذی الحجه، و اگر نشد در سال آینده ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هَدْی ناقص و هَدْی تام به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

مسألهٔ ۹- احتیاط واجب آن است که ذبح هَدْی را از روز عید تأخیر نیندازد.

مسألهٔ ۱۰- اگر به واسطهٔ عذری مثل فراموشی یا غیر آن ذبح را در روز عید نکرد، احتیاط واجب آن است که در ایام «تشریق» ذبح کند، و اگر نشد در بقیه ماه ذی الحجه، و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.

مسألهٔ ۱۱- اگر حیوانی را به گمان آنکه صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید دوباره ذبح کند.

مسألهٔ ۱۲- اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد، بعد معلوم شد لاغر است، کافی است.

مسألهٔ ۱۳- اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آنکه چاق درآید برای اطاعت خدا رجائاً ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است، کافی است.

مسألهٔ ۱۴- اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است یا احتمال می‌داد، لکن از روی بی‌مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند کافی نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۱

مسألهٔ ۱۵- اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطهٔ جهل به مسأله برای اطاعت خداوند ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق است، احتیاط واجب در اعاده است.

مسألهٔ ۱۶- اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطهٔ جهل به مسأله برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است، ظاهراً کافی باشد.

مسألهٔ ۱۷- احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند و یک قسمت را صدقه بدهند، و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند، و لکن هیچ یک از این احتیاطها واجب نیست، و اگر صدقه را به فقرای کفار بدهد یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد، اشکال ندارد و ضامن حصهٔ فقرا نیست، لکن احتیاط خصوصاً در خوردنِ قدری از ذبیحه خیلی مطلوب است.

مسألهٔ ۱۸- جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند، و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

مسألهٔ ۱۹- احتیاط واجب آن است که ذابح مؤمن باشد، بلکه خالی از وقت نیست، و همین طور در ذبح کفارات.

مسألهٔ ۲۰- در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد کفایت نمی‌کند، و باید دو مرتبه قربانی کند هر چند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح مؤمن نیست، یا جاهل به مسأله باشد.

مسألهٔ ۲۱- ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

مسألهٔ ۲۲- احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۲

بدهند آن را معاینه کنند، اگر چه اقوی در احتمال آنکه عیبی حادث شده باشد، مثل آنکه احتمال بدهد گوش یا دمش را بریدند یا آن را خصی کردند، عدم لزوم معاینه است، و احتیاط در عیبهایی که محتمل است از حال تولد داشته و مادرزاد بوده، ترک نشود.

مسألهٔ ۲۳- اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۴- اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح، و نایب انجام داد و بعد از آن شخص مُحرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد به این احتمال اعتنا نکند، و ذبح کافی است.

مسألهٔ ۲۵- اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان به اینکه عمل کرده است، و گمان کفایت نمی‌کند.

مسألهٔ ۲۶- اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد، و باید دو مرتبه ذبح کند.

مسألهٔ ۲۷- اگر نایب از روی اشتباه یا جهل بر خلاف دستور عمل کند اگر برای عمل اجرت گرفته است ضامن است، و الّا معلوم نیست ضامن باشد، و در هر صورت باید اعاده شود.

و در اینجا چند مسأله راجع به بدل ذبیحه است:

مسألهٔ ۱- اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

مسألهٔ ۲- مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد آن است که نه هَدْی را داشته باشد، و نه پولش را.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۳

مسألهٔ ۳- اگر می‌تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد، باید قرض کند و ذبح کند.

مسألهٔ ۴- اگر می‌تواند بدون مشقت چیزی که زاید از مئونهٔ سفر است بفروشد باید بفروشد، و هَدْی بخرد، لکن لباس را هر چه باشد لازم نیست بفروشد.

مسألهٔ ۵- لازم نیست کسب کند و پول هَدْی را تهیه کند، لکن اگر کسب کرد و تهیه کرد باید ذبح کند.

مسألهٔ ۶- اگر چه لباس را لازم نیست بفروشد، لکن اگر لباس زاید داشت و فروخت ظاهراً باید ذبح کند، و احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.

مسألهٔ ۷- این سه روزِ روزه را باید در ماه ذی الحجه بگیرد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد، و جلوتر نگیرد.

مسألهٔ ۸- باید این سه روز دنبال هم باشد.

مسألهٔ ۹- اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشتم و نهم بگیرد و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منیً بگیرد، و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است بگیرد.

مسألهٔ ۱۰- این سه روزِ روزه را در ایام تشریق در منیً جایز نیست بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منیً روزه برای همه کس حرام است، چه حج به جا بیاورد یا نه.

مسألهٔ ۱۱- احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته، آن است که بعد از مراجعت از منیً سه روز روزه بگیرد- که اول آن، روز کوچ کردن است یعنی سیزدهم- و متوالی بگیرد، و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۴

قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

مسألهٔ ۱۲- اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منیً سه روز دنبال هم بگیرد.

مسألهٔ ۱۳- جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد تا آخر ذی الحجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگر چه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

مسألهٔ ۱۴- این سه روز را در سفر می‌تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست، بین راه هم جایز است بگیرد.

مسألهٔ ۱۵- اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هَدْی، لازم نیست ذبح کند، لکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

مسألهٔ ۱۶- اگر این سه روزِ روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد باید هَدْی را خودش یا نایبش در منیً ذبح کند، و روزه فایده ندارد.

مسألهٔ ۱۷- باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره به جا آورد و قبل از آن نمی‌تواند.

مسألهٔ ۱۸- هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد.

مسألهٔ ۱۹- احتیاط واجب آن است که پی در پی به جا آورد.

مسألهٔ ۲۰- جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آنکه بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می‌توانست به وطن خود مراجعت کند جایز است

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۵

به جا آورد، و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

مسألهٔ ۲۱- در این ایام که با هواپیما مراجعت می‌کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می‌رساند صبر کند و روزه بگیرد، لکن احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز را نکند.

مسألهٔ ۲۲- اگر در غیر مکه چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد اگر چه به مقداری صبر کند که اگر راه می‌پیمود به وطن می‌رسید.

مسألهٔ ۲۳- ابتدای ماهی را که اگر بماند در مکه جایز است روزه را بگیرد و همین طور ابتدای حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.

مسألهٔ ۲۴- اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آنکه روزه بگیرد مرد، واجب است ولیّ او سه روز را قضا کند بنا بر اقوی، و هفت روز دیگر را بنا بر احتیاط واجب.

مسألهٔ ۲۵- لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد، می‌تواند بگیرد.

مسألهٔ ۲۶- اگر متمکن از سه روز روزه نشد در مکه و برگشت به محل خود، در صورتی که ماه ذی الحجه باقی است می‌تواند در محل بگیرد، لکن با هفت روزْ روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هَدْی ذبح کند، اگر چه به وسیله شخص امینی باشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۶

مسائل متفرقهٔ هَدْی

مسألهٔ ۱- تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست، و فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است؛ بنا بر این، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کنند، صحیح نیست.

مسألهٔ ۲- گفته می‌شود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی مُحسِّر ساخته شده و در این صورت هر چند در صورت امکان و لو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند، لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است.

مسألهٔ ۳- کسی که اجیر در حج است می‌تواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور نیت قربانی حجی که موکلش از طرف موکل خود انجام می‌دهد را می‌نماید.

مسألهٔ ۴- تأخیر ذبح از روز عید عمداً جایز نیست علی الاحوط، لکن اگر تأخیر شد عمداً یا جهلًا یا نسیاناً، ذبح در شب کفایت می‌کند.

مسألهٔ ۵- کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند می‌توانند قبل از اینکه حَلْقْ یا تقصیر کنند قربانی دیگری را ذبح نمایند.

۶- س- جمعی از حجاج پول روی هم می‌گذارند و کسی با پول مشترک برای همهٔ آنان تعدادی گوسفند می‌خرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر قصد می‌کند و قربانی می‌کند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر، و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت با اینکه همه به یک اندازه پول داده‌اند چه وضعی پیدا می‌شود؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۷

ج- اگر صاحبان پول راضی باشند، اشکال ندارد.

۷- س- کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده‌اند و او ذبح نموده است و بعد، حَلْقْ و اعمال مترتبه را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند، وظیفه آنان چیست؟

ج- ذبح را اعاده کنند و حَلْقْ و اعمال مترتبه صحیح است.

۸- س- کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه عمداً بدون تجدید قربانی حَلْقْ کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا مُحلّ شده است یا نه، و آیا فقط قربانی باید بکند، یا همهٔ اعمال را اعاده نماید؟

ج- با فرض اینکه احتمال صحت اعمالی را که بعد از قربانی اتیان کرده می‌داده، مُحلّ شده است و فقط قربانی بر عهدهٔ او است و اعمالش صحیح است.

۹- س- در مسألهٔ قربانی در مسلخ جدید عبارت نقل شده از حضرت عالی صراحت در حکم ندارد، لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

ج- ذبح در مسلخ جدید مُجزی است.

۱۰- س- آیا در شرایط قربانی تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل شود، یا لازم نیست؟

ج- در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان، فحص لازم نیست و در صورت شک می‌تواند بدون تحقیق ذبح کند؛ ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان یا مؤمن بودن ذابح لازم است یقین حاصل شود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۸

۱۱- س- در مکه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد طی مراحل قانونی، حاکم آنجا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج- اگر می‌داند که پول خود او است، مانع ندارد.

۱۲- س- شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می‌نماید به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده‌ام او راضی است و خوشحال هم می‌شود این نحوه قربانی کافی است یا نه؟

ج- کافی نیست، مگر او را وکیل کرده باشد.

۱۳- س- روز عید بعض اشخاص به قربانگاه می‌روند و بدون اینکه در قربانی نیابت داشته باشند خودشان برای رفقایشان قربانی می‌کنند، آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهدهٔ چه کسی است؟

ج- کفایت نمی‌کند، و پول از مال کسی خارج می‌شود که خرج کرده است، مگر آنکه غروری در بین باشد.

۱۴- س- در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند یک قراری با هم می‌گذارند که هر چند رأس گوسفندی که می‌خواهند هر یکی به فلان مبلغ و نام می‌برد، حاجی هم قبول می‌کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می‌کشد، بعد می‌رود با صاحب گوسفند حساب می‌کند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۶۹

ج- اشکال ندارد.

۱۵- س- در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار می‌گذارند که ده گوسفند را جدا می‌کنیم و قربانی می‌کنیم از قراری یکی دویست ریال سعودی مثلًا، در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان می‌آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی می‌کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانیهای آنان درست است یا خیر؟

ج- اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارد، مانع ندارد.

۱۶- س- غیر مؤمن مشغول سر بریدن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی می‌شد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار می‌داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می‌شد، آیا این قربانی صحیح است؟

ج- اگر خودش ذبح نکرده، صحیح نیست.

۱۷- س- در روز عید قربان معمولًا در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می‌شوند و می‌آیند قربانگاه، اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفهٔ نایب چیست؟

ج- باید قربانی کند.

۱۸- س- آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج- صحیح نیست.

۱۹- س- اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۰

که قربانی نکرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج- بر حج او اشکالی نیست؛ ولی قربانی بر ذمه‌اش باقی است که باید در سال آینده در منی انجام دهد، و اگر در ماه ذیحجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

۲۰- س- شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل یقین پیدا کرد پول نُه رأس گوسفند را داده است، وظیفه‌اش نسبت به پول یک رأس که نداده چیست؟ ضمناً با مراجعه به قربانگاه صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج- با یأس از شناسایی صاحبش از طرف او به فقیر صدقه دهد، و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد.

۲۱- س- شخصی قربانی نمی‌کند به اعتقاد اینکه گوشت گوسفند تلف می‌شود و از آنان استفاده‌ای نمی‌شود، و با همین کیفیت تقصیر کرده، اعمال حج را انجام می‌دهد، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمهٔ او است.

۲۲- س- آیا مُحرم می‌تواند قبل از ذبح گوسفند خود برای دیگری ذبح نماید؟

ج- مانع ندارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۱

۲۳- س- اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احراز کرد و بعداً معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می‌کند؟

ج- کفایت نمی‌کند.

۲۴- س- اگر قربانی از وجه غیر مُخَمَّس باشد چه صورت دارد؟

ج- کفایت نمی‌کند.

۲۵- س- در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می‌توان گوسفند مَرضوض الخَصیتین (گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده‌اند) را ذبح نمود؟

ج- اگر غیر خَصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است.

۲۶- س- شخصی به اعتماد نایب خود در رَمْی، ذبح کرده و حَلْق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رَمْی ننموده است، آیا ذبح و حَلْق او صحیح است؟

ج- کفایت می‌کند.

۲۷- س- شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد، و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟

ج- اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است، و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.

۲۸- س- شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید، بعد از ذبح متوجه مسأله شده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر مؤمن بودن ذابح معلوم نیست، باید دو مرتبه قربانی کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۲

۲۹- س- کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل می‌تواند به دیگری وکالت دهد.

ج- اگر وکالت داده که وکیل، خودش قربانی کند، نمی‌تواند به دیگری بدهد.

۳۰- س- اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد، آیا تکرار آن باید در ایام تشریق باشد؟

ج- اگر در بقیهٔ ذیحجه تا آخر آن هم قربانی شود کافی است، اگر چه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست.

۳۱- س- مُحرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، می‌تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می‌کند در لباس احرام نجس باشد؟

ج- در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند، و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد.

۳۲- س- در مناسک نوشته: واجب است احتیاطاً که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند، حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد.

ج- قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حَلْق و اعمال مکه مراعات شود.

۳۳- س- بعد از فری اوداج اربعهٔ، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود چه صورتی دارد؟

ج- کار حرامی است، لکن ذبیحه حلال است، و کفایت از قربانی می‌کند.

۳۴- س- می‌فرمایید اگر ذبح در منی تا آخر ذیحجه ممکن شود باید

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۳

ذبح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه می‌دهید که حَلْق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هر چند ده روز طول بکشد؟

ج- باید مراعات ترتیب شود علی الاحوط.

۳۵- س- آیا حکم گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده‌اند با گوسفندی که تخمهایش را تابیده‌اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت اگر تخمهای گوسفندی را تابیده باشند، آیا برای هَدْی مُجزی است یا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بیان فرمایید.

ج- بنا بر احتیاط واجب باید تابیده هم نشده باشد.

۳۶- س- حیوانی را که برای هَدْی ذبح می‌کنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود، و یا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیهٔ اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج- رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.

۳۷- س- اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن متوجه شد که سن هَدْی کمتر از حد نصاب است، وظیفه چیست؟

ج- اعاده لازم است.

۳۸- س- اگر روحانی کاروان می‌داند که احرامیِ او در روز عید در مسلخ به خون‌آلوده می‌شود و به جهت اینکه روحانی است و باید بر اعمال حجاج نظارت داشته باشد مدت چند ساعت لباس احرامی او خون‌آلود است، آیا با علم به نجس شدن و طولانی بودن آن، تکلیف او

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۴

چیست؟

ج- اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است، اشکال ندارد.

۳۹- س- روحانی کاروانی نایب است و می‌داند که برای نظارت بر اعمال حج حجاج در قربانگاه لباس او به خون‌آلوده می‌شود و به جهت مسئولیتی که دارد در قربانگاه معطل می‌گردد، آیا با علم به این جهت نیابتش در حج اشکالی دارد؟

ج- نیابت اشکال ندارد.

۴۰- س- بعضی از محله‌های جدید مکه، در منی ساخته شده است، آیا در آنجا می‌شود قربانی نمود یا خیر؟

ج- اگر در منی است مانع ندارد، ولی بدون احراز اینکه در منی است، صحیح نیست.

۴۱- س- انسان شک می‌کند که در سال یا سالهای گذشته ذابح قربانی‌اش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر در حال عمل، مسأله را می‌دانسته و ملتفت بوده و شک بعد از عمل است اعتنا نکند، و در غیر این صورت باید قربانی را اعاده نماید.

۴۲- س- بعضی از مدیران کاروانها یا اشخاص خیّر دیگر که برای قربانی از اشخاص پول می‌گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانیها را غیر مؤمن ذبح می‌کند، اولًا آیا از منوبٌ عنه مُجزی است یا نه، و ثانیاً آیا نایب ضامن است یا خیر؟

ج- قربانی مزبور کفایت نمی‌کند و کسی که پول را از منوبٌ عنه گرفته ضامن است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۵

مستحبات هَدْی

مستحبات هَدْی چند چیز است:

۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۲. قربانی بسیار فربه باشد.

۳. در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴. شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِیفاً وَ مٰا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ، إِنَّ صَلاٰتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیٰایَ وَ مَمٰاتِی لِلّهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ، لاٰ شَرِیکَ لَهُ، وَ بِذٰلِکَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِینَ، اللَّهُمَّ مِنکَ وَ لَکَ بِسمِ اللّهِ وَ اللّهُ أکبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی.

۵. اینکه خود قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کُشنده بگذارد.

ج) تقصیر

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:

اول: زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند و کافی نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۶

دوم: کسی که سال اول حج او باشد که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

سوم: کسی که موی سر خود را به عسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

چهارم: کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است، باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

پنجم: خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر نتراشد.

مسألهٔ ۲- اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً.

مسألهٔ ۳- احتیاط آن است که کسی که سر را می‌تراشد تمامش را بتراشد.

مسألهٔ ۴- در تقصیر کفایت می‌کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن به هر نحو و با هر آلت که باشد و یا ناخن گرفتن، و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

مسألهٔ ۵- سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست، و آنچه باید به آن حلال شود، حلال نمی‌شود.

مسألهٔ ۶- جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد، و همچنین در تقصیر، و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

مسألهٔ ۷- کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است، مثل اشخاصی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۷

که در مسألهٔ اول ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را بکشند به سر آنها و آن کافی است از تراشیدن سر.

مسألهٔ ۸- کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند، و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو، باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند، کافی است.

مسألۀ ۹- تراشیدن ریش کفایت نمی کند از تقصیر.

مسألۀ ۱۰- اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است.

مسألۀ ۱۱- محلّ تراشیدن سر و تقصیر نمودن، منیٰ است، و جایز نیست اختیاراً در غیر آنجا.

مسألۀ ۱۲- احتیاط آن است که در روز عید باشد اگر چه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق.

مسألۀ ۱۳- اگر کسی سر نتراشید و تقصیر نکرد در منیٰ و از آنجا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد، و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمداً ترک کرده یا نسیاناً و سهواً یا به واسطهٔ مسأله ندانستن.

مسألۀ ۱۴- اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منیٰ، هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند و موی خود را بفرستد به منیٰ در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منیٰ دفن کند در محل خیمهٔ خود.

مسألۀ ۱۵- جایز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی، و همچنین سعی را جایز نیست جلو بیندازد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۸

مسألۀ ۱۶- اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر طواف و سعی کند از روی سهو یا جهل به حکم، باید برگردد و سر بتراشد یا تقصیر کند و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد و اگر نمی‌تواند به منیٰ برگردد، هر جا هست سر بتراشد و تقصیر کند و اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

مسألۀ ۱۷- اگر از روی علم و عمد این کار را کرده، باید علاوه بر اعادهٔ طواف و نماز و سعی یک گوسفند ذبح کند.

مسألۀ ۱۸- اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته، گوسفند لازم است، و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لکن باید اعاده کند آن را بعد از حَلْق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

مسألۀ ۱۹- اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند تا ترتیب حاصل شود، و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را به سر بکشد احتیاطاً.

مسألۀ ۲۰- به احتیاط واجب باید در منیٰ اول رَمْی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حَلْق.

مسألۀ ۲۱- اگر بر خلاف این ترتیب عمل کند، پس اگر از روی غفلت و سهو بوده اعاده لازم نیست، و اگر از روی جهل به مسأله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است، و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.

مسألۀ ۲۲- بعد از آنکه مُحرمی که وظیفه‌اش سر تراشیدن بود، سر تراشید؛ یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد، حلال می‌شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده به واسطهٔ احرام حج مگر زن و بوی خوش، و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آنکه در حرم صید جایز نیست نه برای مُحرم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۷۹

و نه برای غیر مُحرم و این حرمت باقی است، دوم آنکه بر خصوص مُحرم نیز صید جایز نیست چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که به واسطهٔ حَلْق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جایز است از برای او صید در خارج حرم.

مسائل متفرقه حَلْق یا تقصیر در حج

مسألۀ ۱- اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد؛ بنا بر احتیاط نمی‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند، بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الاحوط.

مسألۀ ۲- تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق مانع ندارد هر چند عمدی باشد و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می کند.

مسألۀ ۳- اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده نمی‌تواند حلق کند، ولی اگر با اعتقاد به اینکه

وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است، و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می‌کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسألهٔ ۴- کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفهٔ آنها سر تراشیدن می‌باشد، بنا بر احتیاط جایز نیست به واسطهٔ زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هر چند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

مسألهٔ ۵- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۰

اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد، ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازالهٔ موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست و لو برای تقصیر.

۶- س- کسی که سفر اول حج او است در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می‌تراشیده مشغول گرفتن ناخنهای خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند، آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج- چیزی بر او نیست.

۷- س- کسی که در غیر منیٰ حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از این عمرهٔ مفرده انجام داده، آیا مُحِل شده است یا خیر، و عمرهٔ مفردهٔ او صحیح است یا خیر؟

ج- مُحِلّ نشده است و عمرهٔ او صحیح نیست.

۸- س- گفته می‌شود که مسلخ جدید در منیٰ نیست و اشخاص پس از قربانی در آنجا و بیرون آمدن، پشتِ همان جا حلق و تقصیر کرده‌اند، وظیفهٔ آنان چیست؟

ج- اگر حلق و تقصیر در منیٰ نبوده باید اعاده شود.

۹- س- در مسألهٔ سابق کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده‌اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند که حلق و تقصیر در منیٰ نبوده، آیا اعمال مکهٔ آنان صحیح است؟

ج- در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعاده شود.

۱۰- س- کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منیٰ انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج منیٰ نموده چه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۱

وظیفه‌ای دارد، و اگر اعمال مکه را انجام داده صحیح است یا خیر؟

ج- حلق را در منیٰ اعاده کند و یک حلق کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز به جا آورد و بعد یک طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت می‌کند، گرچه ظاهراً این است که احرام برای عمره و حج امسال صحیح نبوده است.

۱۱- س- اگر در مواردی که حاجی باید حَلْق کند، به جای حلق تقصیر کرده است وظیفه‌اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج- اگر جاهل به مسأله بوده کفاره ندارد؛ و در فرض علم، احوط است، و در فرض مسأله بنا بر احتیاط باید حلق را انجام دهد، و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.

۱۲- س- کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج به جا می‌آورد، آیا در سفر دوم حکم صروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است.

ج- تقصیر کفایت می‌کند.

۱۳- س- شخصی در سال ۶۰ نایب شخص دیگری شد، و برای اولین بار آمد مکه و در مرز بین وادی مُحَسّر و منیٰ حلق نمود، به اعتقاد اینکه اینجا جزء منیٰ است، و یک سال بعد باز به مکه مشرف شد برای خودش به عنوان حَجةُ الاسلام، و در منیٰ تقصیر نمود به خیال اینکه حلق قبلی و اعمال حج گذشتهٔ او صحیح بوده است، و سال ۶۵ باز به مکه مشرف شد و به عنوان ما فی الذمه مُحرم شد، در این بین متوجه شد که حَلْق سال اول در خارج منیٰ بوده است و در نظر حضرت امام کافی

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۲

نیست، امسال حَلْق را در منیٰ به قصد ما فی الذمه انجام می‌دهد، و بقیهٔ اعمال را نیز به قصد ما فی الذمه، به جا آورده است آیا این کار کافی است یا نه؟

ج- کفایت می‌کند و از منوبٌ عنه واقع می‌شود، و باید حَجةُ الاسلام را اعاده کند.

۱۴- س- اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند آیا جایز است و حلق صدق می‌کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیهٔ سر را نیز می‌تراشد.

ج- تا حلق تمام نشده، کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است.

۱۵- س- کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمی‌تواند درک کند و برای بقیهٔ اعمال خود نایب می‌گیرد، آیا می‌تواند حلق را در غیر از منیٰ انجام دهد؟

ج- باید در منیٰ حلق کند و حلق در غیر منیٰ کافی نیست، مگر آنکه نتواند به منیٰ برود.

۱۶- س- شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حَلْق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد، اگر تقصیر نماید مُجزی است، یا وظیفهٔ دیگری دارد؟

ج- اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حَلْقِ تمام نماید تا آخر ایام تشریق دارد تأخیر بیندازد، و همچنین اعمال مترتبه را، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می‌تواند بتراشد و تقصیر هم بکند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۳

۱۷- س- شخصی سال گذشته قربانی و حَلْق را در غیر منیٰ (خارج از منیٰ) انجام داده و پس از خاتمهٔ اعمال به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حج دارد، بفرمایید وظیفهٔ او چیست؟ و آیا می‌تواند برای خود یا دیگری حج به جا آورد یا نه؟

ج- تا وظیفهٔ سال قبل را از قربانی و حَلْق و اعمال مترتبه بر آن انجام نداده و از احرام آن خارج نشده، نمی‌تواند مُحرم شود.

۱۸- س- صَبیّ مُمَیّزی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از صَروره بودن، خارج می‌شود یا نه؟

ج- بلی، خارج می‌شود.

۱۹- س- در روز عید قربان که حاجی باید حَلْق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر مُحرم حرام است، آیا حجاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حَلْق و تقصیر هستند از وجودشان برای حَلْق استفاده کنند، یا در آن وقت برای شخص جایز است که سر خود را بتراشد، و آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری، و در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج- خودش می‌تواند خود را حَلْق کند، و می‌تواند به کسی که از احرام به حَلْق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را حَلْق نماید، و در هر صورت اگر دیگری او را حَلْق کند کفایت می‌کند، اگر چه از احرام خارج نشده باشد.

۲۰- س- کسی که در حج وظیفه‌اش سر تراشیدن است و از اول می‌داند که با تیغ کشیدن سرش خون می‌آید، بفرمایید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۴

ج- باید سر بتراشد علی الاحوط.

۲۱- س- در مناسک آمده است: کسی که سال اول حج او باشد، بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد؛ آیا می‌توان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟

ج- حکم سایر احتیاطات را دارد، لکن چون امر مهمی است، مراعات کنید این احتیاط را.

۲۲- س- کسی که حَلْق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- بایـد حَلْق و اعمـال مکه مترتبهٔ بر حَلْق را انجـام دهـد، و اگر نمی‌توانـد خودش به مکه برود، در محل خودش حَلْق کنـد و موی خود را به منیً بفرستد علی الاحوط، و برای اعادهٔ اعمال مکه نایب بگیرد.

۲۳- س- کسی که وظیفه او حَلْق است و لیکن از حَلْق معذور است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر، رجوع کنند.

۲۴- س- اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیا می‌تواند حَلْق و یا تقصیر نماید، و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد؟

ج- باید حَلْق را بعد از قربانی انجام دهد علی الاحوط.

۲۵- س- شخصـی در روز عیـد قربان در حال رَمْی جمرهٔ عقبه پول خود را گم کرد، و چون پول برای هَـدْی نداشت آن را مبدل به روزه کرد، و تصـمیم دارد بعد از ایام تشـریق شـروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حَلْق را پس از سه روز روزه انجام دهد، یا همان روز

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۵

عید حَلْق یا تقصیر نماید؟

ج- می‌تواند روز عید حَلْق یا تقصیر نماید.

۲۶- س- شخصـی که صـروره نیست و می‌تواند تقصـیر کند، آیا اگر ریش بتراشد، صـرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر می‌کند یا نه؟

ج- کفایت نمی‌کند.

۲۷- س- عصـر عیـد قربان بعد از هَدْی که دوسـتان سـر می‌تراشـیدند و من هم به این فکر که باید سـر را تراشـید، رفتم سـر خود را تراشیدم، و نگفتم که سر می‌تراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج- اگر سر را به عنوان اینکه وظیفه شما سرتراشی است و از اعمال حج است تراشیده‌اید صحیح است، هر چند نیت را نگفته باشید.

۲۸- س- چون من از سر تراشیدن بدم می‌آید، آیا می‌توانم به جای سر تراشیدن تقصیر کنم؛ و آیا آن کار، گناهی هم دارد یا نه؟

ج- در سفر اول در منیً باید سر بتراشید علی الاحوط، و اگر نتراشید، گذشته از معصیت از احرام هم خارج نمی‌شوید علی الاحوط.

۲۹- س- حاجی در مذبـح بعـد از قربانی فوراً تقصـیر کرده که دچار تطهیر نجاست بـدن و لباس احرام نگردد، و بعـد از رسـیدن به چادر حَلْق کند، از یک طرف صروره است و از طرفی در حَلْق قصد احلال نکرده، تکلیفش چیست؟

ج- تقصـیر در صورت جهـل کفـاره نـدارد، و حَلْق را اگر به قصـد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده کافی است، و گر نه باقی بر احرام است و باید در منیً حَلْق کند علی الاحوط.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۶

مستحبات حَلْق

در حلق چند چیز مستحب است:

۱. آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَةِ.

۲. آنکه موی سر خود را در منی در خیمـهٔ خود دفن نماید، و أولی این است که بعد از حَلْق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۷

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

اشاره

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود، مراجعت به مکه برای اعمالی که در آنجا واجب است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- جایز است بلکه مستحب است روز عیـد که از اعمال منی فارغ شـد، بیاید به مکه برای بقیهٔ اعمال حج، و جایز است تأخیر بینـدازد تـا روز یـازدهم، و بعیـد نیست که جایز باشـد تأخیر تا آخر ذی الحجه؛ به این معنی که روز آخر ذی الحجه هم اگر آمـد و اعمال را به جا آورد، مانع ندارد.

مسألهٔ ۲- اعمالی که در مکه واجب است به جا بیاورد:

اول: طواف حج است که آن را طواف زیارت می‌گویند.

دوم: نماز طواف است.

سوم: سعی بین صفا و مروه است.

چهارم: طواف نساء است.

پنجم: نماز طواف نساء است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۸

مسألهٔ ۳- کیفیت طواف حـج و نمـاز آن و سـعی و طواف نسـاء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سـعی گذشت بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء به جا آورد.

مسألهٔ ۴- جـایز نیست طواف حـج و نمـاز و سـعی و طواف نسـاء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه‌گانهٔ منی به جا آورد در حال اختیار.

مسألهٔ ۵- چنـد طایفه‌انـد که برای آنها جایز است طواف حـج و نماز و سـعی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آنکه مُحرم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات به جا آورند، و عمل آنها مُجزی است.

اول: زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم: پیرمردها یا پیرزنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت، یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.

سوم: اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند، یا عاجز باشند از آن.

چهارم: کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی الحجه به جهتی برای آنها ممکن نمی‌شود طواف و سعی.

مسألهٔ ۶- سه طـایفه اول اعمـالی را که جلو انداختنـد کافی است اگر چه بعـد خلاف آن ظاهر شود؛ مثلًا زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس برای اینها لازم نیست اعادهٔ اعمال گرچه احوط است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۸۹

مسألهٔ ۷- طایفه چهارم که عقیده داشت نمی‌تواند اعمال را به جا آورد، اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود، باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود مثل آنکه اعتقاد داشت سیل مانع می‌شود و بعد خلافش ظاهر شد، باید اعاده کند اعمال را بعد از رجوع.

مسألهٔ ۸- شخص مُحرم که به واسطهٔ احرام حج چیزهایی بر او حرام شد که در سابق به تفصیل ذکر شد، در سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج، آنها بر او حلال می‌شود:

اول: بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منیٰ که به آن همه چیز حلال می‌شود، مگر بوی خوش و زن چنانچه پیش ذکر شد و گفته شد؛ که صید از جهت احرام نیز حلال می‌شود نه از جهت حرم.

دوم: بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه به تفصیلی که گذشت، حلال می‌شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است.

سوم: بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می‌شود بر او زن نیز؛ پس بعد از این سه عمل همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می‌شود؛ و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه مُحرم و چه مُحلّ.

مسألهٔ ۹- کسانی که به واسطهٔ عذر، مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود، و تمام مُحرمات بعد از تقصیر یا حَلْق حلال خواهد شد.

مسألهٔ ۱۰- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچهٔ ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۰

تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولیّ، او را مُحرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسألهٔ ۱۱- طواف نساء و نماز آن اگر چه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، لکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را به جا آورد، و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود؛ مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود بنا بر احتیاط واجب.

مسألهٔ ۱۲- جایز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیاراً، و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسألهٔ ۱۳- جایز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد در حال ضرورت؛ مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن به جا آورد.

مسألهٔ ۱۴- اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد یا به واسطهٔ ندانستن حکم مقدم بدارد، طواف و سعیش صحیح است، و احتیاط در اعاده طواف است.

مسألهٔ ۱۵- اگر طواف نساء را سهواً به جا نیاورد تا برگشت از حج، پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و به جا بیاورد، و اگر نمی‌تواند یا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۱

مشقت دارد نایب بگیرد و پس از به جا آوردن، زن به او حلال می‌شود.

مسألهٔ ۱۶- اگر کسی طواف واجب را- چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء- فراموش کرد و برگشت و با زن

نزدیکی کرد، بایـد یک هَدْی در مکه قربانی کند، و احتیاط آن است که شتر باشد، و اگر می‌تواند خودش برود و طواف و نماز آن را به جا آورد، و احتیاطاً در غیر طواف نساء، سعی را هم به جا آورد، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

مسألهٔ ۱۷- اگر کسـی طواف را چه طواف عمره یـا طواف زیـارت از روی جهـل به مسأله به جا نیاورد و برگشت به محل خود، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.

مسائل متفرقهٔ اعمال بعد از منیٰ و طواف نساء

۱- س- اگر کسـی تنها این ترس را داشـته باشـد که بعـد از برگشت از منیٰ در اثر ازدحام نتوانـد طواف کند یا به مشـقت بیفتد، آیا می‌تواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟

ج- موردِ جوازِ تقدیم نیست، و نمی‌تواند مقدم بدارد.

۲- س- اعمـال حـج را به جهت خوف حیض بر اعمـال منیٰ مقـدم داشت؛ ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، به طوری که می‌باید اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از آن اعمال منیٰ بر او چیزی نیست؟

ج- اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.

۳- س- آیا نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد، می‌تواند

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۲

اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منیٰ مقدم بدارد یا نه؟

ج- مانع ندارد.

۴- س- کسانی که اعمال حـج را قبل از اعمال منیٰ انجام می‌دهند، آیا می‌توانند سـعی را بعد از برگشـتن از منیٰ انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج- محل اشکال است.

۵- س- تقدیم اعمال مکه برای ذوی الاعذار جایز یا لازم است؟

ج- جایز است و لازم نیست.

۶- س- کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین می‌نمایند، آیا باید اقرب زمان به موقفین را رعایت کنند؟

ج- لازم نیست.

۷- س- تشـخیص عـذر برای کسـانی که اعمال حـج را مقـدم می‌دارنـد بر عهـدهٔ خود آنان است، یا بر عهـده گرداننـدگان گروه و مسئولین؟

ج- تشخیص با خود مکلف است.

۸- س- کسی که او را به وسیلهٔ تخت طواف می‌دهند، آیا می‌تواند اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟

ج- اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی‌تواند مقدم بدارد.

۹- س- کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارد، آیا می‌تواند طواف نساء را بعد از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد؟

ج- بنا بر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند.

۱۰- س- شخصی که می‌تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۳

اگر جهلًا بدون احرام اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟

ج- کفایت نمی‌کند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از وقوفین و اعمال منیٰ آنها را به جا آورد.

۱۱- س- آیا می‌تواند اعمال مکه را به نایب واگذارد در صورتی که می‌تواند تأخیر بیندازد تا خود به جا آورد؟

ج- با فرض اینکه می‌تواند خودش به جا آورد و لو با تأخیر تا آخر وقت نمی‌تواند نایب بگیرد.

۱۲- س- در مناسک فرموده‌اید: وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و بعید نیست که تا آخر ماه ذی الحجه نیت کند؛ در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون محتمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد، آیا معصیت نموده است؟

ج- معصیت نیست.

۱۳- س- کسی که از منیٰ برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا می‌تواند طواف مستحبی انجام دهد، و نیز در حال احرام عمره تمتع، آیا می‌تواند قبل از انجام عمره طواف مستحبی انجام دهد؟

ج- احتیاطاً ترک نماید.

۱۴- س- آیا بعد از انجام اعمال منیٰ، قبل از انجام اعمال مکه می‌توان از مکه خارج شد یا خیر؟

ج- مانع ندارد.

مسألة ۱۵- اگر شخص چندین عمرهٔ مفرده به جای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۴

مسألة ۱۶- احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت ما فی الذمه کند گرچه می‌تواند به نیت منوبٌ عنه انجام دهد.

۱۷- س- آیا پیش از به جا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حَلْق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است، و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج- از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

۱۸- س- آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز جایز است یا خیر؟

ج- مانع ندارد.

۱۹- س- شخصی بعد از حج، ازدواج کرد و دارای اولاد شد، بعداً متوجه می‌شود که در حج طواف نساء را نیاورده است، حال که متوجه شده است حکم زن و فرزند او چگونه است، و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج- با فرض جهل، فرزند او حکم حلال‌زاده را دارد؛ ولی عقد ازدواج باطل است و باید طواف نساء را انجام دهد، و اگر بخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

۲۰- س- مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجاآوری! زن به جای نیت طواف نساء طواف رجال ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج- اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

۲۱- س- کسی که عمرهٔ مفرده انجام می‌داد بدون اینکه تقصیر کند طواف نساء را به جا آورد، آیا وظیفهٔ او چیست و عمرهٔ او باطل است یا نه؟

ج- عمره باطل نمی‌شود، لکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۵

نماید و بدون آن حرمت نساء باقی است.

۲۲- س- شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمرهٔ مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، و همچنین است در صورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

۲۳- س- اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمرهٔ مفرده با زوجهٔ خود مواقعه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه‌ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج- بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگر چه حرام مرتکب شده است.

۲۴- س- به جا نیاوردن طواف نساء از روی جهل همانند طواف حج و عمره است که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید؟ چنانچه در مسألهٔ ۱۷ فصل پنجم حج در مناسک می‌فرمایید؟

ج- ترک طواف نساء حج را باطل نمی کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

۲۵- س- شخصی قبل از طواف نساء با زوجهٔ خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج- کفاره دارد مگر در صورت جهل.

۲۶- س- زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض می‌شود شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام می‌دهد، آیا این نیابت صحیح است؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۶

ج- صحیح نیست و تقدم برای کسی است که خودش طواف می کند، و احتیاط آن است که اکتفا به آنچه مقدم داشته هم نکند.

۲۷- س- اگر نایب، طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه‌اش هم مشغول است، هر چند بعد از مردن باشد که باید برای او قضا کند؟

ج- ذمهٔ او هم مشغول است؛ ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

۲۸- س- شخصی طواف نساء عمرهٔ مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمرهٔ تمتع مُحرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمرهٔ تمتع به جا آورد یا قبل از آن؟

ج- می‌تواند بعد از انجام اعمال عمرهٔ تمتع به جا آورد، و اگر تأخیر بیندازد، طواف نساء حج کفایت از آن می کند.

۲۹- س- کسی که طواف نساء عمرهٔ مفرده را به جا نیاورده و بعد از آن حج افراد به جا می‌آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می کند؟

ج- کفایت می کند.

۳۰- س- پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی‌کنند و نیز کسی که عنین است، آیا اگر طواف نساء را [بجا] نیاورند اشکال دارد؟

ج- گرچه طواف نساء جزء اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۷

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَ اعِنّی علَی نُسُکِکَ، وَ سَلِّمْنِی لَهُ وَ سَلِّمْهُ لِی، أسْألُکَ مَسْأَلَةَ العَلِیلِ الذَّلِیلِ الْمُعْتَرِفِ بذَنْبِه، أنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، وَ أنْ تُرْجِعَنِی

بِحاجَتی، اللّهُمَّ إِنّی عَبْدُکَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُکَ و الْبَیْتُ بَیْتُکَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَ أَؤُمُّ طاعَتَکَ، مُتَّبِعاً لِأمْرِکَ، راضِیاً بِقَدَرِکَ، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَیْکَ، المُطِیْعِ لِأَمْرِکَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، أَنْ تُبَلِّغَنی عَفْوَکَ، وَ تُجِیْرَنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ.

پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود، به جا آورد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۸

فصل ششم: بیتوته در منی

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند؛ یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

مسألهٔ ۲- چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

اول: کسی که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند، لکن غیر از صید کردن چیزهایی دیگر که از صید بر مُحرم حرام است، مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده، واجب نیست بیتوتهٔ شب سیزدهم.

دوم: کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام چه در قُبُلْ و چه در دُبُرْ و چه با زن خود یا اجنبیه، ولی غیر از جماع کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده، واجب نمی‌شود بیتوتهٔ شب سیزدهم.

سوم: کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۲۹۹

سیزدهم را درک کرد.

مسألهٔ ۳- چند طایفه‌اند که واجب نیست در شبهای یازده و دوازده و سیزدهم در منی بمانند:

اول: بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد ماندن به هر عذری که باشد.

دوم: کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند، مال آنها در مکه از بین می‌رود به شرطی که مال مُعْتَدٌ به باشد.

سوم: شبانهایی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن در شب.

چهارم: کسانی که متکفل آب دادن به حجاج هستند در مکه.

پنجم: کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری؛ از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

مسألهٔ ۴- کسی که در احرام عمرهٔ تمتع از صید و زن اجتناب نکرده، باید شب سیزدهم بماند و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد.

مسألهٔ ۵- مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد، از اول شب است تا نصف آن؛ پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمهٔ شب، مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع وارد مکه نشود.

مسألهٔ ۶- کسی که در اول شب بی‌عذر در منی نبود، احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.
مسألهٔ ۷- نیمهٔ شب را بایـد از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کننـد بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب کنند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۰

مسألهٔ ۸- بیتوتهٔ در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به جا آورد.
مسألهٔ ۹- جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود، حتی در بین راه منی و مکه به احتیاط واجب.

خمینی، سید روح اللّه موسوی، مناسک حج (امام خمینی)، در یک جلد، ه ق

مناسک حج (امام خمینی)؛ ص: ۳۰۰

مسألهٔ ۱۰- کسی که ترک کند بیتوتهٔ به منی را در شبی که واجب است بماند، برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی کند.
مسألهٔ ۱۱- فرقی نیست در واجب بودن قربانی بین آنکه از روی علم و عمد باشد، یا از روی نسیان باشد یا از روی ندانستن مسأله.
مسألهٔ ۱۲- کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده‌اند به منی، قربانی بر آنها واجب نیست.
مسألهٔ ۱۳- چهار طایفه‌ای که در مسأله سوم گفته شـد واجب نیست در منی بماننـد، در صورتی که نماندنـد بایـد برای هر شب یک گوسفند کفاره قربانی کنند، حتی دستهٔ سوم و چهارم به احتیاط واجب.
مسألهٔ ۱۴- گوسفندی که باید قربانی شود هیچ یک از شرایط هَدْی را که در منی برای حج باید ذبح کند، لازم نیست داشته باشد.
مسألهٔ ۱۵- گوسـفندی را که بایـد قربانی کنـد محل معینی نـدارد، حتی می‌تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند، اگر چه احتیاط آن است که در منی قربانی کند.
مسألهٔ ۱۶- اگر قسـمتی از اول شب که بایـد در منی بیتوته کرد درک نشود، یـا زودتر از نصف شب از منی خـارج شونـد، احتیـاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی کنند و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.
مسألهٔ ۱۷- کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۱

دوازدهم، بایـد بعـد از ظهر کوچ کننـد و جایز نیست قبل از ظهر، و کسانی که در روز سـیزدهم کوچ می‌کننـد مختارنـد هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسائل متفرقهٔ بیتوته در منی

مسألهٔ ۱- اگر حـاجی صـبح دوازدهم به مکه بیایـد واجب نیست برای نَفْر، بعـد از ظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبـل از ظهر جایز نیست.
مسألهٔ ۲- در کـوچ کردن بعـد از ظهر روز دوازدهـم زنهـا هـم حکـم مردان را دارنـد؛ بنـا بر این اگر بـا عـذر از رَمْی در روز، شـب دوازدهم رَمْی کردند، نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند، مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.
مسألهٔ ۳- کسانی که در زمینهای متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می‌کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسـفند قربانی کننـد، هر چنـد اعتقاد پیـدا کرده باشـند که آنجا از منی است یا به گفته اشـخاص محلی، مطمئن شده باشند.

مسألهٔ ۴- اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منیٰ خارج شده و بعد از غروب به منیٰ مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رَمی روز سیزدهم بر او واجب نمی‌شود.

۵- س- بیتوتهٔ در منیٰ اگر در غیر منیٰ انجام شود چه صورت دارد، و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟

ج- باید قربانی کنند و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۲

۶- س- کسانی که مقداری از اول شب با عذر یا بدون عذر در خارج منیٰ بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسکْ احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره، و در تحریر احتیاط وجوبی؛ آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج- این احتیاط وجوبی است و ترک نشود.

۷- س- فرموده‌اید کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منیٰ نبود واجب است نصف دوم را در منیٰ بماند، آیا کفارهٔ ترک مَبیت را نیز باید بدهد؟

ج- باید کفاره هم بدهد.

۸- س- کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منیٰ باشد یا در مسجد الحرام مشغول عبادت گردد، در مسجد الحرام مشغول عبادت می‌شود، ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می‌زند و بیدار می‌شود، وظیفهٔ او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجد الحرام- زاده اللّه شرفاً- درست کرده‌اند، آیا شبهایی که باید یا در منیٰ بماند و یا در مسجد الحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آنجا و عبادت کردن کافی است یا نه؟

ج- اگر به قدری خواب می‌رود که صدق نمی‌کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و باید کفاره بدهد، و عبادت در هر جای مکه کافی است.

۹- س- این جانب شغلم حمله‌داری است؛ چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزء منیٰ است با حاجیها بیتوته نموده‌ام و سالهای بعد فهمیدم و برایم یقین حاصل شد جایی که سالهای قبل بیتوته نموده‌ایم

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۳

خارج از منیٰ است، آیا کفاره بر این جانب و همهٔ حجاج واجب است یا نه؟

و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفارهٔ حجاج بر عهدهٔ خودشان است یا بر عهدهٔ من؟ و آیا ابلاغ به حجاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد تکلیف چیست؟

ج- کفارهٔ ترک بیتوتهٔ خود شما بر شما واجب است، و کفارهٔ دیگران بر شما واجب نیست و لازم نیست به آنان اعلام نمایید، و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است؛ ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوتی دارد، نسبت به تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود.

۱۰- س- علامت‌گذاری حدود منیٰ در سالهای قبل با علامت‌گذاری الآن که به وسیلهٔ حکومت انجام گرفته فرق می‌کند، و این جانب که شغلم حمله‌داری است در سالهای قبل با حجاج در قطعه زمینی بیتوته کرده‌ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوتهٔ ما در خارج از منیٰ بوده، و اگر تعیین قبلی صحیح باشد، که ما یقین به آن داریم طبق علمیت قبلی و نظر پیروان اهل مکه بیتوتهٔ ما صحیح است؛ حال بنا بر اینکه تعیین حکومت صحیح باشد، آیا تکلیف ما نسبت به بیتوته سالهای قبل چیست؟ و در صورت وجوب کفاره، آیا ابلاغ به همهٔ حجاج لازم است یا نه؟ و آیا با توجه به اینکه در فرض مسأله بیتوته ترک نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجاج ضامن می‌باشم یا نه؟

ج- اگر در محلی بیتوته کرده‌اید که یقین به منیٰ بودن آن داشته‌اید تا یقین پیدا نکنید که خارج منیٰ بوده، قربانی لازم نیست و در

این صورت ابلاغ و اعلام لازم نیست.

۱۱- س- آیا کسانی که عذر دارند از رَمْیِ در روز، می توانند شب

مناسك حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۴

دوازدهم برای روز دوازدهم رَمْی کنند و از منیٰ به مکه بیایند و دیگر برنگردند به منیٰ، یا باید صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؟

ج- می توانند بعد از مَبیت واجب، خارج شوند و لازم نیست صبر کنند.

۱۲- س- قبلًا سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند می توانند شب دوازدهم رَمْی جمره نموده به مکه رفته و دیگر به منیٰ برنگردند، و حضرت عالی جواب فرموده‌اید: در صورت عذر اشکال ندارد، ولی قبل از نصف شب نباید بیرون بروند. با توجه به مسألهٔ فوق این سؤال مطرح می‌شود که آیا خدمهٔ کاروانها نیز برای پذیرایی از این قبیل زائرین می‌توانند به همراه آنان در شب رَمْی نموده و به مکه بروند و برای وقوف تا وقت شرعی روز دوازدهم دیگر به منیٰ برنگردند؟

ج- وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است، و اشخاص ذکر شده می توانند بعد از نصف شب از منیٰ بروند و روز دوازدهم برای رَمْی به منیٰ برگردند و لو بعد از ظهر، و اگر قبل از ظهر آمدند بعد از ظهر بیرون بروند؛ و رَمْی شب برای آنها کافی نیست.

۱۳- س- حاجی شب دوازدهم بعد از نصف شب از منیٰ خارج و به مکه می‌رود، روز بعد برای رَمْی به منیٰ می‌آید؛ آیا لازم است که قبل از ظهر به منیٰ بیاید یا چون وظیفه‌ای غیر از رَمْی ندارد بعد از ظهر هم می تواند بیاید؟

ج- لازم نیست قبل از ظهر به منیٰ بیاید، هر چند اگر قبل از ظهر بیاید نمی‌تواند قبل از ظهر کوچ کند.

مناسك حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۵

۱۴- س- مدیر کاروانی زنها را قبل از ظهر دوازدهم از منیٰ خارج نمود، وظیفهٔ آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمی‌توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منیٰ بمانند، چیست؟

ج- با فرض اینکه عذر داشته‌اند، مانع ندارد.

۱۵- س- مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منیٰ به عبادت مشغول می‌شود چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است، یا تا طلوع آفتاب؟

ج- تا طلوع فجر حساب می‌شود.

۱۶- س- بعد از اعمال ثلاثهٔ روز عید می‌خواهد برای طوافها به مکه برود، ولی می‌داند که اگر به مکه برود سه ساعت از مَبیت اول شب را درک نمی کند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج- رفتن از منیٰ به مکه در فرض مرقوم مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید کفاره بدهد.

مناسك حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۷

فصل هفتم: رَمْی جمرات سه‌گانه

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسألهٔ ۱- شبهایی که واجب است در منیٰ بیتوته کند باید در روز آنها رَمْی جمرات سه‌گانه کند؛ یعنی سنگریزه بزند به سه محل،

که یکی را جمره اولی و یکی را جمرهٔ وسطی و یکی را جمرهٔ عقبه گویند؛ ولی اگر عمداً همهٔ آن را ترک کند به حج او ضرر نمی‌رساند و صحیح است، گرچه در صورت عمد معصیت‌کار است.

مسألهٔ ۲- اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم، رَمْی جمرات کنند.

مسألهٔ ۳- عدد سنگریزه که باید به جمره بزنند برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمرهٔ عقبی گفته شد.

مسألهٔ ۴- وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است، و در شب جایز نیست به جا آورد.

مسألهٔ ۵- اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه روز به جا آورد؛ مثل

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۸

شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی، مثل تزاحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

مسألهٔ ۶- واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه اول به جمرهٔ اولی و بعد از آن به جمرهٔ وسطی و بعد از آن به جمرهٔ عقبه سنگ بیندازد.

مسألهٔ ۷- اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیاورد باید دوباره آنچه که بر خلاف ترتیب کرده، به جا آورد به طوری که ترتیب حاصل شود؛ مثلًا اگر اول به جمرهٔ وسطی انداخت و بعد به جمرهٔ اولی، کفایت می‌کند که جمرهٔ وسطی را دوباره به جا آورد و بعد جمرهٔ عقبه را و اعادهٔ جمرهٔ اولی لازم نیست.

مسألهٔ ۸- در حکمی که در مسألهٔ هفتم ذکر شد، فرق نیست میان آنکه از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسأله، در هر صورت باید اعاده کند.

مسألهٔ ۹- اگر کسی چهار سنگ به جمرهٔ اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمرهٔ بعدی بشود کافی است، و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد؛ پس می‌تواند چهار سنگ به جمرهٔ اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمرهٔ وسطی و بعد مشغول جمرهٔ عقبه شود و به هر ترتیب می‌خواهد هفت سنگ جمرهٔ عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را بیندازد، لکن احتیاط واجب از برای کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده است اعاده است.

مسألهٔ ۱۰- اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رَمْی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند، و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند، و همچنین است اگر از روی عمد ترک کرده باشد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۰۹

مسألهٔ ۱۱- واجب است قضا را مقدم بدارد بر ادا؛ پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را به جا بیاورد اول قضای عید را به جا آورد و بعد رَمْی روز یازدهم را که ادا است، و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلًا بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

مسألهٔ ۱۲- چنانچه قضای رمی جمرات سه‌گانه واجب است قضای رَمْی بعض از آنها هم اگر ترک شده باشد واجب است؛ پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رَمْی کرد و دوتای دیگر را نکرد، روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این روز را به جا آورد.

مسألهٔ ۱۳- اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته باید قضا کند، به طوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسألهٔ ۱۴- اگر به هر یک از جمرات یا بعض آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفهٔ روز را به جا آورد.

مسألهٔ ۱۵- اگر کسی فراموش کند رَمْی جمرات سه‌گانه را و خارج شود از منیٰ و به مکه بیاید، پس اگر در ایام تشریق یادش آمد بایـد برگردد و به جا آورد و اگر متمکن نیست بایـد نایب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد، و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۰

مسألهٔ ۱۶- اگر فراموش کرد رَمْی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه، احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را خودش یا نایبش.

مسألهٔ ۱۷- کسی که بعض از جمرات را فراموش کنـد حکمش همان است که در مسأله ۱۵ و ۱۶ ذکر شد؛ بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعض آن انداخت همین حکم را دارد بنا بر احتیاط واجب.

مسألهٔ ۱۸- کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ، مثل آنکه مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رَمْی کند، یا علیل باشد مثل آنکه دست یا پایش شکسته باشد، یا از شدت بیحالی نتواند، یا بیهوش باشد، باید نایبش به جا آورد و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد، مثل بیهوش و طفل کوچک، ولیّ او یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد، و احتیاط واجب آن است که تا مأیوس نشده از اینکه خودش عمل کند، نایب عمل نکند و بهتر آن است که اگر می‌شود شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی کنند، و اگر می‌شود سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

مسألهٔ ۱۹- اگر بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد عذر برطرف شد، آوردن خودش لازم نیست اگر چه احوط است.

مسألهٔ ۲۰- اگر شخص مریض مأیوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور مأیوس باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد، و اگر مأیوس نیست می‌تواند نایب بگیرد، لکن اگر عذر رفع شد، احتیاط آن است که خودش عمل کند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۱

مسألهٔ ۲۱- اگر دیگران مأیوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند اگر چه احوط است، و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.

مسألهٔ ۲۲- اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رَمْی کند شک کند که به جا آورده یا نه، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۳- اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۴- اگر در وقتی که مشغول رَمْی جمرهٔ عقبه است شک کنـد که اولی را یا دومی را یا هر دو را رَمْی کرده یا صحیح انجام داده یا نه، اعتنا نکند.

مسألهٔ ۲۵- اگر در عدد، شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، قبل از آنکه داخل شود در رَمْی جمرهٔ بعدی، باید آنچه محتمل است که کسر شده، بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب.

مسألهٔ ۲۶- اگر بعد از گذشتن روزی که باید رَمْی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رَمْی نکرده، ظاهراً جایز است اکتفا به قضای رَمْی جمرهٔ عقبه کند، و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.

مسألهٔ ۲۷- اگر بعد از آنکه داخل در جمرهٔ بعدی شد شک کند در عدد قبلی، پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعض از آنها را انداخته یا نه، به احتیاط واجب بقیه را اتیان کند، اگر چه بعد از اتیان جمرهٔ بعدی، و اگر در کمتر

از چهار، شک داشته باشد تا مقدار چهار اعتنا نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۲

مسألهٔ ۲۸- اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده، باید هر چه را احتمال کسری داده به هر یک از سه جمره بزند.

مسألهٔ ۲۹- اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه یقین کند که یکی از آنها را از چهار کمتر انداخته بعید نیست جواز اکتفا به کسری جمرهٔ آخری، و احتیاط آن است که جمرهٔ آخری را از سر بگیرد، و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد.

مسألهٔ ۳۰- اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که یک روز را رَمْی نکرده و نداند کدام روز است، باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب، گرچه به احتمالی اکتفا به قضای روز آخر جایز است.

مسائل متفرقهٔ رَمْی

مسألهٔ ۱- زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند، اگر از رَمْی در روز معذورند می‌توانند شب رَمْی کنند؛ بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رَمْی نمایند.

مسألهٔ ۲- در طبقه دوم جمرات، رَمْی جایز است و لازم نیست در طبقه اول رَمْی نمایند.

مسألهٔ ۳- کسانی که عذر دارند از اینکه روز عید رَمْی کنند می‌توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رَمْی کنند، و اگر از رَمْی روز یازدهم نیز معذورند می‌توانند بعد از رَمْی به جای روز عید، در شب یازدهم رَمْی روز یازدهم را هم انجام دهند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۳

۴- س- کسانی که با عذر از رَمْیِ در روز می‌توانند شب رَمْی کنند، آیا لازم است شب رَمْی کنند، یا می‌توانند همان روز نایب بگیرند؟

ج- می‌توانند نایب بگیرند.

۵- س- چنانچه کسانی صبح روز دهم از رَمْی کردن معذور باشند، ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رَمْی هستند، بفرمایید: از صبح می‌توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رَمْی نمایند؟

ج- اگر می‌توانند در روز رَمْی کنند، نمی‌توانند نایب بگیرند.

۶- س- آیا بدون عذر می‌توان در شب رَمْی کرد یا کافی نیست، و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است، و همچنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هر چند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج- بدون عذر، رَمْی در شب واقع نمی‌شود و اگر بدون عذر رَمْی در روز را ترک نماید گناه کرده است، و همچنین معصیت نموده است علی الاحوط اگر ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد هر چند ذبح صحیح است.

۷- س- کسی که در رَمْی جمرات نایب شده، آیا می‌تواند شب رَمْی کند یا نه؟ و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می‌دانسته که نمی‌تواند رَمْی کند، یا نمی‌تواند روز رَمْی کند، و یا در رَمْی در روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج- نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد نمی‌تواند نایب شود، و کسی که در رَمْی نایب شده باید روز رَمْی کند، و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۴

مسامحه و اهمال موجب بطلان نیابت نیست، هر چند در فرض سؤال جایز نیست.

۸- س- شخصی که خود معذور است و نمی‌تواند رَمْی جمرات نماید، آیا می‌تواند شخص دیگری را که برای او هم رَمْی در روز

مقدور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رَمْی نماید، و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رَمْی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج- در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رَمْی نماید، و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند، و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

۹- س- در رَمْی جمرات اگر سنگریزه، اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگریزهٔ دیگر بزنند؟

ج- ظاهراً کافی است.

۱۰- س- شخصی وقت رَمْی جمرات شک کرد که چند سنگ زده‌ام، پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا رَمْی او اشکال دارد یا نه؟

ج- اشکال ندارد هر چند رها نمی‌شود.

۱۱- س- اینکه فرموده‌اید کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مشعر و رَمْی در شب دهم برای زنان جایز است و نَفْسِ زن بودن عذر است، آیا با این حال زنان می‌توانند نایب شوند؟

ج- می‌توانند نایب باشند.

۱۲- س- در زمان قدیم که جمرات به صورت فعلی نبوده است و

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۵

یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است؛ بنا بر این در جمرهٔ عقبه چرا رَمْی کردن مخصوص به آن سنگچین وسط دیوار سیمانی است و رَمْی به دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز می‌دانید بفرمایید؛ زیرا که اکثر مردم در جمرهٔ عقبه اکتفا به دیوار سیمانی دو طرف سنگچین می‌کنند و خلاصه، ملاک رَمْی در جمرات چیست؟

ج- دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست و رَمْی آن کافی نیست.

۱۳- س- اگر مردی که می‌تواند در روز رَمْی نماید، برای رَمْی زنی نایب شود، آیا می‌تواند رَمْی زن را در شب انجام دهد؟

ج- نمی‌تواند و باید رَمْی را در روز انجام دهد.

۱۴- س- افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش و لو عمداً مضر به حج نیست، مثل رَمْی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مبیت به منیً در شبهای یازدهم و دوازدهم، آیا می‌توانند اجیر شوند و نیابت کنند، یا نمی‌توانند؟

ج- ذوی الاعذار نمی‌توانند نایب شوند، حتی اگر از مثل مذکورات عذر داشته باشند.

۱۵- س- کسی که به نیابت دیگری رَمْی جمره می‌کند، آیا کافی است که اول برای خودش هر جمره‌ای را رَمْی کند و پس از آن به نیابت دیگران و لو ده نفر باشند یکجا رَمْی کند، بعد جمرهٔ وسطی را هم همین طور و در پایان برای جمرهٔ عقبه نیز چنین کند، یا اینکه باید اول هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی، و همچنین نسبت به دیگران رَمْی نماید؟

ج- هر دو صورت صحیح است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۶

۱۶- س- کسی که نمی‌تواند در روز عید رَمْی کند، آیا می‌تواند قبل از رَمْی، حَلْق نماید و روز دیگر رَمْی کند؟

ج- جایز نیست علی الاحوط.

۱۷- س- آیا جمرهٔ عقبه را از هر طرف می‌توان رَمْی نمود؟

ج- اگر به جمره بزنند کافی است، ولی رَمْی دیوار کفایت نمی‌کند.

۱۸- س- سنگریزه‌هایی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده‌اند و معلوم نیست که آیا از حرم است

یا از خارج از حرم، آیا می‌توان از آنها برای رَمْی استفاده نمود؟

ج- اگر معلوم است که از خارج آورده‌اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آنکه طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

۱۹- س- شخصی رَمْی جمرهٔ عقبه را در روز عید غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه می‌شود، آیا بعد از قضای جمرهٔ عقبه، باید رَمْی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

ج- لازم نیست.

۲۰- س- آیا زیاده از هفت رَمْی، مُخِلّ به رَمْی است؟

ج- اگر از اول قصد زیادتر از هفت داشته باشد صحیح نیست و باید رَمْی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

۲۱- س- کسی که نتوانسته ذبح کند، و حَلْق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا می‌تواند رَمْی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج- مانع ندارد.

۲۲- س- زنی که احتمال بدهد رَمْی باعث قاعدگی او می‌شود، آیا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۷

کافی است در رَمْی نایب بگیرد؟

ج- اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد، عذر محسوب می‌شود و می‌تواند نایب بگیرد.

۲۳- س- آیا می‌شود که زنها را شب دهم بعد از نصف شب از مَشْعَر به منیٰ بیاورند و همان شب آنان را به جمرهٔ عقبه ببرند و رَمْی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند تا شب دوازدهم هم رَمْی روز یازدهم را انجام دهند و هم رَمْی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج- برای زنها رَمْی جمرهٔ عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منیٰ در همان شب عید قربان مانع ندارد؛ ولی رَمْی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رَمْی روز معذور باشند.

۲۴- س- اگر کسی می‌داند یک روز رَمْی را ترک کرده است، ولی نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم یا دوازدهم، وظیفه‌اش چیست؟

ج- احوط آن است که رَمْی سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه انجام دهد؛ اگر چه در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رَمْی جمره عقبه واجب نیست.

۲۵- س- شخصی در رَمْی جمرات چنین تصور می‌کرده است که باید سنگریزه به خود سنگهای نصب‌شدهٔ جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگها که به وسیلهٔ آن ملات، بندکشی شده است؛ لذا برای اطمینان که به خود سنگها بخورد یازده سنگریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رَمْی صحیح محسوب داشته است، آیا این رَمْی صحیح است یا نه؟

ج- اگر مواردی را که شک داشته احتیاطاً زده، مانع ندارد، و چنانچه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۸

شک نداشته و قصد زیاده هم نداشته است صحیح است، هر چند در این صورت احتیاط مطلوب است.

۲۶- س- شخصی روز عید قربان برای رَمْی جمرهٔ عقبه رفته است و انجام داده، ولی دو روز بعد را در اثر کسالت وکالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رَمْی جمرات رفته، ولی اول رَمْی جمرهٔ عقبه نموده بعداً برگشته از جمرهٔ اولیٰ شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم، و جمرهٔ وسطی را همچنین دوازده سنگ زده و جمرهٔ عقبه را نیز دوازده سنگ زده است و الآن به ایران برگشته است، وظیفهٔ او چیست؟

ج- اگر کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده عمل او صحیح است و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم صحیح نیست.

مستحبات منیٰ

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منیٰ بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منیٰ بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منیٰ بعد از پانزده نماز، و در غیر منیٰ بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند، و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

اللّهُ أکْبَرُ اللّهُ أکْبَرُ، لا إلَهَ إلّا اللّهُ وَ اللّهُ أکْبَرُ، اللّهُ أکْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ، اللّهُ أکْبَرُ عَلیٰ ما هَدانا، اللّهُ أکْبَرُ عَلیٰ ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَةِ الأنْعامِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلیٰ ما

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۱۹

أبْلانا.

و مستحب است مادامی که در منیٰ اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «لا إلهَ إلَّا اللّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد، و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

[فصل هشتم: بقیهٔ مسائل]

مستحبات دیگر مکهٔ معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکهٔ معظمه از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن؛

۲. ختم نمودن قرآن؛

۳. خوردن از آب زمزم، و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَ رِزْقاً واسِعاً وَ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ.

و نیز بگوید:

بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ الشُّکْرُ لِلّهِ.

۴. نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن؛

۵. در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف؛

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۰

۶. هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند؛

۷. به خانهٔ کعبه داخل شود، خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتُ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً فَآمِنِّی مِنْ عَذابِ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد؛ در رکعت اول بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸. دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

اللَّهُم مَنْ تَهَیَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إلی مَخْلُوْقٍ رجاء رِفْدِهِ وَ جائِزَتِهِ وَ نَوافِلِهِ وَ فَواضِلِهِ فَالَیْکَ یا سَیِّدی تَهْیِئَتِی وَ تَعْبِئَتی وَ إعْدادِی وَ اسْتِعْدادی، رَجاءَ رِفْدِکَ وَ نَوافِلِکَ وَ جائِزَتِکَ، فَلا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ رَجائِی، یا مَنْ لا یَخِیْبُ عَلَیْهِ سائِلٌ، وَ لا یَنْقُصُهُ نائِلٌ، فَاِنِّی لَمْ آتِکَ الْیومَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لکِنْ أتَیْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلی نَفْسِی، فَاِنَّهُ لا حُجَّةَ لِیْ وَ لا عُذْرَ، فَأسْأَلُکَ یا مَنْ هُوَ کَذلِکَ أنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آل مُحمَّدٍ، وَ أنْ تُعْطِینَی مَسْأَلَتِیْ، وَ تُقیلَنی عَثْرَتی، و تَقْلِبَنی بِرَغْبَتِ، وَ لا تَرُدَّنِی مَجْبُوْهاً مَمْنوعاً وَ لا خائِباً، یا عَظیمُ یا عَظِیْمُ یا عَظیْمُ، أرْجُوْکَ لِلْعَظیْمِ، أسْألُکَ یا عَظِیْمُ أنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیْمَ، لا إلهَ إلّا أنْتَ.

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللّهُ اکْبَرُ» بگوید پس بگوید:

اللَّهُمَّ لا تُجهِدْ بَلاءَنا رَبَّنا، وَ لا تُشْمِتْ بِنا أعْداءَنا فَإِنَّکَ أنْتَ الضَّارُّ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۱

النَّافِعُ.

بعداً پائین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده

بدان که بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسور باشد، مستحب است عمرهٔ مفرده به جا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمرهٔ سابق خلاف است، و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یک ماه به قصد رجا به جا بیاورد و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمرهٔ مفرده ذکر شد.

طواف وداع

بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجر الأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلًا برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجر الأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای إلهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُوْلِکَ، و نَبِیِّکَ وَ امینِکَ، و حَبِیبِکَ وَ نَجِیِّکَ، وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، اللَّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالاتِکَ، وَ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۲

جاهَدَ فی سَبِیلِکَ‌ضض، وَ صَدَعَ بِأمْرِکَ، وَ اوْذِیَ فِیکَ وَ فِی جَنْبِکَ حَتّی أتاهُ الْیَقْینُ، اللَّهُمَّ أقْلِبْنِیْ مُنجِحاً مُفْلِحاً مُسْتَجاباً لِی، بِأفْضَلِ ما یَرْجِعُ بِهِ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ المَغْفِرَةِ وَ الْبَرَکَةِ وَ الرِّضْوانِ وَ الْعافِیَةِ.

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد

و وقت بیرون رفتن، یک درهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

مسائل متفرقه

مسألهٔ ۱- در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسألهٔ ۲- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود، جایز است، و سنگهایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول اللّه، صلّی اللّه علیه و آله و سلّم».

مسألهٔ ۳- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

مسألهٔ ۴- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست، بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۳

مسجد هم جاری است هر چند احتیاط، اقتصار بر مسجد اصلی است؛ پس در تمام مسجد فعلی مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می‌تواند شکسته بخواند.

مسألهٔ ۵- در تقصیرهایی که در عمرهٔ تمتع کرده است، احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر در حج تقصیر کرد در منیٰ سر ببرد، و اگر ترک کرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

مسألهٔ ۶- کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می‌کرد مُحرم شد، نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش به هم نمی‌خورد، و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود، و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد.

مسألهٔ ۷- اگر به واسطهٔ عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامهٔ دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده، بپوشد و لازم نیست به میقات برگردد؛ ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

مسألهٔ ۸- کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود، کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۴

و علم موجب کفاره است.

مسألهٔ ۹- عمرهٔ تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمرهٔ تمتع به جا آورد و در سال دیگر حج تمتع، صحیح نمی‌باشد.

مسألهٔ ۱۰- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است باید در حالی که می‌خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمرهٔ تمتع کند و بعد از آن حج تمتع اگر چه نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمرهٔ مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمرهٔ تمتع قرار دهد، حج او اشکال پیدا می‌کند.

مسألة ۱۱- اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع شک کند که عمرهٔ تمتع را به جا آورده یا نه، یا شک کند که صحیح به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و عملش صحیح است.

مسألة ۱۲- در هر یک از اعمال عمره و حج اگر شک کند، بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست، اعتنا نکند، چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد.

مسألة ۱۳- باید عمرهٔ تمتع و حج تمتع هر دو در ماههای حج واقع شود، و ماههای حج، شوال و ذی القعده و ذی الحجه است؛ پس اگر کسی در شوال یا ذی القعده عمرهٔ تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمرهٔ تمتع به جا آورد صحیح نیست، اگر چه بعض اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماههای حج.

مسألة ۱۴- کسی که به احرام عمرهٔ تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمرهٔ مفرده کند، و به همان احرامی که بسته، عمرهٔ

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۵

مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسألة ۱۵- شرایطی که برای هَدْی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ یک در حیوانی که برای کفارهٔ تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست، پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

مسألة ۱۶- غیر از هَدْی تمتع از هَدْی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می‌شود، نمی‌تواند شخص کفاره‌دهنده از گوشت آنها بخورد، و اما از قربانی استحبابی، جایز است بخورد.

مسألة ۱۷- مصرف کفارات، فقرا و مساکین هستند.

مسألة ۱۸- اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برنداشتن است.

مسألة ۱۹- اگر (لقطهٔ) حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می‌تواند قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند، و ضامن صاحبش نیست، و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست؛ ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

مسألة ۲۰- اگر لُقَطهٔ را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال مخیر است بین دو امر: یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند؛ در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف؛ دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۶

صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد، و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

مسألة ۲۱- کسی که بعد از مُحرم شدن نتوانسته باشد وظیفه‌ای انجام دهد که مُحل شود، اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفهٔ آنها که در آخر مناسک ذکر شده عمل نماید، و اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمرهٔ مفرده می‌تواند مُحل شود.

مسألة ۲۲- در مسجد النبی- صلی اللّه علیه و آله و سلم- سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند؛ ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد،

لکن تأکید می‌شود که از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب نمایند.

۲۳- س- در مسجد النبی- صلی اللّه علیه و آله و سلم- بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می‌توان روی فرشهای مسجد سجده نمود، و یا اینکه باید برود در جایی که سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج- لازم نیست به جای دیگر که سنگ مفروش است برود.

۲۴- س- کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج- با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۷

۲۵- س- در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینهٔ منوره و یا مکهٔ معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می‌تواند نماز را فرادی بر طبق شرایط موجود به جای آورد، یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج- می‌تواند در همان جا و بر طبق نماز آنان به جا آورد.

۲۶- س- حصیرهایی که در حجاز مورد استفادهٔ حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظهٔ اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج- اگر عرفاً روی حصیر سجده می‌شود مانع ندارد.

۲۷- س- اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو، و عدم رعایت اتصال و ...، آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج- اعاده دارد.

۲۸- س- آیا حائض و جنب می‌توانند از مقدار توسعه‌یافتهٔ مسجد الحرام و مسجد النبی- صلی اللّه علیه و آله و سلم- عبور کنند یا خیر؟

ج- نمی‌توانند.

۲۹- س- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج- مانع ندارد، و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۸

۳۰- س- کسی خیال می‌کرد که بر سنگهای فرش شده در مسجد الحرام- زاده اللّه شرفاً- سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می‌کرده است، نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج- صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

۳۱- س- در لیالی مقمره در مکه کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می‌خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده‌اند کافی است؟

ج- در فرض مرقوم جماعت صحیح است و اعاده ندارد.

۳۲- س- کسی که قصد کرده است که تا پایان روز ترویه (هشتم ذی الحجه) در مکه اقامت نماید، به تصور اینکه از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویه ده روز است، و بر این اساس چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز

نبوده است، وظیفهٔ او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

ج- اگر واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل اینکه یقین داشت که ماه سی روز است و روز ترویه، مثلًا سه‌شنبه است، بعداً معلوم شد ماه ۲۹ روز است و روز ترویه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و اگر واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می‌کند که ده روز می‌ماند، مثل اینکه می‌داند ماه ۲۹ روز و ترویه دوشنبه است ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می‌کند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعاً نیست، باید بعد از کشف خلاف، نمازها را جمع بخواند علی الاحوط و آنچه تمام خوانده را نیز قصراً قضا نماید.

۳۳- س- شخصی مقلد هیچ یک از فقها نبوده- مثلًا ده سال- حالا

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۲۹

می‌خواهد تقلید کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادتهای او مثل نماز و روزه و حجش صحیح است یا نه؟

ج- اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.

۳۴- س- قرآنهایی که در مسجد الحرام است بر بعضی نوشته شده که وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است؛ شایع است آنها که کلمهٔ وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد، جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج- برداشتن آنها بدون اینکه از متصدی ذیربط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

۳۵- س- آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می‌شود با خود آورد یا نه؟

ج- از صفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد.

۳۶- س- نیت تیمم از حدث اکبر در مَسْجِدَین چیست؟

ج- اگر در مسجد جنب شده باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند، و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.

۳۷- س- در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می‌کنند و بعد با ظرف آب می‌ریزند و می‌شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج- علم پیدا نمی‌شود، و با فرض شک نباید اعتنا شود.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۰

۳۸- س- شخصی بدون اینکه خمس مال خود را بپردازد به حج رفته است و الآن می‌خواهد بپردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج- اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله مراجعه شود.

۳۹- س- این جانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانهٔ خدا مشرف خواهم شد، لازم به یادآوری است که هزینهٔ این سفر را از پولهایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس‌انداز به ما داده پرداخته‌ایم؛ قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس نپرداخته است، خواهشمندم مرقوم بفرمایید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا می‌کند؟

ج- اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید حج اشکال ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید، لازم است احرام و

قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.

۴۰- س- فرموده‌اید: اگر از طرف قاضـی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشـته باشیم متابعت آنان جایز است، آیـا اگر در همین فرض بتوان احتیـاط کرد و وقوف عرفات و مشـعر و اعمال منیٰ را بـدون محـذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج- باید تبعیت کنند و لو با علم به خلاف.

۴۱- س- آیا شخص فقیر می‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور او هستند برساند؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۱

ج- برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی‌شود صرف نمود.

۴۲- س- کفاراتی که در احرام عمرهٔ تمتع بر گردن انسان می‌آیـد در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟

ج- تأخیر عمدی خلاف احتیاط است، و در هر صورت ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می‌کند.

۴۳- س- اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی‌داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفهٔ او چیست؟

ج- با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الاحوط.

۴۴- س- زنی به همراه شوهرش در روز یـازدهم جهت رَمْی به طرف جمرات حرکت می‌کنـد که بر اثر شـدت گرمی هوا و کـثرت جمعیت شوهر خود را گم می‌کند، حالت اضـطراب و شوکه شدن به او دست می‌دهد و به زمین می‌افتد؛ مأمورین او را به بیمارستان منتقل می‌کننـد بعـد از چهار روز تفحص و جسـتجوی زیاد در بیمارسـتان پیـدا می‌شود که قادر به سـخن گفتن نبوده و حتی قادر به انجام بقیـهٔ اعمال حـج نمی‌باشـد و در فاصـلهٔ این مـدت همراهان او شوهرش را تکلیف می‌کنند که به نیابت از خانوادهٔ خودش بقیهٔ اعمـال او را انجـام دهـد؛ آنچه مسـلم است این بوده که شوهر در حـال نـاراحتی و اضـطراب و حواس‌پرتی بوده ولی از او که سؤال می‌شود اعمال نیابتی را انجام دادیـد یا نه؟ جواب می‌دهد: بلی، انجام دادم. پس از مراجعت از حج، شوهرش قسم جلاله یاد می‌کند که من حالم بجا نبوده و اعمال نیابتی را انجام ندادم و اظهار می‌کند که اجتماع ما با هم حرام است،

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۲

آیا حـج صـحیح است یا نه؟ و در صورت عـدم صـحت، آیا با نیابت کفایت می‌کنـد، یا اینکه لازم است خودش بقیـهٔ اعمال حج را انجام دهـد، و قربانی که به واسـطهٔ عـدم بیتوته در منیٰ می‌باشـد، آیا در محل خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منیٰ فرسـتاده شود؟

ج- اگر اعمال روز عیـد را انجام داده و اعمال مکه را انجام نـداده در صورتی که می‌تواند خودش به مکه برود، باید خودش آنها را انجام دهد، و اگر معذور است نایب بگیرد و قربانی مورد سؤال در محل خودش هم صحیح است، و لازم نیست به منیٰ فرستاده شود و رَمْی ایامی که انجام نشده، سال بعد باید قضا شود، و اگر خودش نمی‌تواند برود نیابت کافی است.

۴۵- س- شخصی در سال ۱۳۶۱ به حج مشرف می‌شود و در مغرب روز نهم ذیحجه با وانتِ کارگری بدون توقف در مشعر الحرام به منیٰ رفته، و در خـارج منیٰ به دست غیر مؤمن قربانی کرده، و در خارج منیٰ سـر تراشـیده است، تکلیف این شـخص چیست؟ آیا می‌تواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟

ج- بنا بر احتیاط واجب باید قربانی و سـر تراشـی و اعمال مکه را اعاده کند و عمره مفرده‌ای هم به جا آورد و دو مرتبه اصل حج را هم انجام دهد و تا سر تراشی و اعمال بعد از آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، باقی بر احرام است.

۴۶- س- آیا در عرفات و منیٰ و مَشْعَر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود، وظیفهٔ حجاجی

که قبلًا در مکهٔ معظمه قصد اقامت کرده‌اند از حیث قصر و اتمام چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۳

ج- در فرض مذکور تمام است.

۴۷- س- بعضی از حجاج در مکه قصد اقامه کرده‌اند، چه بطن مکه یا محلات آن، مثل شیشه و ربع الذاخر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ است نماز را قصر، و اگر شک داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام می‌خوانند، بفرمایید در مراجعت از عرفات و منی، تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست؟ با توجه به اینکه توقف آنان در مکه یک روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند.

ج- در صورت عدم مسافت شرعیه یا شک در آنکه در نماز باقی بر تمام هستند، اگر از عرفات که به مکه برمی‌گردند، از جهت اینکه محل اقامه است می‌روند و بعد از مکه قصد مسافرت می‌کنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است.

۴۸- س- اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج- فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

۴۹- س- در مواردی که فرموده‌اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد ...

بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج- باید خصوص مسأله ملاحظه شود، و اگر حکم دایر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

۵۰- س- حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داده و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از احرام خارج شود، و وظیفهٔ او چیست؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۴

ج- بلی، با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است.

۵۱- س- اگر شخصی مبلغی ارْز به فردی بدهد که عوض آن را- به قیمت دولتی یا آزاد- پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج- در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند، و خلاف مقررات هم نباشد.

۵۲- س- پیشاهنگانی که می‌خواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند و نمی‌توانند در آنجا با احرام باشند، می‌توانند برای ورود به مکه، عمرهٔ مفرده انجام دهند و برای حج مُحرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع به جا آورد، و در هر صورت اگر مُحرم شد و با لباس مَخیط بود حج او صحیح است و باید کفاره بدهد.

۵۳- س- شخصی بعد از احرام عمرهٔ تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برای او نایب می‌گیرند و یا تبرعاً باقی اعمال او را انجام می‌دهند، آیا این اعمال برای شخص اول مُجزی است و از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می‌شود از ولیّ کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج- نیابت مزبور کفایت نمی‌کند، و شخص اول همچنان در احرام باقی است، و پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی‌تواند به دیگری رجوع کند، مگر آنکه مغرور شده باشد.

۵۴- س- آیا عمره و حج به واسطهٔ جماع، یا ترک طواف، یا ترک أَحْدَ المُوقِفَین، فاسد می‌شود یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از احرام خارج شود؟

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۵

ج- تفصیل موارد فساد به واسطهٔ امور ذکر شده، در مناسک موجود است و جماع در عمرهٔ تمتع مفسد نیست، و چنانچه در حج، فساد به واسطهٔ جماع باشد، باید عمل حج را تمام کند گرچه حج فاسد است، و با اتمام حج از احرام خارج می‌شود؛ ولی در موارد

دیگر، اگر فساد به ترک وقوف باشـد، بایـد به همان احرام حج، عمرهٔ مفرده به جا آورد و مُحل شود، و حکم ترک طواف در عمرهٔ تمتع در مناسک مفصلًا بیان شده است و ترک طواف در حج صوَری دارد که بعض آنها در مناسک ذکر شده است.

۵۵- س- کسـی که حج او به واسـطه ترک وقوفین فاسد شده و باقی اعمال را به جا آورده و بدون عمرهٔ مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آیندهٔ این مُحرم چیست؟

ج- به احرام باقی است، و می‌تواند برای خروج از احرام، عمرهٔ مفرده انجام دهد.

۵۶- س- آیا قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزای آن مبطل است یا نه؟

ج- قصد ابطال، مبطل نیست.

۵۷- س- آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد، جایز است یا نه؟

ج- اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود، در صورتی محکوم به حلیت است که واردکننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تزکیهٔ آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۶

حکم محصور و مصدود

مسألهٔ ۱- مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می‌آید، و محصور آن است که به واسطهٔ مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

مسألهٔ ۲- کسی که مُحرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند، و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

مسألهٔ ۳- اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است، یا اگر باشد مئونهٔ آن را نداشته باشد، می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد و در این صورت بر او همه چیز حلال می‌شود، حتی زن.

مسألهٔ ۴- اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

مسألهٔ ۵- کسی را که به واسطهٔ بدهکاری- که ندارد بدهد- حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسألهٔ ۶- اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازهٔ بجاآوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید بدهد مگر آنکه

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۷

حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

مسألهٔ ۷- اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد باید عمرهٔ مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

مسألهٔ ۸- اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی‌رسد، نمی‌تواند عمل شخص مصدود را بکند و مُحلّ شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمرهٔ مفرده متحلل شود.

مسألهٔ ۹- تحقق پیدا می‌کند مصدود بودن در حج به اینکه به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می‌کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می‌شود هر چند از روی علم و عمد نباشد، و صور آن سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به اینکه بعد از وقوفین منع کنند او را از منیٰ و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منیٰ یا اعمال مکه با عدم امکان نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و منع نمودند از برگشتن به منیٰ برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال، و اگر نشد سال دیگر.

مسألهٔ ۱۰- کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی به ترک آنها حتی به غیر عمد، حج باطل می‌شود، و به

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۸

دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بود یا آنکه در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده، باید بعد از رفع منع دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حَجهٔ الاسلام نیست.

مسألهٔ ۱۱- کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد، بلکه گمان آن را هم داشته باشد می‌تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسألهٔ ۱۲- کسی که احرام عمره بست و به واسطهٔ مرض نتوانست برود به مکه، اگر بخواهد مُحلّ شود باید هَدْی کند، و به احتیاط واجب هَدْی یا پول آن را بفرستد به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح، قصد تحلیل منوبٌ عنه کند.

مسألهٔ ۱۳- کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر باید هَدْی کند، و به احتیاط واجب هَدْی یا پول آن را باید بفرستد به منیٰ که در آنجا ذبح کنند، و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هر چه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن.

مسألهٔ ۱۴- کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطهٔ مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج را به جا بیاورد و طواف نساء بکند؛ ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۳۹

نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او؛ و اما کسی که حج او استحبابی بوده بعید نیست کفایت طواف نایب از او، و لکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.

مسألهٔ ۱۵- اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند، نکرده بوده و شخص مُحرم در روز موعد محلّ شد و با زن هم نزدیکی کرد، معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لکن باید باز هَدْی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند، و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده اجتناب کند، گرچه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می‌فرستد برای ذبح.

مسألهٔ ۱۶- تحقق محصور بودن مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

مسألهٔ ۱۷- اگر مریض بعد از آنکه هَدْی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد، به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت باید برود، پس اگر مُحرم به احرام تمتع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را به جا می‌آورد، و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد وقوف به عرفات فوت می‌شود باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد، و احتیاط آن است که قصد

عدول کند، و بعد از آن عمرۀ مفرده بکند و کافی است از حَجّة الاسلام؛ و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده؛ یعنی به وقت اختیاری مشعر نمی‌رسد عمرۀ او مبدّل می‌شود به عمرۀ مفرده و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود، و احتیاط آن است که قصد عدول به عمرۀ مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر به جا آورد.

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۴۰

مسألۀ ۱۸- مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند او است.

مسألۀ ۱۹- کسانی که مریض نیستند لکن به علت دیگر بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند، مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده، بعید نیست حکم مریض را داشته باشند لکن مسأله مشکل است؛ بنا بر این احتیاط آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند، پس اگر حج فوت شده عمرۀ مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند، و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

مسألۀ ۲۰- زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب، و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد، و در احرام عمرۀ تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

و الحمد للّه اولًا و آخراً و ظاهراً و باطناً و السلام علی محمد و آله الطیبین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

مسائل متفرقه محصور و مصدود

۱- س- شخصی به نیت عمرۀ تمتع استحبابی برای یکی از معصومین (ع) یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را به جا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج- اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده، و نمی‌تواند اعمال را تمام

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۴۱

کند و نایب هم نمی‌تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

۲- س- آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می‌دهد به جا آورد؟

ج- بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می‌شود.

۳- س- در مناسک حکم محصور را که بیان فرموده‌اید، مربوط است به کسی که مُحرم شده است و قبل از مُحل شدن محصور شود، در اینجا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمرۀ تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود، آیا حج از او ساقط است یا نه؟ و وظیفۀ او چیست؟

ج- از احرام خارج شده است ولی کفایت از حج نمی‌کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.

۴- س- شخصی بعد از آنکه برای حج مُحرم شده دچار سکتۀ قلبی می‌شود به گونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفۀ او چیست؟

ج- اگر نمی‌تواند وقوفین را درک کند حکم محصور را پیدا می‌کند، و چنانچه وقوفین را درک کرده نسبت به بقیۀ اعمال، تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

۵- س- شخصی در مدینه مصدوم می‌شود او را به مسجد شجره می‌آورند و مُحرم می‌نمایند، آیا احرام او صحیح است و وظیفۀ بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

ج- احرام او صحیح است، و اگر می‌تواند که عمره و حج را انجام دهد، و لو با استنابه در طواف و سعی، حج او صحیح است، و اگر

مناسک حج (امام خمینی)، ص: ۳۴۲

نمی‌تواند حج به جا آورد احوط آن است که وظیفهٔ محصور را انجام دهد و با احرام مزبور عمرهٔ مفرده هم انجام دهد.

خمینی، سید روح اللّه موسوی، مناسک حج (امام خمینی)، در یک جلد، ه ق

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹